

آموزش فاطمی جشن فانوس سال ۲۰۰۳ در کنفرانس فای غرب ایالات متحده

لی هنگجی، ۱۵ فوریه ۲۰۰۳

(تشویق طولانی) بیابید بنشینیم.

دوباره از آخرین باری که همدیگر را دیدیم مدت زیادی می‌گذرد. ظاهراً افراد خیلی زیادی می‌دانستند من به این کنفرانس فاطمی می‌آیم. همگی تان کاملاً در جریانید! همان‌طور که تزکیه می‌کنید بیشتر و بیشتر شگفت‌انگیز می‌شوید. (تشویق) امروز ابتدا در مورد وضع اصلاح فاطمه شما می‌گویم، و همین‌طور وضعیت خودم، و بعد کمی در مورد بعضی موضوعات که هم‌زمان با پیشرفت اصلاح فاطمه بین شاگردان مان و در تزکیه تان سربرآورده‌اند صحبت می‌کنم.

در موقعیت‌های مختلف، و از زوایای متفاوت، درباره‌ی نیروی عظیم اصلاح فاطمه تمام کیهان صحبت کرده‌ام. امروز شکل اصلاح فاطمه را باز هم از زاویه‌ای دیگر به شما توضیح می‌دهم. به طوری که می‌دانید، این کیهان بی‌نهایت عظیم است، آن قدر عظیم که نمی‌توان آن را اندازه گرفت— و منظورم روش‌هایی که موجودات بشری چیزها را اندازه می‌گیرند نیست، بلکه حتی با روش‌هایی که خدایان به کار می‌برند. قبلاً گفته‌ام که موجودات ذی‌شعور بی‌شماری وجود دارند. هیچ کدام از آن‌ها نمی‌توانند دقیقاً سردر بیاورند که چند مولکول زمین را می‌سازد، و هر ذره‌ای یک موجود است. و بعد سیاره‌های بسیار زیادی در کیهان وجود دارد، تعدادشان بسیار زیاد است. و یک بدن کیهانی چه اندازه بزرگ است؟ حتی اگر تخیل تان را آزاد بگذارید، هنوز هم فقط در محدوده‌ی ذره‌ای از یک بدن کیهانی کوچک است. در کیهان بسیار عظیم، فقط موجودات نیستند که غیرقابل شمارش‌اند، بلکه سطوح هم غیر قابل شمارش هستند. حتی برای خدایان بی‌شمارند، و حتی پادشاهان و لردها در سطوح بی‌نهایت بالا آن را این‌طور می‌بینند. برای همین است که در جلسات اخیر آموزش فاطمه صحبت درباره‌ی اینکه کیهان چقدر بزرگ است را متوقف کردم— دیگر کاملاً غیرممکن بود که آن را با زبان بشری توصیف کرد. اما هرچه سطح بالاتر باشد، آن موجودات و بعدها عظیم‌تر می‌شوند، و آنها آن قدر عظیم می‌شوند که توصیف‌شان ممکن نیست. حجم یک موجود در آن بالا از همه کیهان‌های پایین‌تر از خود فراتر می‌رود. این قدر بزرگ. در رابطه با اصلاح فاطمه، بیست درصد موجودات کیهان کهن درگیر شدند و تمام چیزهایی که در اصلاح فاطمه خواهند آن بودند را، نظم و ترتیب دادند؛ در تمام سطوح مختلف، گروهی از موجودات مستقیماً در این اصلاح فاطمه درگیر شدند. هیچ‌گاه نمی‌توانستند تصور کنند که درگیر شدن‌شان، دقیقاً همان مانع اهریمنی واقعی برای این اصلاح فاطمه است. اما درگیر شدن آنها مانع بسیار عظیمی برای تمام اصلاح فاطمه وجود آورده است، و منجر به این شده که موجودات ذی‌شعور بی‌شماری نابود شوند. "آیا استاد بخشنده نیست؟ فقط آنها را ببخش و دیگر مشکلی نیست." نیروهای کهن دقیقاً از رحمت عظیم من سوءاستفاده می‌کرده و بازی می‌کرده‌اند. فاطمه در خصوص همه‌ی موجودات بخشنده است، ولی در عین حال باوقار و پرابهت است. و فاطمه استانداردهایی دارد، در مقابل موجودات ذی‌شعور، تغییرنیافتنی و تخطی‌ناپذیر است، و چیزی نیست که بتوان سرسری بر آن اثر گذاشت. من می‌توانم در خصوص موجودات ذی‌شعور بخشنده باشم، ولی، وقتی یک موجود واقعاً از چیزی تا آن حد تخطی کرده باشد، برای قضاوت او فاطمه آنجاست، و هرگونه رحمت بیشتری بیش از حد می‌بود، مثل نابود کردن خودش می‌بود، بنابراین موجوداتی بدین گونه، مهر نابودی می‌خورند.

در طول اصلاح فاطمه، تعداد موجودات ذی‌شعور در کیهان که به خاطر درگیر شدن نیروهای کهن دور ریخته شده‌اند بی‌شمار است. پس، طریقه درگیر شدن آنها، روشی که این کار را انجام داده‌اند— که روشی است که فکر می‌کنند به بهترین شکل می‌تواند آنها را قادر به رسیدن به مقاصدشان کند، و خاص‌ترین روش‌شان— این است که کاری کنند تمام بدن‌های کیهانی بزرگ و

بسیار عظیم یک قدم وارد پایین‌ترین سطح کیهان، سه قلمرو، شوند. این فقط یک تشبیه است. به عبارت دیگر، همگی آنها کاری کردند که بخشی از آنها به درون سه قلمرو فشرده شد. دربارهٔ این فکر کنید، وقتی چنین بدن‌های کیهانی بزرگ و موجودات بسیار عظیم وارد سه قلمرو می‌شوند، چه وضعیتی را در سه قلمرو به وجود می‌آورد؟ بشریت امروز به حدی فاسد شده است که نمی‌توان آن را با هیچ یک از انواع بشرهای گذشته مقایسه کرد. حتی خدایان زمینی هم فشار بسیار عظیم را احساس کرده‌اند. از آنها درباره‌ی این تغییر پرسیدم، و آنها گفتند، "فکر می‌کردیم به خاطر حالت تزکیه‌مان است". بنابراین حتی قدرت‌های موجودات خدایی زمین دیگر عمل نمی‌کند، چراکه آن موجودات بسیار عظیم بر هر چیزی در این پایین‌ترین سطح کیهان اثر بازدارندگی دارند. و بعد از پایین آمدن به اینجا، در خصوص تغییرات منحرف موجودات و ماده در سه قلمرو، آسیب غیرقابل‌تصور به بار آورده‌اند. اگر برای اصلاح دنیای بشری توسط ما نبود، که در نهایت چیزها را دوباره به طور کامل مرتب می‌کند، این مکان ورای بازسازی می‌شد، هیچ کسی نمی‌توانست کاری برای آن انجام دهد، و دیگر برگشتی برای آن نبود.

روشی که معمولاً به کار می‌برند این است که کاری کنند بدن‌های کیهانی بسیار عظیم و افلاک بی‌شماری به هم فشرده شده و به داخل سه قلمرو چپانده شوند. هر چه سطح آن موجودات بسیار بزرگ بالاتر باشد، حجم‌شان بیشتر است، اما ذرات و عناصری که آنها از آن ساخته شده‌اند، ظریف‌تر و متراکم‌تر می‌شود، یعنی، میکروسکوپی‌تر. پس وقتی موجوداتی به آن عظمت همه به هم فشرده و چپانده می‌شوند، درباره‌اش فکر کنید، آن در این پایین‌ترین سطح کیهان شبیه چه می‌شود؟ یک پردهٔ بزرگ و قوی را شکل داد. در حقیقت، اصلاح فای کیهان [به سرعت] یک حرکت دست انجام می‌شود. فقط این طور است که در روند این حرکت [دست]، آنچه که موجودات در زمان - مکان‌های زیاد کیهان احساس می‌کنند فرق بسیار زیادی با هم دارد. بعدها بی‌کران و بی‌اندازه همه زمان خودشان را دارند، و فرق بین زمان‌ها، و تعداد زمان‌ها نیز بی‌کران و بی‌اندازه است، و این چیزی است که باعث تفاوت عظیم بین زمان‌ها در بعدها مختلف شده است. وقتی حرکت دست انجام می‌شود، بعضی جاها تقریباً هم‌زمان هستند، درحالی که در بعضی جاها دهه‌ها، قرن‌ها، هزاره‌ها، یا ده‌ها هزار سال گذشته است، و در جاهای دیگر چند صد میلیون سال، یا حتی میلیون‌ها میلیون سال، یا مقادیر بی‌کران و بی‌اندازهٔ زمان سپری شده است. اینجا که موجودات انسانی هستند آن قدر هم بد نیست، فقط بیشتر از یک دهه شده است. یعنی زمان است که تفاوت‌ها را به وجود آورد.

بیباید درباره‌اش فکر کنیم، چنین تفاوتی بین بعدها و زمان‌های مختلف وجود دارد، بنابراین گرچه آن بدن‌های کیهانی عظیمی که به داخل سه قلمرو فشار داده شدند وارد این مکان بشری شده‌اند، اما آنها فشرده هستند. اگر با مفاهیم فکر بشری آن را درک کنید، [متوجه می‌شوید که] حجم کلی بدن آنها کمتر شده است، اما مفهومی این نیست که ساختارهای درون‌شان تغییر کرده باشد. و اگر ساختارهای درونی آنها تغییر نکرده باشد، پس درباره‌ی آن ببینید، اگر به داخل آنها وارد می‌شدید پی می‌بردید که آنها هنوز بعدهایی به بزرگی قبل هستند. وقتی انجام اصلاح فا را شروع کردم، کارها را خارج از سه قلمرو انجام دادم -- به اطراف سه قلمرو رفتم. و چرا به اطراف آن رفتم؟ اگر این کار را داخل سه قلمرو انجام داده بودم، آن وقت سه قلمرو، اگر بشری بیان کنیم، نقطهٔ کانونی اصلاح فای کیهان شده بود -- اینجا جایی می‌بود که هم‌جوشی و شکافت هسته‌ای ذرات میکروسکوپی‌تر اتفاق می‌افتاد، میدان نبرد اصلی اصلاح فا می‌شد، و همهٔ تغییرات بسیار بزرگ در بدن‌های کیهانی و موجودات بسیار عظیم دقیقاً اینجا اتفاق می‌افتاد. پس، درباره‌ی آن فکر کنید، سه قلمرو تا حدی که دیگر چیزی باقی نمی‌ماند نبود می‌شد، تا جایی که چیزی به جای نمی‌ماند. برای همین است که به اطراف سه قلمرو رفتم.

از خارج سه قلمرو شروع به انجام اصلاح فا کردم، حرکت در تمام راه به بالا، نه فقط در طول یک مسیر، بلکه در تمام جهات، بسط و توسعه به سمت عالم میکروسکوپی و ماکروسکوپی به طور هم‌زمان، حرکت هم به بالا و هم به پایین، زیرا چیزی که میکروسکوپی‌تر و چیزی که ماکروسکوپی‌تر است مفهوم یکسانی دارند. به هر جا که رفته‌ام، آن را طوری انجام داده‌ام که از تمام زمان‌ها پیشی می‌گیرد. از بالا که به آن نگاه کنیم، سرعت بسیار بالای گسترش و برخورد بسیار عظیم، حتی برای خدایانی که آن را می‌بینند، طوری مبهوت‌کننده است که هرگز نظیر نداشته است. به هر جا که رسیده‌ام، تمام بدن‌های کیهانی از هم‌پاشیده و دوباره شکل می‌گیرند، بیشتر آنها با راه‌حلی نیک‌خواهانه روبرو می‌شوند، و برخی از بین می‌روند. اخیراً کشفیات علم نجوم در ایالات متحده را دیده‌اید که به پدیدهٔ شکل‌گیری دوبارهٔ کهکشان‌ها و سیارات مختلف مربوط می‌شود. آنها صحنه‌هایی از

شکل‌گیری دوباره‌اند که در محدوده‌ای هستند که موجودات انسانی می‌توانند مشاهده کنند. در حال حاضر نوع بشر هنوز نمی‌داند که اگرچه بین بدهای مختلفی که در فواصل مختلف هستند تفاوت زمانی بسیار زیاد است، با این حال آنها هنوز هم در واقع درون یک زمان بزرگ و یکسان هستند، و فقط این‌طور است که تقسیم‌بندی بعدها حوزه‌های مختلفی از زمان را شکل داده است. به هر صورت، واقعیت این است که چیزها هم‌زمان در حال روی‌دادن هستند. همه‌چیز این‌طور مبهوت‌کننده در حال روی‌دادن است. انفجار آن مقدار عظیم انرژی، دوباره‌شکل‌گیری... فرآیند این نوع از دوباره‌شکل‌گیری بی‌نهایت ماکروسکوپی و بی‌نهایت میکروسکوپی است، و شگفتی جزئیات ریز آن، پیچیدگی گسترده میکروسکوپی آن، عظمت پیچیده بودن آن، و وسعت افلاک، حتی خدایان بسیار عظیم هم از تمام این‌ها در حیرتند. علی‌رغم تمام این‌ها، جریان اصلاح‌ها بسیار سریع اتفاق می‌افتد و تمام می‌شود، در یک آن به انجام می‌رسد، و همه‌چیز انجام می‌شود-- به عالی‌ترین صورت ممکن انجام می‌شود. اما بخشی که به درون سه قلمرو فشرده شده با چیزی که در بالا است به صورت یک وجود، پیوسته است، و آنها به هم متصل‌اند. و فضای داخل بدن بسیار عظیم آنها بی‌نهایت وسیع است. قبلاً گفته‌ام که رفتن از چیزی که سطح یک موجود عظیم را تشکیل می‌دهد تا میکروسکوپی‌ترین قسمت آن، یا، فاصله درون بدن خود آن، چیزی است که یک خدای بسیار عظیم حتی در کل زندگی خود نمی‌توانست ببیند. و به این فکر کنید که حیات یک خدا چقدر طولانی است!-- آن موجودات این قدر عظیم هستند. ولی در اصلاح‌ها در یک آن انجام می‌شود. بی‌نهایت آن سریع است. با این وجود، در سه قلمرو، اگر از نقطه‌نظر بشری آن را بفهمیم، آنها فشرده شده‌اند و حالا آن قدر باریک و کوچک هستند که قابل توصیف نیست، اما زمان، بعد، و ساختار آنان مثل همان‌هایی است که در بالا هستند. هنگامی که یک لایه بسیار عظیم در آن بالا گذرانده شده است، چیزی که این پایین است به شکل متناظر عمل می‌کند، و در همان مقدار از زمان، از یک لایه بسیار نازک گذر شده است. افلاک و بدن‌های کیهانی بسیار زیادی به درون سه قلمرو فشرده شده‌اند، و تعداد موجوداتی که همراه با آنان وارد سه قلمرو شده‌اند بی‌شمار است. بنابراین اصلاح‌ها به این صورت دیده می‌شود که همراه با آن بالا در کیهان و در عالم میکروسکوپی‌اش با شدت به‌پیش می‌رود. اگر با استفاده از درک‌های آن سطح مقایسه‌ای به عمل بیاوریم، سرعتش حتی بیش‌تر از سرعت انفجار لیزر در آن سطح است. فقط آن را با استفاده از کلماتی که مردم می‌توانند به‌عنوان سریع‌ترین درک کنند بیان می‌کنم. پس وقتی یک بدن کیهانی که به شکل غیرقابل مقایسه‌ای عظیم است در آن بالا به‌وسیله‌ها اصلاح شده باشد، در دنیای انسانی انگار که لایه نازکی از پوست برداشته شده است. آیا منظور مرا متوجه می‌شوید؟

پس چرا این‌طور است که طی اصلاح‌ها، در سه قلمرو نفوذ به‌سوی سطح این‌قدر آهسته است؟ دلیل آن این است. وقتی اصلاح‌ها به دنیای بشری برمی‌گردد، تمام عناصر و موجودات کیهانی در کیهان‌های آن بالا، همگی به‌طور کامل مورد مراقبت قرار گرفته‌اند. آنها به موازات هم اتفاق می‌افتند، و هم‌زمان تمام می‌شوند. وقتی اصلاح‌ها در آن بالا کامل می‌شود، اینجا از سه قلمرو ما عبور کرده می‌شود. حالا باز هم از زاویه‌ای دیگر درباره‌ی آن صحبت می‌کنم، یعنی، برای شما تشریح می‌کنم که چرا وقتی اصلاح‌ها آغاز شد آن را داخل سه قلمرو انجام ندادم. بعضی شاگردان فکر می‌کنند، "استاد نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تصدیق نمی‌کند. پس چرا استاد فوراً نیروهای کهن را نابود نمی‌کند؟" استاد می‌تواند این کار را انجام دهد، و بدون توجه به اینکه چقدر بزرگ باشند، استاد هنوز هم می‌توانست آن را انجام دهد. اما درباره‌ی این فکر کرده‌اید: اگر برای انجام کارها انرژی بزرگ و بسیار عظیم در اصلاح‌ها را به اینجا در سه قلمرو تغییر مسیر می‌دادم، مثل این می‌بود که با بمب اتمی یک پشه را زد، استفاده ناشیانه‌ای از نیرو می‌بود. اگر انرژی عظیم را به اینجا تغییر جهت می‌دادم، مثل ایجاد میدان نبردی در همین‌جا در سه قلمرو می‌بود. هرچند آنها وارد سه قلمرو شده‌اند، بدن‌های بسیار عظیم آنها هنوز آن بالا هستند. چیزی که به اینجا فشرده شد فقط یک قسمت است. پس وقتی آنها را [اینجا] متلاشی و شکل‌دهی دوباره می‌کردم، توده‌های وابسته و بزرگ‌تر آن بالا، پیوسته اینجا جای آنها را می‌گرفت، همان‌طور که پیوسته آنها را متلاشی می‌کردم آنها پیوسته به اینجا فشرده می‌شدند، و بدن‌های کیهانی دیگر هم همین کار را می‌کردند-- بدن‌های کیهانی‌ای که فشرده شده بودند پشت سر هم به اینجا می‌آمدند. پس درباره‌اش فکر کنید، اگر بدن‌های کیهانی و موجودات بسیار عظیم و بی‌شمار به‌طور پیوسته به اینجا می‌آمدند، این مکان مثل محلی برای شکافت تمام ذرات می‌شد، و نقطه کانونی کیهان می‌شد. نیروی من هم توده‌ای بسیار عظیم است، پس اگر آن نیروی زیاد روی این یک نقطه به کار گرفته می‌شد، استفاده غیر موثری از آن می‌بود، و بعلاوه، مدتی طولانی به درازا می‌کشید.

حتی اگر در آخر واقعاً می‌توانستیم از سد تمام آنها بگذرم و همه چیز را کامل کنم، درباره‌ی آن فکر کنید، اینجایی که انسان‌ها هستند، اینجا در سه قلمرو، چیزی باقی نمانده بود. بعد از آن برخورد بسیار عظیم چیزی وجود نمی‌داشت. این یکی از دلایلی است که چرا مستقیماً آن را اینجا انجام ندادم. و چرا مستقیماً و بلافاصله، به شکلی استثنایی، با وضعیت‌هایی که در سه قلمرو پیش می‌آیند برخورد نمی‌کنم؟ زیرا وقتی از آنها خلاص می‌شدم یکسره به آمدن ادامه می‌دادند تا سد راه من شوند، و ماجرای که در بالا عنوان کردم اتفاق می‌افتاد. بنابراین جز در حالتی که مشکلات بزرگ داخل سه قلمرو پیش بیاید نمی‌توانم کارها را در این مکان انجام دهم. اصلاح فا در مجموع به شکل فراگیر انجام می‌شود، و نمی‌توانید فقط به این مکان بشری تأکید داشته باشید. اگر به خاطر این، نجات تمام عناصر پایانی بدن‌های افلاک عظیم‌الجثه به تأخیر می‌افتاد، حتی وحشتناک‌تر می‌بود.

اما، این را قبلاً شنیده‌اید، و استاد این را به شما گفته است: من برای کل اصلاح فا، توده بزرگی از گونگ نیز در اینجا بین افراد عادی باقی گذاشته‌ام. آن درخصوص حفاظت از تزکیه و اعتباربخشی شاگردان به فا مشکلی ندارد و قطعاً از عهده آن برمی‌آید. اما چیز دیگری هست: چرا نیروهای کهن قادرند که بر امور اثر بگذارند؟ دلیلش این است که تمام موجوداتی که به سه قلمرو فشرده شده‌اند نیروی کهن هستند، و آنها یک پرده را شکل داده‌اند، و هر زمان که بخواهم به روش ویژه‌ای کارهایی انجام دهم با هم جمع می‌شوند تا مانع آن شوند. و اگر در انجام آن پافشاری کنم، آن وقت آنها تمام قدرت‌شان را متمرکز می‌کنند تا سد راه آن شوند.

قبلاً، وقتی در نمایشگاه سلامتی آسیایی در چین بودم، برای اینکه اجازه دهم مردم بیش‌تری درباره‌ی دافا بدانند، شخصاً برای مردم شفادرمانی را انجام می‌دادم. بعضی افراد واقعاً کارمای بسیار زیادی داشتند، و وقتی درحال درمان آنها بودم، نیروهای کهن نمی‌گذاشتند آنها را شفا دهم. روشی که نیروهای کهن برایم مانع ایجاد می‌کردند این بود که تربیتی دهند خدایان بی‌شمار و بی‌حد و حصر بلافاصله جایی را که ریشه ناراحتی آن شخص بود مسدود کنند. آنها بسیار کوچک می‌شدند. گاهی اوقات یک مرید دافا غالباً می‌بیند که یک لکه روشن و طلایی جلوی چشمانش برق می‌زند، و این آنها هستند. آنها ریز می‌شدند، ولی تراکم‌شان کاملاً بالا بود، به طور متراکمی با هم جمع می‌شدند، و جایی را که ریشه ناراحتی بود مسدود می‌کردند. ولی در واقع، نمی‌توانستند سد راه من شوند. می‌توانستم آنها را بگیرم و دور بیندازم، و می‌توانستم آنها را بر زمین افکنم. در اصلاح فا اصلی وجود دارد: هر طور که من مسئله‌ای را اداره می‌کنم درست و صالح است. این کلمات را از استاد به یاد داشته باشید: هر طور که مسئله‌ای را اداره کنم صالح است، و آنهایی که با آنها برخورد می‌شود همیشه نادرست هستند. (تشویق) علت این است که آن انتخاب کیهان است، انتخاب آینده. به هر صورت، به منظور این که یک فرد عادی را شفا داد، مجبور بودم آن خدایان را بر زمین افکنم، و بعد از اینکه توسط من به زمین افکنده می‌شدند بلافاصله از مقام‌های دستیابی‌شان خلع شده، و دور ریخته می‌شدند. اما آنها، برای اینکه از قوانین کهن کیهان حفاظت کنند-- آنها نمی‌توانستند قوانین کیهان جدید را ببینند-- سرسختانه آنجا را مسدود می‌کردند، و بعد از اینکه دسته‌ای از آنها را خارج می‌کردم، دسته دیگری می‌آمد، و پیوسته پر می‌شد. استاد دل انجام این کار را نداشت، حتی با این که آنها اصلاح فا را درک نمی‌کردند، نمی‌توانستم خدایان بسیار زیادی را نابود کنم تا فقط با یک فرد عادی نیک‌خواه باشم.

در مورد این صحبت کردم تا برای‌تان بگویم که دلیل اینکه بسیاری از چیزها در اصلاح فا آن طور که ما مایل بودیم خوب از کار درنیامده‌اند این است که هم سطوح پایین و هم سطوح بالای نیروهای کهن با هم در حال انجام این کار بوده‌اند، و از چگالی عظیم‌شان استفاده کرده‌اند تا مانع امور شوند. همان طور که کمی قبل گفتم، من توانایی درهم شکستن آن را دارم، اما اگر می‌خواستیم از سد آن بگذرم، مجبور می‌بودم انرژی عظیمم را به اینجا تغییر مسیر دهم تا تماماً آنها را از بین ببرم، اما، آن وقت آنها ماده بسیار عظیم، تمام ماده، در کیهان را درست در اینجا جمع می‌کردند، و این مشکلاتی بوجود می‌آورد که سخت بود فوراً آنها را حل کرد. البته، در این اصلاح فا زمانی که شاگردان ما به شکل درست عمل می‌کنند، آن وقت آن مشکلات وجود نخواهد داشت. وقتی گونگ و انرژی‌ای که در این مکان از کیهان، در سه قلمرو، به جا گذاشتم کارهایی را انجام می‌دهد، اگر شاگردان ما به شکلی درست عمل نکنند، آنگاه نیروهای کهن مقاومت می‌کنند، و حالتی از ممانعت ظاهر می‌شود. برای همین است که به شاگردان مان گفته‌ام که مسیری درست را بیمایند و به آنها اجازه ندهند بهانه‌ای پیدا کنند. یک‌بار که یک بهانه بزرگ پیدا کنند

شما را نابود می‌کنند. و مخصوصاً وقتی که پایان کار است و درحال انجام آخرین تلاش‌شان هستند این‌طور است. وقتی نتوانند بهانه‌ای پیدا کنند جرأت نمی‌کنند شما را شکنجه و آزار کنند، زیرا آن‌وقت آنها نیز قوانین را نقض می‌کنند، و آنها این را می‌فهمند، پس نیازی نمی‌بود که من آنها را از بین ببرم-- قوانین کیهان کهن آنها را از بین می‌برد. علتش این است که آنها موجودات کهنی هستند که محافظت سخت از قوانین کهن را اساسی‌ترین چیز در نظر می‌گیرند.

پس حالا که صحبت به اینجا کشید، درباره‌ی مسئله‌ی دیگری صحبت می‌کنم: وضعیت استاد. قبل‌تر به شما گفتم که زمانی که به اطراف سه قلمرو می‌رفتم، آن عناصر پایانی بدن‌های کیهانی کیهان از این موضوع سوءاستفاده کردند و وارد شدند. بنابراین آن موجودات بسیار عظیم و بسیار زیادی که توسط فاصلا نشده بودند یک حایل ایجاد کردند، حتی بین بدن گوشتی سطحی من در اینجا و بدن خدایی و گونگ عظیم در سوی دیگر. این تصور که بین چیزها شیئی را قرار داد تا آنها را از هم جدا کرد، متفاوت از این حایل است، شبیه هم نیستند. بلکه، این از عالم میکروسکوپی همه چیزها می‌آید، و با وجود اینکه به نظر می‌آید در تمام فضاهای بینابینی جذب شده است، اما آنها سطوح و قلمروهای خودشان را دارند و از ذرات پایین‌تر از سطح‌شان متمایزند. اما، فاصله‌های بین ذرات به وجود بعدها و زمان بستگی دارد، و وقتی آن بدن‌های کیهانی بسیار زیاد و بسیار عظیم بالاترین سطح وارد فضاهای بین تمام ذرات در سه قلمرو شدند، وسعت اولیه‌ی بعدها و طول‌های زمانی را تغییر دادند و زمان‌ها و بعدها به دفعات بی‌شماری افزایش یافتند، بنابراین پرده‌ای از فواصل عظیم ساخته شده از بعدها بسیار دور و زمان‌های طولانی شده را شکل دادند، و این به نیروهای کهن اجازه داد تا کارهایی را که خواهان انجام آن بودند تحت حفاظت این پرده فواصل انجام دهند.

می‌توانم به شما بگویم، آنها با مردم مداخله می‌کنند و با تفکر مردم مداخله می‌کنند، نه فقط از بیرون، بلکه می‌توانند از میان بدن بشری نیز عبور کنند. وقتی عوامل سطح بالا، سطح یک بدن بشری را مهار می‌کنند، آن خدایان نیروهای کهن می‌توانند درحالی که محافظت می‌شوند از میان بدن افراد عادی عبور کنند. از نقطه‌نظری دیگر، وقتی با چشم‌های بشری به سطح بدن بشری مان نگاه می‌کنید، شکل بشری و بافت‌های گوشتی و پوستی بسیار ظریف و چسبیده‌اند، ولی وقتی با یک میکروسکوپ بزرگ با بزرگ‌نمایی بالا به بدن بشری نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که ذرات یک فرد و بدن او که از آن ذرات ساخته شده است به زبری شن هستند، و شکاف‌های بسیار زیادی وجود دارد. و اگر مردم این فناوری را داشتند که چیزها را بیشتر بزرگ‌نمایی کنند، شکاف‌ها به طرز مبهوت‌کننده‌ای بزرگ بودند. از نقطه نظر یک سطح میکروسکوپی‌تر، شکاف‌های بین ذرات آن قدر بزرگ هستند که صرفاً مثل فاصله‌ی فضایی بین مولکول‌ها و سیارات است. با چنین فاصله‌ی بزرگی، آیا برای موجودات و ماده‌ای که از ذرات حتی میکروسکوپی‌تری ساخته شده‌اند آسان نیست که آزادانه از آن میان عبور کنند؟ بنابراین بعضی اوقات آنها به درون سطح و ظاهر یک فرد رخنه می‌کنند، و در ظاهر شبیه آن فرد به نظر می‌رسد، و در عالم میکروسکوپی هنوز هم آن فرد است، اما یک موجود دیگر خودش را در آن وسط جای داده است.

تمام این‌ها را که گفتم، می‌خواهم به شما بگویم که شما این مشکل را ندارید، و من به طور کامل بخشی از شما را که کامل تزکیه شده است برای تان مهر و موم کرده‌ام. اگر یک مرید دافا به طور درست عمل کند، آنگاه هیچ چیزی جرأت نمی‌کند وارد بخش سطحی‌ای که هنوز کامل تزکیه نشده است بشود. یکی اینکه موجودات کهن جرأت نمی‌کنند فای کیهان کهن را مختل کنند، و مورد دیگر اینکه شما استاد را دارید و خدایان محافظ فا را دارید. اگر وابستگی‌ها در سمت سطح بشری تان خارج نشده باشند، آنگاه استاد و خدایان محافظ فا در موقعیت سختی قرار می‌گیرند. اما اگر افکار درست شما قوی باشد، آنگاه استاد و خدایان محافظ فا می‌توانند برای شما هر کاری انجام دهند.

وضعیت من چیزی نیست که موجودات عادی بتوانند تصور کنند. استاد طی اصلاح فای حیات‌های تمام موجودات در کیهان و حیات‌های تمام عناصر گوناگون را در بدن خودش گرفته است. اول از همه، این کار برای دلایل ایمنی در اصلاح فا است-- حیات‌های تمام موجودات، اینجا با من است، پس هیچ کسی نمی‌تواند کارهایی انجام دهد که کیهان را به خطر بیندازد. دوم اینکه، برای این است که هیچ موجود یا هیچ یک از عناصر گوناگون در کیهان از اصلاح فا طفره نروند. و سوم اینکه، این برای حفاظت از حیات‌شان طی اصلاح فا است. برای همین است که همه جای بدن استاد شکل‌هایی از موجوداتی در سطوح گوناگون

کیهان با اندازه‌های مختلف و انواع متفاوت وجود دارد، و همین‌طور تصاویر دائیها، خدایان، و بوداها، و شکل‌های انسان‌ها هم شامل هستند؛ بعضی از آنها بزرگ هستند، بعضی کوچک. اما آنها نمی‌توانند با استاد مداخله کنند، و نمی‌توانند هیچ تأثیری اعمال کنند، چون چیزی که اتفاق افتاده این است که من حیات‌های تمام موجودات را [در خود] گرفته‌ام. بعضی از آنها را با چشم بشری می‌توان دید، و چشم سوم شاگردان همگی می‌توانند آنها را ببینند. من قبلاً دربارهٔ این صحبت نکرده‌ام. وقتی بعضی شاگردان که مشکلات سنین‌سینگ داشتند آنها را دیدند تخیل‌شان لگام‌گسیخته شد.

گفته‌ام که حالت‌های مختلف تزکیه‌تان، سطوح مختلف و حالت‌های متفاوت وضعیت‌های تزکیه را بوجود می‌آورد. افرادی که چشم سوم‌شان بسته است باید از حقایق فاروشن شوند، در صورتی که آنهایی که چشم سوم‌شان باز است با مداخله از طرف دیده‌های کاذب مواجه می‌شوند. به منظور آزمایش شاگردانی که می‌توانند ببینند، آن نیروهای کهن نهایی بالاترین سطح که توسط فا اصلاح نشده‌اند در گذشته نیروهای کهن سطح پایین را هدایت می‌کردند که در فواصل افزایش یافته در مکان و زمان، کارهای بد انجام دهند. این عمل آنها طی اصلاح فا گناه‌کارانه است-- ایمان درست و افکار درست مریدان دافا را شدیداً تکان داده است.

اما همیشه باید یک چیز یادتان باشد: مهم نیست چه کسی مداخله می‌کند، تماشای موقتی است، تماشای توهم است، بدن اصلی نیست، و تماشای صرفاً مثل عبور جریان هوا است. انواع و اقسام موجودات و عناصر مادی در همه جای بعدها وجود دارند، تعدادشان بسیار زیاد بوده و بی‌حد و اندازه هستند. آنها با شکل یا بدون شکل در آنجا هستند، و آنها موجوداتی در بعدها میکروسکوپی و در بعدها مختلف هستند. قبل از آنکه اصلاح فا به انجام برسد، خدایان میکروسکوپی در کیهان، همه در بعدها خودشان هستند، که در یک زمان و یک مکان وجود دارند. اینکه اینجا بمانند یا نمانند فقط یک مفهوم است. آن عناصر، شکل یا بی‌شکل، به طور طبیعی آنجا وجود دارند، و اصلاً نفوذی روی شما ندارند. هیچ کسی نمی‌تواند مریدان دافایی را که افکار درست و اعمال درست دارند زیر کنترل بگیرد.

همچنین به شما می‌گویم که گرچه عناصر و موجودات عظیم سطح بالای نیروهای کهن به نظر می‌رسد که ظاهر من را جدا کرده باشند، اما هرگز نمی‌توانند [من را از] بخش میکروسکوپی ترم جدا کنند، زیرا هیچ موجودی نمی‌تواند از من فراتر برود. (تسویق) آن چیزی است که آنها هرگز نمی‌توانند ببینند، و چیزی است که موجودات ذی‌شعور در کیهان هرگز نمی‌توانند ببینند-- فقط خود من می‌توانم آن را کنترل کنم. به عبارت دیگر، پدیده‌ای که در بالا بحث کردم تأثیری دروغین برای افراد ایجاد کرده و باعث بعضی درک‌های نادرست شده است. حالا به شما گفتم که موضوع از چه قرار است.

می‌توانم به شما بگویم: این من که شما الان با چشم‌های بشری و گوشتی‌تان می‌بینید-- سطحی‌ترین من-- من واقعی، لی هنگجی است. چیزی که شما آن طرف در سمت دیگر می‌بینید بدن بودای من است. این من که الان در بیرونی‌ترین سطح می‌بینید بدن اصلی من، لی هنگجی است. (تسویق) چرا؟ زیرا برای انجام این کار، برای نجات تمام موجودات، من به پایین‌ترین سطح آمده‌ام. (تسویق) پس نگران هیچ چیزی که دیده‌اید نباشید. حتی اگر بدن قانون مرا دیدید، بدن گونگ مرا دیدید، یا بخشی از بدن من در سطوح بالاتر را دیدید، هیچ وابستگی‌ای رشد ندهید. همه آنها با این من سطحی که بدن اصلی است وجود دارند. پوسته‌ی بشری‌ام در بیرونی‌ترین رویه، بدن اصلی است. (تسویق) اما چون استاد بین مردم عادی است، برای اینکه اینجا زندگی کنم مجبورم با قوانین موجود برای موجودات بشری در این دنیا مطابقت داشته باشم. اگر این کار را نمی‌کردم مردم فکر می‌کردند من به نوعی عجیبم. نیروهای کهن می‌خواهند بعضی کارهای شیطنت‌آمیز نسبت به من انجام دهند، و آنها پیوسته به انجام بعضی کارهای بد پرداخته‌اند. برای این که افکار درست مریدان دافا تحت تأثیر قرار نگیرد، بجز آن حیات‌های تمام موجودات در کیهان که اینجا پیش خودم گرفته‌ام از هیچ عنصر بیگانه‌ای استفاده نمی‌کنم. تمام من‌های تقلبی در کیهان از روی قصد توسط نیروهای کهن ساخته شد. انجام این کار گناه‌آمیز است، صرف نظر از اینکه برای این بود که تأثیر مثبتی بگذارد یا تأثیری منفی. فکر می‌کنم که حالا این موضوع را به‌طور کامل برای شما توضیح داده‌ام.

هرچند به اینجا آمده‌ام، کسی نمی‌تواند ببیند که چقدر در نهایت میکروسکوپی هستم. آنها فقط می‌توانند سطحی‌ترین ذرات بخش بدن بشری من را ببینند. هر شیئی و هر چیزی در کیهان از لایه لایه ذرات میکروسکوپی مختلف تشکیل شده است، که تمام مسیر تا سطح می‌رود. خدایان می‌توانند تمام آن چیزها را ببینند، تا ریشه‌شان دنبال کنند، و تا مبدأشان آنها را ردیابی کنند. درست مثل یک مسیر، ذره ذره به پایین ادامه می‌دهند، تا آن جایی که از آن می‌آیند. من از داخل آمدم، و از خارج آمدم؛ از هیچ آمدم، به چیزی شکل گرفتم، در قلّه افلاک عظیم‌الجثه ظاهر شدم، و سپس از آنجا پله پله تا سطحی‌ترین، تا سه‌قلمرو پایین آمدم. هیچ موجودی نمی‌داند چه کسی هستم.

سابقاً وضعیت دیگری وجود داشت. در رابطه با اصلاح فای من، نیروهای کهن حيله‌های بسیاری را به کار برده‌اند و کارهای خیلی زیادی انجام داده‌اند. نه تنها آن چیزها را نظم و ترتیب دادند، بلکه همچنین می‌خواستند به آن موجودات عظیم در کیهان که درگیر نیستند نشان بدهند که چه کار می‌کنند، و بنابراین بهترین سعی‌شان را کردند تا کارها را با فریب‌کاری بیشتری انجام دهند. آنها مقداری از مواد من، یا مقداری از گونگ من را استفاده کردند، نفوذ خودشان را اضافه کردند، و تصاویری از استاد را ساختند، تصاویر بودا. قبلاً این را به شما نگفتم تا شما را سردرگم نکنم. دلیل دیگری وجود داشت، اینکه قصدشان این نبود که آسیب برسانند، به قول خودشان، آنها می‌خواستند با ایفای نقشی مثبت به من کمک کنند. این‌ها دو بخشی هستند که نیروهای کهن نظم و ترتیب داده‌اند: یک بخش نقش منفی ایفا می‌کند، و بخش دیگر نقشی مثبت ایفا می‌کند. بعضی از آنها وارد بدن شاگردان شدند تا کارهای خاصی را انجام دهند-- موارد معدودی مثل این وجود داشته است. بنابراین بعضی از افرادی که می‌توانستند آن را ببینند می‌گفتند، "وای، شما استاد هستید!" و بعد فکر می‌کردند که او استاد است. اما این را من نظم و ترتیب ندادم، و صریح بگویم، آن من نیست، و من آنها را تصدیق نمی‌کنم، چراکه آنها توسط نیروهای کهن نظم و ترتیب داده شدند. این به خودی خود نشان از فساد کیهان دارد. یک‌بار که افراد آن را دیدند، برای افکار درست شاگردان تأثیرات دروغینی بوجود آورد، و شدیداً به ایمان درست و افکار درست شاگردان لطمه زد، بنابراین آنها باید از بین برده شوند. حالا همه آنها به جهنم انداخته شده‌اند. امروز با مطرح کردن این موضوع همچنین به همگی درحال گفتن این هستم: آن تعداد بسیار کم شاگردان ما، قطعاً مطمئن باشید که به خاطر این موضوع سقوط نکنید. این موضوع شوخی‌بردار نیست. بعضی افراد درحال حاضر در آستانه‌ی سقوط هستند، و درحال حاضر کمی غیرمنطقی هستند. موارد کمی مثل این وجود داشته است. باید مراقب این باشید.

هم‌اکنون کمی در مورد وضعیت صحبت کردم. موضوع دیگری هست، اینکه، عده کمی از شاگردان به‌تازگی حالت‌های نادرستی داشته‌اند. این مشکل نیز بسیار جدی است. این ناشی از چیزهای مختلف بسیاری است. یک دلیل عمده این است که چون سطح شما صعود کرده و استاد مقام دستیابی‌ای را که به‌دست خواهید آورد به شما گفته است، حالا اعتماد به نفس و جسارت بیشتری پیدا کرده‌اید، و احساس اعتماد بنفس زیادی می‌کنید-- فقط می‌توانم با این کلمات پایین‌تر موجودات بشری آن را توصیف کنم، چراکه کلمه مناسب دیگری برایش نیست. بنابراین بعضی افراد گفته‌اند، "لازم نیست دیگر به استاد احترام بگذاریم. فقط لازم است فا را دنبال کنیم، و فا را معلم در نظر بگیریم."

البته، من به شما گفتم که فا را معلم در نظر بگیرید-- این اشتباه نیست. اما دلیل این که به شما گفتم فا را معلم در نظر بگیرید این نبود. پس به خاطر چه بود؟ به طوری که می‌دانید، من ۱۰۰ میلیون مرید دارم. اگر بدن اصلی من شخصاً به هر مرید می‌گفت که چگونه تزکیه کند، و شخصاً از شما مواظبت می‌کرد، اگر وقتی هر کدام از شما پرسشی داشتید همه مستقیماً می‌آمدید از من بپرسید، و اگر تبدیل‌گونگ هر شخص، کمال بهشت‌های‌تان، از بین بردن کارمای‌تان، و تک تک کارها توسط این بدن اصلی من انجام می‌شدند، آن وقت فکر کنید، اداره کردن آن ناممکن بود. قبل از اینکه فا دنیای بشری را اصلاح کرده و موانع پایانی را پاک‌سازی کند نمی‌شد انجام شود. پس وقتی آن تعداد زیاد از شاگردان نمی‌توانند من را ببینند، چطور باید تزکیه کنند؟ فا برای آنها آنجا است، و این دلیل آن است که چرا به شما گفتم فا را معلم در نظر بگیرید. مقصود اصلی این بود. همین‌طور به شما گفتم که این فا بسیار قدرتمند است، و اینکه من توانایی‌های عظیمم را در این فا آمیخته‌ام، پس این فا می‌تواند برای شما هر کاری انجام دهد. (مکت. تشویق) شاگردانی نیز هستند که... در رابطه با وضعیت که قبلاً درباره‌ی آن صحبت کردم، عده بسیار کمی از شاگردان قادر نیستند به آن وضعیت پی ببرند، و در نتیجه به استاد احترام نمی‌گذارند، و شروع

کرده‌اند که جرأت کنند دربارهٔ اینکه سطح این فاجقدر بالا است و دربارهٔ چیزهای مختلف مربوط به من، استادشان، اظهار نظر کنند. این فاجدهاها و لردهای تمام افلاک عظیم‌الجثهٔ بسیار عظیم را تکوین می‌دهد، و چیزی است که هستی تمام موجودات و عناصر مختلف در کیهان را تضمین می‌کند، که شمای بسیار کوچک را هم شامل می‌شود. البته، این طور نیست که نمی‌گذارم شما، شاگردان، در مورد آن مسائل صحبت کنید. اما از کلمات‌تان، وابستگی‌ها و مسیر وحشتناکی را که در آن می‌روید می‌بینم. به‌علاوه، چیزی که شما دیده‌اید صرفاً بسیار پایین است، بعضی از چیزها اصلاً چیزی که شما فکر می‌کنید نیستند، و تعداد بسیار زیادی از آنها نمودهای دروغینی هستند که از نادرست بودن افکار شما ناشی می‌شود.

یکی از چیزهایی که پیش‌تر گفتم این است که کیهان سطوح بی‌شمار و بی‌کرانی دارد. اما تحت تأثیر و نفوذ بالاترین سطح، تمام سطوح بی‌شمار و بی‌کران زیر آن، تمام مسیر تا این مکان بشری، تجلیاتی در سطوح مختلف دارند. درباره‌ی این فکر کنید که تجلیات چقدر می‌توانند پیچیده و وسیع باشند. تجلیات در هر سطحی حقایق آن سطح هستند، و جلوه‌های حقیقت در آن سطح هستند. اما هیچ یک از صحنه‌هایی که در هر کدام از سطوح می‌بینید نهایی نیستند.

به بسیاری از شاگردان اجازه دادم که بعضی از پدیده‌ها در اصلاح فا را که در سطوح مختلف متجلی شده‌اند ببینند تا اعتمادتان به اصلاح فا را افزایش دهم، به شما کمک کنم فا را به خوبی مطالعه کنید، اعتماد بنفس شما در کوشا تزکیه کردن را افزایش دهم، و اعتماد به نفس شما در آشکار کردن واقعیت‌ها و اعتماد به نفس شما در فرستادن افکار درست را افزایش دهم. اطمینان کامل حاصل کنید که پدیده‌هایی که در سطوح بسیار پایین می‌بینید، در چند سطح از پایین‌ترین سطوح بی‌شمار و بی‌کران می‌بینید، به عنوان وضعیت نهایی اصلاح فای کیهان در نظر نمی‌گیرید، زیرا هر چیزی از اصلاح فا تجلیات مختلف و عینی خودش را در هر سطح دارد.

می‌دانید؟ درخصوص تنها موضوع تزکیه، در سطوح پایین‌تر کیهان بسیار پیچیده است. اما در سطوح بالاتر، که دیگر مفهوم تزکیه وجود ندارد و فقط مفهوم از بین بردن کارما هست، ساده می‌شود. در سطوح بالاتر، تمام زحمتی که هست، آماده کردن راه برای صعود به آسمان است. و در سطوح حتی بالاتر، مفاهیمی مثل از بین بردن کارما، تحمل سختی، و تزکیه دیگر وجود ندارند، و صرفاً یک انتخاب است! در سطوح بالای کیهان اصل این است: شما فکر می‌کنید کسی به اندازهٔ کافی خوب است، پس انتخابش می‌کنید—چنین اصلی است. "تزکیه؟ ما برای او تزکیه نظم و ترتیب ندادیم. تزکیه چیست؟ ما فقط می‌خواهیم آن را پاک کنیم، قدم به قدم آن را پاک کنیم، تا به بالا. آن را پاک کنید—به همین سادگی است!" با این حال وقتی در سطوح مختلف متجلی شود، می‌شود آماده کردن راه، دردرس داشتن، تحمل سختی‌ها، از بین بردن کارما، تزکیه، و غیره، تزکیه کردن یک روش، تمرین کردن روش دیگر...

درحالی که در مورد این مطلب صحبت می‌کردم یک حقیقت بزرگ را آشکار کردم. در این کیهان در واقع این که آیا موجودات ذی‌شعور می‌دانند من چه کسی هستم مهم نیست. اما یک موضوع باید روشن باشد، که من درحال انجام اصلاح فا هستم—مهم نیست من چه کسی باشم، من درحال انجام اصلاح فا هستم. قبلاً به نیروهای کهن گفتم، "اشکالی ندارد که نمی‌دانید من چه کسی هستم، و اشکالی ندارد که باور نمی‌کنید من چه کسی هستم، به این خاطر گناهکار محسوب نمی‌شوید. ولی، جایی که می‌روم—در نظر شما من هم درحال تزکیه هستم—یا به چه دست خواهم یافت،/ین را می‌دانید. پس برگردید و به کارهایی که می‌کرده‌اید نگاهی بیندازید—آیا مرتکب گناه نشده‌اید؟" همین‌طور، در سطوح حتی بالاتر این مفهوم که بخواهید به چیزی دست پیدا کنید نیز وجود ندارد. این فقط موضوعی درخصوص انتخاب کیهان است. هر چیزی که طی اصلاح فا انجام می‌دادم و هر چیزی که می‌خواهم، صراحتاً بگوئیم، انتخاب کیهان آینده و نیازهای کیهان آینده هستند. (تسویق) بنابراین برای موجودات کیهان قدیم، و این تمام عناصر موجودات را شامل می‌شود، وقتی به اصلاح فا و چیزی که من انتخاب می‌کنم می‌رسد، اینکه تمام موجودات مسائل را بر طبق انتخاب‌های من موزون و کامل کنند و بهترین ایده‌ها و رویکردهایشان را ارائه دهند—تغییر ندادن چیزی که من می‌خواهم، بلکه موزون و کامل کردن امور مطابق چیزی که گفته‌ام—بهترین فکری است که یک موجود در کیهان می‌تواند داشته باشد. (تسویق) اما نیروهای کهن به این صورت آن را انجام ندادند. آنها انتخاب‌های خودشان را اساسی‌ترین چیز در نظر گرفته‌اند، و فکر کرده‌اند که هر چیزی که من انجام می‌دهم باید هر چیزی که آنها خواهند

آن هستند را هماهنگ و موزون کند-- کاملاً این را برعکس کرده‌اند. نمی‌خواهم جرم‌هایشان را به‌طور خیلی زنده‌ای بیان کنم، در حال حاضر نمی‌خواهم جرم‌هایشان را نام ببرم. اما به‌طور مطلق اشتباه است، مطلقاً نمی‌تواند به این صورت آن را انجام دهند.

تمام فایه‌هایی که الان درباره‌اش صحبت کردم برای این بود که یک مطلب را به شما بگویم: خواه به من احترام بگذارید یا نه، به عنوان استاد شما، واقعاً حقیقتاً برایم مهم نیست. در گذشته، همان‌طور که شما را نجات می‌دادم، بسیاری از شما به من ناسزا می‌گفتید. افرادی بودند که حتی در حین کلاس‌هاییم به من ناسزا می‌گفتند. برایم مهم نیست. فقط می‌خواهم شما را نجات دهم. (تسویق) چیزی که سعی دارم بگویم این است که شخصاً اصلاً برایم مهم نیست شما چطور با استاد رفتار می‌کنید. من تحت تأثیر هیچ عاملی در هیچ سطحی از کیهان نیستم. اما مشکلی هست، اینکه، اگر شما به استاد احترام نگذارید، طبق اصول کیهان اشتباه است، و نیروهای کهن از این شکاف سوءاستفاده کرده و به خاطر این، شما را نابود می‌کنند. بزرگ‌ترین بهانه را برای نابود کردن شما به دست آورده‌اند، چون آنها تمام روندی که شما را نجات می‌دهم دیده‌اند.

در واقع، اگر برای اصلاح فایه نبود، نژاد بشر امروزی مدت‌ها پیش نابود شده بود. استانداردهای تفکر نژاد بشر همین حالا هم در سطحی پایین‌تر از جهنم است. به خاطر اصلاح فایه است که من گناهان تمام موجودات ذی‌شعور در سه قلمرو را جبران کردم. (تسویق) پس درباره‌اش فکر کنید، تا جایی که به شاگردان مربوط می‌شود، مثل این بود که در آن زمان شما را از جهنم بیرون کشیدم. (تسویق) من حقیقتاً گناهانی را که در طول صدها و هزاران سال مرتکب شده‌اید برای تان تحمل کرده‌ام. و فقط همین نیست. به همین خاطر، شما را نیز نجات خواهم داد و تبدیل به خدایان می‌کنم. در این روند از هیچ تلاشی برای شما فروگذار نکرده‌ام. به همراه این، چون خدایانی در سطوحی به آن بالایی می‌شوید، باید افتخار خدایان در سطوحی به آن بالایی و تمام برکت‌هایی را که در سطوحی آن اندازه بالا لازم است داشته باشید به شما بدهم. (تسویق) هرگز، از آغاز زمان، هیچ خدایی جرأت انجام این کار را نکرده است. چیزی مثل این هرگز قبلاً اتفاق نیفتاده است.

هرچند نیروهای کهن در حال اثر گذاشتن بر این امر هستند و می‌خواهند کارها را به طریق خودشان انجام دهند، اما آیا چیزی را می‌دانید؟ تمام موجودات نیروی کهن به‌طور مطلق به من احترام می‌گذارند! (تسویق) هر چند آنها موانعی برای اصلاح فایه من خلق کردند، هرگز هیچ کار بدی که مستقیماً من را نشانه برود انجام نداده‌اند، زیرا به من احترام می‌گذارند. (تسویق، تسویق مجدد) پس، برای آن شاگردان ما که برای لحظاتی در یک سرگستگی هستند و حالت ذهن‌شان درست نیست، درباره‌اش فکر کنید، یک‌بار که شما نسبت به من بی‌احترام شوید، نیروهای کهن کارهای بی‌رحمانه‌ای با شما می‌کنند، و فکر می‌کنند که این شخص خیلی بد است. البته، مطلقاً شما را بلافاصله از بین نمی‌برند. هدایت‌تان می‌کنند، کاری می‌کنند صحنه‌های کاذب بیشتر و بیشتری ببینید، ذهن‌تان را نادرست و نادرست‌تر می‌کنند، قلب شما را نسبت به استاد به شکلی اهریمنی تغییر می‌دهند، شما را در امتداد مسیری شیطانی هدایت می‌کنند، و با این کار وادارتان می‌کنند مرتکب گناهان عظیمی شوید.

آیا می‌دانید در اصلاح فایه اصلی را به کار می‌گیرم؟ تمام گناهانی را که موجودات در گذشته مرتکب شده‌اند نادیده می‌گیرم! (تسویق) طی این اصلاح فایه فقط به طرز برخورد موجودات نسبت به اصلاح فایه نگاه می‌کنم! (تسویق) تمام دروازه‌ها را کاملاً باز گذاشته‌ام. همان‌طور که به شما گفته‌ام، اگر حتی به طرز برخورد نسبت به اصلاح فایه نگاه نمی‌کردم، آن موقع فایه جدید و کیهان جدید وجود نمی‌داشت. برای همین است که طرز برخورد با اصلاح فایه حیاتی است. وقتی شما واقعاً در این خصوص اشتباهی کرده باشید، وقتی نیروهای کهن شما را نابود می‌کنند حتی نمی‌توانم چیزی بگویم.

وقتی که به استادان بی‌احترامی می‌کنید، می‌دانید من چه فکر می‌کنم؟ برایم کمترین اهمیتی ندارد. همین حالا، آیا می‌دانید من چه کسی هستم؟ شما فقط شکل متجلی شده بشری‌ام را می‌شناسید. چیزی که آن طرف در سمت دیگر، مقابل شما متجلی می‌شود نیز تصاویر درون کیهان هستند. در آینده نخواهید دانست نهایتاً چه کسی هستم. هیچ موجودی در کیهان نخواهد فهمید نهایتاً چه کسی هستم. اینکه با من خوب رفتار کنید یا نه، برایم کمترین اهمیتی ندارد، ولی نیروهای کهن شما را زیر سختی نابود می‌کنند. مراقب باشید!

حالا که این اندازه گفته‌ام، کمی در مورد اینکه در اصلاح فا از شما تقاضای انجام چه کاری را دارم صحبت می‌کنم. به طوری که دیده‌اید، شما واقعیت‌ها را آشکار می‌کنید، افکار درست می‌فرستید، و خودتان را تزکیه می‌کنید. در حال حاضر، این سه کار، برای مریدان دافا مهم‌ترین کارهایی هستند که انجام دهند. روشن‌گری واقعیت‌ها، وقتی در ظاهر، از نظر حقایق در این سطح بشری به آن نگاه کنید، افشا کردن شکنجه شیطانی است. و فرستادن افکار درست، از بین بردن شکنجه و آزاری است که آن موجودات از دست‌رفته و کثیف‌ترین موجودات بر مریدان دافا وارد کرده‌اند. از منظر حقایق سطوحی کمی بالاتر که نگاه شود، آنگاه، منظور واقعی روشن‌گری واقعیت‌ها نجات موجودات ذی‌شعور و جلوگیری از این است که نژاد بشر از بین برده شود. نیروهای کهن از موجودات شیطانی استفاده کرده‌اند که نسبت به مریدان دافا کارهای شیطانی انجام دهند تا، از یک نظر، آزمایش درست کنند، و دیگر اینکه، کاری کنند آن اشغال‌دانی را از کیهان پاک‌سازی کنم. فرستادن افکار درست مریدان دافا به طور بنیادی رد کردن نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن و از بین بردن شکنجه شیطان است. می‌توانم به شما بگویم، تمام آن کارهایی که انجام می‌دهید در حقیقت برای خودتان انجام می‌شوند-- حتی یک کار هم برای من انجام نمی‌شود. در عین حال می‌توانم به شما بگویم که از همان روزی که تزکیه را شروع کردید، و تمام راه تا به امروز، هیچ کدام از چیزهایی که به شما گفته‌ام یا از شما خواسته‌ام انجام دهید، برای دیگران نبوده است. تزکیه شما می‌تواند به بشریت و اجتماع سود برساند، در تزکیه، مریدان دافا می‌توانند درخصوص یکدیگر پخته‌تر شوند، و درحالی که مریدان دافا تحت آزار و شکنجه هستند می‌توانند فشار و زیان‌های ناشی از شکنجه شیطانی را کاهش دهند. اما تمام این‌ها محصولات جانبی هستند. مقصود واقعی تمام آن کارهایی که انجام می‌دهید، برای شما است تا موفق شوید. در آینده، می‌توانید برگردید و نگاهی به این [ماجرا] بیندازید. در حال حاضر هیچ یک از شما لازم نیست بگویند که من چطور باشکوه هستم، یا این و آن را درباره‌ی من، استادان بگویند. در آینده نگاهی به گذشته بیندازید و خواهید دید که هر کاری که من انجام دادم برای بنا کردن چیزها برای شما بود. (تشویق)

چیزهایی را که باید انجام دهید خوب انجام دهید. این فرصت تقدیری سخت به دست می‌آید. قدر همه این‌ها را بدانید، دفعه دیگری نخواهد بود. رشد دادن هر وابستگی‌ای، شما را در نیمه‌راه نابود می‌کند! سرگرم یا وابسته به هیچ فکر بشری نشوید، و فقط آنچه را که یک مرید دافا باید انجام دهد انجام دهید. هر چیزی که شگفت‌انگیز است، باشکوه‌ترین است، و پر عظمت‌ترین است انتظار شما را می‌کشد! (تشویق)

این تمام چیزی است که امروز صبح می‌گویم. اگر نروم، فکر می‌کنم بعد از ظهر بعضی پرسش‌ها را برای‌تان پاسخ می‌گویم. (تشویق طولانی)

همین قدر می‌گویم. متشکرم. (تشویق)

حالا که درباره‌اش فکر می‌کنم، انگار بعد از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ در کنفرانس فایب نشتستام که پرسش‌هایتان را پاسخ بدهم، درست است؟ (تشویق گرم) (پاسخ: "بله.") پس امروز از این زمان منحصرأ برای پاسخ دادن پرسش‌هایتان استفاده می‌کنم. (تشویق) مسائلی را که مدت‌های طولانی در تزکیه شخصی‌تان، روند اعتباربخشی به فا، یا در مسائلی که با آن‌ها روبرو شده‌اید نتوانسته‌اید حل کنید-- می‌توانید تمام آنها را مطرح کنید. وقت هنوز هم کم است، برای همین به پرسش‌های همه نمی‌توان جواب داد، ولی استاد هر تعدادی را که ممکن باشد جواب می‌دهد. (تشویق)

پرسش: سلام استاد. از طرف تمام گروه مریدان دافای شن‌یانگ به استاد درود می‌رسانیم.

معلم: متشکرم. (تشویق) در مورد وضعیت تمرین‌کنندگان در چین همه چیز را می‌دانم.

پرسش: مریدان دافا از چنگ‌دو به استاد درود می‌رسانند.

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: مریدان دافای پکن به استاد درود می‌فرستند. (تشویق) لطفاً اجازه دهید به نمایندگی از مریدان دافای شانگهای درودشان را به استاد برسانم.

معلم: متشکرم. (تشویق) بگذارید از درودها چشم‌پوشی کنیم، چون همه آن درودهایی که برای استاد فرستاده شده‌اند را روی وبسایت مینگ‌هوپی خوانده‌ام. (تشویق)

پرسش: ما در کارمان غالباً فرصت تعامل با بعضی از مسئولان رده بالای دولت چین را داریم. چگونه می‌توانیم بهتر برای آنها حقیقت را آشکار کنیم؟

معلم: در حقیقت، در خصوص جزئیات چگونگی انجام کارها، شما تا به حال آنها را به انجام رسانده‌اید، و در اعمال‌تان همگی بسیار خوب عمل کرده‌اید. اینکه کارها خوب انجام شوند یا نه، به مریدان دافا مربوط است، و در رابطه با اینکه فردی از این دنیا چه انتخابی می‌کند، به او مربوط می‌شود. اما در نجات موجودات ذی‌شعور، هر کاری هم که کنید، هنوز هم گروهی از موجودات خواهند بود که نمی‌توان نجات‌شان داد. در آشکارسازی حقیقت، تلفن زدن به چین، و در اینترنت، به افرادی برخورد کرد که اصلاً نمی‌شود نجات‌شان داد. اما اصلاً تحت تأثیر این قرار نگیرید، و هر تعداد ممکن از آنها را که می‌تواند نجات یابد نجات دهید.

در آشکارسازی حقیقت، هیچ توجهی به موقعیت اجتماعی طرف مقابل نکنید، و نوعی عقیده نداشته باشید—قبل از هر چیزی آنها مردم هستند، و همه‌شان فرصتی دارند که آینده خود را انتخاب کنند. حرفه‌اش هر چه هم که باشد، او قبل از هر چیز لازم است آینده‌ای داشته باشد، و این مهم‌ترین مسئله برای هر فرد است. در آشکارسازی حقیقت، وقتی روی موضوعات بنیادی یک فرد انگشت می‌گذارید، و هم‌زمان او احساس کند که مریدان دافا واقعاً در حال نجات او هستند، آن وقت فکر می‌کنم جنبه‌ای از او که موضوعات برایش روشن است خودش را نشان می‌دهد.

چینی‌هایی که در خارج زندگی می‌کنند پیوندهای بی‌شماری با سرزمین چین دارند، زیرا بستگان و دوستان‌شان همه در چین هستند، و عده بسیار زیادی از افراد وجود دارند که اغلب در رفت و آمد هستند. وقتی وضعیت مربوط به دافا را در اطراف دنیا می‌بینند زمانی که در چین هستند درباره‌اش صحبت می‌کنند، با خانواده و دوستان‌شان در مورد این حرف می‌زنند—آنها یک نوع رسانه نفر به نفر هستند. صرف نظر از اینکه چه اندازه در مورد دافا بفهمند، قادر باشند آن را متوجه شوند یا نه، برمی‌گردند و به مردم راجع به وضعیت می‌گویند. و مخصوصاً در رابطه با آن مسئولان دولتی، به موقعیت مسئولیتی فرد نگاه نکنید. در گذشته زمانی که استاد این دافا را پخش می‌کرد، من نیز فقط به فرد نگاه می‌کردم و به موقعیت اجتماعی‌اش نگاه نمی‌کردم، به این نگاه نمی‌کردم که هر گروهی چگونه سازمان یافته است، و به این نگاه نمی‌کردم که شغل خوبی داشتند یا نه—به هیچ چیزی بجز ذهن فرد نگاه نمی‌کردم. نباید او را نوعی "مسئول رده بالا" در نظر بگیرید، چراکه در حال نجات زندگی او هستید. آن فقط یک شغل در این مکان مردم عادی است. امروز به آنها اجازه داده می‌شود این کار را انجام دهند، پس یک مسئول هستند، و فردا اگر به آنها اجازه داده نشود این کار را بکنند اصلاً هیچ چیزی نخواهند بود. پس در عرضه کردن رهایی به مردم و نجات مردم، به آن چیزها نگاه نمی‌شود.

پرسش: چرا نیروهای کهن در کیهان، دو نظام اجتماعی تماماً متفاوت را در این دنیا نظم و ترتیب دادند؟

معلم: این واقعاً موضوعی است که صحبت زیادی می‌برد. فقط به اختصار از یک زاویه راجع به آن صحبت می‌کنم. شما می‌دانید که امپراتوری روم ۲۰۰۰ سال پیش بسیار قدرتمند بود. در حقیقت، هر وقت ملت یا اشخاصی بر دنیا حکمرانی می‌کنند، این افتخاری است که خدایان به آنها می‌دهند. اما اگر برگردند و خدایان را شکنجه و آزار کنند، آن وقت خدایان آن افتخار را پس گرفته و سخت آنها را مجازات می‌کنند. نیروهای کهن در تاریخ می‌خواستند گواهی برای فای درست آینده به جای بگذارند، همچنین می‌خواستند مسیحیان آن زمان کارمیشان را در بین محنت‌ها از بین ببرند، تقوای عظیم خدایان را بنا کنند، و آن

میراث را به جای بگذارند، پس فردی به نام نرون را برای پادشاهی روم انتخاب کردند. او اخلاقیات مردم را پایین آورد، کارهای احمقانه و بد بسیاری انجام داد، و با شکنجه مسیحیان عملی بسیار شیطانی را انجام داد. و بنابراین امپراتوری قدرتمند و توانگر روم از آن زمان به بعد رو به زوال گذاشت.

نیروهای کهن بر این باورند که آن نرون در اصلاح فای امروز برای مریدان دافا کافی نبود، پس مجبور بودند موجود شریبری که از آن هم پست‌تر، ابله‌تر، و بی‌شرم‌تر باشد پیدا کنند، و در عین حال قبل از اشاعه گسترده دافا در دنیا چیزی بسازند، چیزی برای دافا در آینده، و آن چیز، آن باید قادر می‌بود تا آن حد مورد استفاده قرار بگیرد، بنابراین این چیز حزب **** بود. آن را ساختند، و مجبور بودند، طی فرایندی در تاریخ، به آن اجازه دهند که در حکمرانی با زور، تجربه جمع کند و اجازه دهند که در تلاش برای بقای خودش در بین بحران‌های دائمی، انواع و اقسام ترفندهای اعمال زور را پرورش دهد. وادار شد تا بر اساس الحاد، باور به خدایان را از میان بردارد، چون مردم دنیا که به خدایان باور داشتند هرگز نمی‌شد به وضعیتی دلخواه برسند، وضعیتی که مردم از هیچ خدا یا اقتدار آسمان ترسی نداشته باشند، و بشر علیه آسمان، زمین، و انسان‌های هم‌نوع خود بجنگد. این روند تقریباً ۱۰۰ سال ادامه داشت، و همان موقع که روی آن کار می‌کردند چگونگی پایان دادن به آن را در نظر گرفته بودند، بنابراین طوری که شروع شد نیز قطعاً باشکوه نبود. در واقع همه ما می‌دانیم که کمون پاریس ۱۸۷۱ دسته‌ای از ارادل در جامعه بود که یاغی‌گری می‌کرد.

این‌طور نیست که درحال توهین به حزب **** هستیم، و دلیلش این است که آنها هم از خودشان به عنوان "ارادل طبقه کارگر" نام می‌بردند. یادم است که دوران انقلاب فرهنگی که مطالعات سیاسی داشتند، این موضوع مورد بحث قرار گرفت، که افراد در مورد این صحبت می‌کردند که آیا کشمکش با آن "ارادل" اجتماع، کشمکش با دشمنان بود یا کشمکش در میان مردم. وقتی روی این مطلب بحث بود، بعضی افراد می‌گفتند که مشکل با آن ارادل را می‌توان هم‌سطح تضاد با دشمن در نظر گرفت، و دیگران مخالف بودند. دلیل مخالفت این بود که می‌گفتند کمون پاریس ۱۸۷۱ نهضتی از ارادل بود، و آن جد حزب **** ما است. این شوخی نیست، چون آنها واقعاً "ارادل طبقه کارگر" را تصدیق می‌کردند، اما حالا فکر می‌کنند که خیلی خوب به نظر نمی‌رسد، برای همین کلمه "ارادل" را بیرون آوردند و فقط می‌گویند "طبقه کارگر".

آن مخالف کیهان است، یا طوری دیگر بیان کنیم، دو نوع عناصر در کیهان، مثبت و منفی، همگی بر ضد آن هستند. در واقع، این کیهان از دو نوع عنصر حیات تشکیل شده است، مثبت و منفی، پس به بیانی دیگر حتی کیهان هم بر ضد آن است. بنابراین، بوداها، داتوها، خدایان، و اهریمنان کیهان همه می‌خواهند از آن خلاص شوند، بنابراین دائماً با این احتمال روبرو است که لایه‌ای بعد از لایه‌ای دیگر احاطه شود و از بین برود. ولی، خود پیدایش آن موضوع ساده‌ای نبود، و اجازه دادن به این که نزدیک ۱۰۰ سال خودش را نگه دارد نیز موضوع ساده‌ای نبوده است. علتش این است که نیروهای کهن کیهان بعد از آبدیده کردنش تا مرحله پختگی، آن را برای دافای امروز آماده می‌کردند، و همچنین به خاطر این که هیچ قدرت سیاسی‌ای در دنیای انسانی نمی‌توانست چنان کارهایی انجام دهد. اما، چرا به چنان زمان طولانی‌ای نیاز بود؟ گفته‌ام که لازم بود تا آن حد آبدیده شود، پس نیاز داشت از میان روندی عبور کند، و آن روند برایش خطرناک بود چون تمام کیهان برضد آن است. هر چه باشد، موجودات روی زمین با موجودات در آسمان‌ها تناظر دارند، پس، از زمین گرفته تا آسمان‌ها، موجودات تمام کیهان همگی تهدیدی برای آن محسوب می‌شدند. بنابراین نیروهای کهن سپس باید به راه‌هایی فکر می‌کردند که آن را حفظ کنند. پدیده‌ها در سطح عادی بشری می‌تواند پدیده‌ها در آسمان‌ها را منعکس کند. نیروهای کهن در آسمان‌ها به طور مستقیم امور را کنترل می‌کردند، و مردم روی زمین نیز بسیار مهم بودند و نمی‌شد در سطح از بین بروند، پس به آن اجازه داده شد که به تعادل نظامی برسد، و هم‌زمان بلوک بزرگی شکل دهد.

در جوامع عادی، مردم و دولت‌ها به سبکی معمولی که خدایان کیهان به انسان‌ها داده‌اند زندگی می‌کنند. پس برای اینکه این عنصر، یعنی حزب را از بین برد، خدایان بسیار کیهان باعث شدند که ملت‌های معمولی روی زمین از نظر نظامی قوی شوند. ولی این قوی‌سازی تهدیدی برای آن محسوب می‌شد، پس نیروهای کهن آن را هم قوی کردند. برای همین است که رقابت تسلیحاتی در دهه ۶۰ قرن اخیر ظاهر شد— انسان‌ها در بحران جنگ سرد بودند، رقابت با یکدیگر از نظر نظامی، توسعه صنعت

نظامی در مقیاسی وسیع، و تحقیق در زمینه سلاح‌های مدرن و تولید آنها. هدف نیروهای کهن این بود که مانع از این شوند که قبل از استفاده شدنش ضعیف شود یا قابلیت خود را از دست بدهد، پس هر طور هم که شده بود باید حفظ می‌شد و باید از میان آن روند در تاریخ عبور می‌کرد، و در عین حال در میان بحران‌ها باید استبدادگراتر می‌شد. واقعاً برای آن سخت بوده که تا اینجا جان به در ببرد. اما مجاز نبود که وقتی زمان به کار گرفتنش سر می‌رسید بیش از حد قدرتمند باشد؛ مدت‌ها قبل، ائتلافش بسیار بزرگ بود.

حالا من تعمداً آن حزب را مورد انتقاد قرار نمی‌دهم-- در حال صحبت درباره‌ی این هستم که این کیهان دقیقاً چگونه چیده شد. ما درگیر سیاست نمی‌شویم، اما درباره‌ی همه چیز می‌دانم، و البته، فقط وقتی که مریدان دافا را شکنجه کرده‌اید در مورد دلایل پشت آن صحبت می‌کنم. بگذارید درباره‌ی سوآلی که پرسیده شد بیشتر بگویم. پس وقتی زمان به کار گرفتن آن بود، نمی‌توانست آن قدر بزرگ باشد. تمام مردم دنیا باید نجات داده می‌شدند، پس اگر کشورهای بسیار زیادی بودند که آن نظام را داشتند، مردم آن مکان‌ها چگونه می‌توانستند نجات پیدا کنند؟ پس نیروهای کهن کاری کردند که اقتصاد جوامع معمولی به سرعت نزول کند، و هم‌زمان آن سیستم عظیمی را که با زحمت، یک قرن حفظ شده بود از هم پاشیدند. آن شکل فروپاشی باعث اقدام متقابل یا کشمکش نمی‌شد-- یک فروپاشی پیوسته و نرم بود. فقط آن مکان، چین، را باقی می‌گذاشت، چون قرار بود دافا در آنجا اشاعه داده شود-- آن حزب تا وضعیت رضایت‌بخشی آبدیده شده بود و قرار بود که در آنجا مورد استفاده قرار بگیرد، بنابراین این تنها مکانی بود که باقی ماند، در حالی که در بقیه جاها فروپاشید. این دلیل آن است که چرا در زمان ما، ۱۰۰ سال پس از پیدایش آن، یک‌دفعه فروپاشید-- چیزی که مردم دنیا تصورش را هم نمی‌کردند. خدایان به طور مطلق همه چیز نژاد بشر را کنترل می‌کنند، و انسان‌ها هرگز کنترل سرنوشت خود را در دست نداشته‌اند-- تمام آن از بالا کنترل می‌شود. پس از آن، چین خیلی منزوی به نظر می‌آید، بنابراین تعداد کم کوچکی باقی گذاشته شده‌اند، مثل کره شمالی و مانند آن، که از نظر قابلیت اقتصادی و نظامی نمی‌توانند در مقیاس بزرگ کاری از پیش ببرند، ولی نقش همراه را دارند، و به آن ذره‌ای امید بقا می‌دهند.

بنابراین شما این را دیده‌اید، در چند دهه‌ی اخیر ایالات متحده از نظر نظامی و نیز اقتصادی بسیار قدرتمند بوده است، و ایالات متحده همیشه در اداره‌ی بسیاری از موضوعات درگیر می‌شود، مثل نقض حقوق بشر، نقض آزادی مذاهب، و غیره، و حفظ حد معینی از عدالت در جامعه بین‌المللی. این‌ها چیزهایی نیستند که مردم بتوانند به وضوح توضیح دهند. دسته‌ی ارادلی که مریدان دافا را شکنجه و آزار می‌کنند می‌گویند که ایالات متحده پلیس بین‌المللی است. درحقیقت، ایالات متحده واقعاً پلیس بین‌المللی است، آن طور که نیروهای کهن نظم و ترتیب داده‌اند. چین صحنه‌ی اجرای این نمایش تاریخی است، و کشورهای سراسر دنیا حضار و نیز بازیگران هستند. اما، نظم این اجتماع را لازم است کسی برقرار کند-- نمی‌شد نظارتی روی آن نباشد. در گذشته اصول این مکان به این صورت بود که پیروز به کشور حکومت می‌کند، دنیا با نیروی نظامی فتح می‌شود، و نیرومندان قهرمانان هستند. این بر عکس اصول کیهان است. اما دلیل این که می‌توانید این کار را انجام دهید این است که خدایان اجازه‌ی انجام این کار را به شما می‌دهند-- اگر بتوانید آن را خوب انجام دهید، خدایان به شما شکوه می‌دهند و اجازه می‌دهند نیرومند و کامیاب باشید. این قانون بشر در گذشته بود. اگر تمام نژاد بشر صلح‌طلب شوند، ایالات متحده به میل خود از آن نقش تاریخی کناره می‌گیرد. چیزی که درباره‌ی آن صحبت کرده‌ام نظم و ترتیب نیروهای کهن برای این امر است، این جایی است که از آن آمد.

پرسش: این اواخر قدری مشکل و سردرگمی در رابطه‌ام وجود داشته (حضار می‌خندند)، و سختی خیلی زیادی در این زمینه تجربه کرده‌ام.

معلم: می‌توانم به این صورت به شما پاسخ بدهم. تا زمانی که در این محیط اجتماع افراد عادی هستید، خواه انسان باشید، سنگ، گیاه، یا حیوان، همه در احساسات غوطه‌ورید، و حتی فاصله بین ذره‌ها غوطه‌ور در احساسات است. بنابراین برای یک فرد عادی ممکن نیست که از احساسات فرار کند. فقط از طریق تزکیه می‌توان این کار را کرد. اما در خصوص شکلی که تزکیه ما امروز می‌گیرد، از قبل به شما گفته‌ام که چه نوع شکلی از تزکیه است: با باقی داشتن آن مقدار کم چیزهای افراد عادی، در زمان حاضر می‌توانید به فا اعتبار ببخشید. بدون آن مقدار کم از چیزهای افراد عادی، به شما می‌گویم، نمی‌توانستید اینجا به فا اعتبار

ببخشید، چه رسد به موضوع نجات موجودات ذی‌شعور. غیرممکن است که خدایان اینجا فا را اصلاح کنند، خدایان بیابند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند-- کافی که هست بیش از حد بزرگ است. هیچ راهی نیست که خدایان بتوانند انسان‌ها را آن قدر مهم در نظر بگیرند. فقط با بودن در بین انسان‌ها می‌توانید موجودات اینجا را چیز مهمی در نظر بگیرید، و فقط به خاطر این که هنوز چیزهای بشری در سطح باقی دارید است که می‌توانید این کار را انجام دهید.

شما می‌دانید که موجودات انسانی یک سطح از کیهان هستند، و سطحی که نمی‌توان از قلم انداخت، پس باید نجاتش داد و فا باید درست باشد. پس وقتی شما آن یک ذره از چیزهای بشری را دارید قادرید که کار دافا انجام دهید و تزکیه کنید. ولی، اگر توجه کافی نداشته باشید با شما مداخله می‌کند-- آن [مسئله] از اینجا ناشی می‌شود. اخیراً چند مقاله خواندم که تمرین‌کنندگان آنها را نوشته بودند، و یکی از آنها نوشته کسی بود که آواره و سرگردان است. او از این می‌گفت که چطور همسرش یک مرید دافا است و چقدر او عالی است، ولی در آن کلمات احساسات او را دیدم. و فرد دیگری بود که راجع به این می‌گفت که شوهرش چقدر عالی است، و آنجا هم احساسات را دیدم. نمی‌گویم کار اشتباهی کردید. بعضی افراد عادی هم آن مقاله‌ها را می‌خوانند، و در مدت اصلاح فا وقتی افراد عادی آنها را می‌خوانند مؤثر هستند، برای همین نمی‌توانم بگویم که خوب نیست. در واقع، صرفاً به‌خاطر آن یک ذره چیزهای بشری که هنوز دارید بود.

ولی فکر می‌کنم به عنوان تزکیه‌کننده نباید به آن صورت تحت تأثیر احساسات باشید. با این وجود ممکن است فکر کنید، "اگر واقعاً در این مورد خوب تزکیه کنم، اگر واقعاً تحت تأثیر احساسات نباشم، مثل یک تخته سنگ بزرگ می‌شوم". خیر، اصلاً این طور نیست-- تزکیه‌کنندگان نیک‌خواه هستند، و اگر وقتی افکار درست‌تان واقعاً قوی باشند به موجودات ذی‌شعور نگاه کنید، آن وقت درباره‌ی آن فکر کنید، آیا چنان مسئله‌ای هنوز هم اتفاق می‌افتد؟ البته، بعضی اوقات می‌گویید که سخت تلاش کرده‌اید ولی باز هم نمی‌توانید آن را انجام دهید. پس با آن تلاشی که صرف کردید، آیا سعی‌تان این بود که صرفاً آن مسئله مشخص را حل کنید؟ آیا وضعیت تزکیه شما واقعاً به آن نقطه رسید؟ البته، فقط در مورد تزکیه‌کننده‌ای که پرسش را مطرح کرد صحبت نمی‌کنم. هر طور هم که باشد، به عنوان تزکیه‌کننده لازم است با آن درست برخورد کنید و گرنه نیروهای کهن برای‌تان دردسر درست می‌کنند. جز برای شاگردان جدیدتر، از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ به بعد، استاد هیچ آزمایش تزکیه شخصی برای شما درست نکرده است، و علتش این است که در مجموع تزکیه شخصی شما از هر نظر تغییر کرده، به طوری که در جهت نجات موجودات ذی‌شعور و اعتباربخشی به دافا است. (تشویق)

پرسش: آیا همه افرادی که در آشکارسازی حقیقت با آنها روبرو می‌شویم افرادی هستند که با ما روابط تقدیری دارند؟ آیا موجودات ذی‌شعور دنیای ما هستند؟

معلم: بدن‌های قانون من به این صورت ترتیب می‌دهند، و نیروهای کهن هم همین‌طور. البته، شاید شما در آشکارسازی حقیقت خیلی توانا باشید، و قادر باشید به طریقی که حقیقت را آشکار می‌کنید روی افراد بیشتری تأثیر بگذارید، پس شاید از شما خواسته شود موجودات ذی‌شعوری را نجات دهید که ارتباط مستقیمی به شما ندارند. با نیک‌خواهی، راه‌هایی برای تغییر آنها خواهید داشت. امکان چنین وضعیتی هست. این معنی را هم دارد که وقتی به نجات موجودات ذی‌شعور می‌رسد، تفکیک مسئولیت‌ها به کسانی که مال من هستند و آنهایی که نیستند در کار نیست. نمی‌توانید بین آنها تمایز قائل شوید. این تفاوت قائل شدن می‌بود، و این نیک‌خواهی یک موجود روشن‌بین بزرگ نیست. مثل افراد عادی نیست که من به طور خاص با افراد خانواده‌ام خوبم و با بیگانه‌ها قضیه فرق می‌کند. مگر می‌شود؟ نیک‌خواهی... نیک‌خواهی... این یک احساس انسانی نیست.

پرسش: مریدان دافای استان سی‌چوان و خانواده‌هایشان به استاد درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: مریدان دافایی که در زندان‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری، مراکز بازداشت، و بیمارستان‌های روانی در مکان‌های مختلف سی‌چوآن شکنجه می‌شوند به استاد درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق) از وضعیت سی‌چوآن هم اطلاع کامل دارم. استاد کاملاً مطلع است.

پرسش: در مواجهه با شکنجه و آزار نیروهای کهن، انسجام بین مریدان دافا بسیار مهم است. چطور می‌توانیم به سرعت به صورت کل رشد کنیم؟

معلم: می‌دانید، من هرگز درباره کلمه "اتحاد" صحبت نکرده‌ام، و علتش این است که آن درباره این است که مردم عادی چیزی را به زور انجام می‌دهند، آن یک شکل است. چیزی که تزکیه‌کنندگان درباره آن صحبت می‌کنند رشد در شین‌شینگ است، رشد بنیادی. یک تزکیه‌کننده باید هرچه را که لازم است انجام شود بداند، و اگر او خوب عمل نکند، می‌گویم علتش این است که فا را خوب مطالعه نکرده است، درست است؟ چه کاری باید کرد و چه کاری نباید کرد، آیا همگی درباره این روشن نیستیم؟ در واقع باید برای مان روشن باشد. ولی، هر منطقه‌ای افرادی را برای ارتباط دارد، و انجمن‌های دافا و مراکز دستیاری وجود دارند، پس به بیان دیگر به‌طور کلی یک نیاز برای هماهنگی وجود دارد. بنابراین چنین وضعیتی که هر وقت کسی فکر کند حالا باید چه کاری انجام دهیم یا فردا چه کاری لازم است انجام داد و همه بلافاصله باخبر شوند، در حال حاضر هنوز نمی‌توانیم به این نقطه برسیم، بنابراین نیاز بود افرادی را داشته باشیم که قدم جلو گذارند تا هماهنگی و ارتباط را انجام دهند، این نوع کارها را انجام دهند. در حال حاضر، خواه مریدان دافا به صورت گروهی به فا اعتبار می‌بخشند یا به صورت فردی حقیقت را آشکار می‌کنند، همه آنها چیزهایی هستند که دافا لازم می‌داند. تا زمانی که اصلاح فا آن را لازم بداند، باید آن را به خوبی انجام دهید، و جایی برای بحث نیست. و به خاطر نقش‌هایتان خودپسند و شیفته نشوید، و فکر نکنید که با بقیه فرق دارید. هر یک از شما، یک ذره هستید. و در چشم من هیچ کسی بهتر از هیچ کس دیگری نیست، چراکه همه شما را هم‌زمان بیرون کشیدم. (تشویق) در ارتباط با مسئله‌ای بعضی‌ها توانایی بیشتری دارند، دیگران در کار دیگری توانا ترند— قطعاً نباید اجازه دهید افکارشان بر پایه این موضوع لگام‌گسیخته شوند. می‌گویید چنین توانایی‌های بزرگی دارید، و غیره و غیره، ولی تمام آن‌ها را فا به شما بخشید! در حقیقت، اگر نمی‌توانستید به آن سطح از توانایی‌ها برسید عملی نمی‌بود. اصلاح فا لازم می‌دانست که خرد شما به آن نقطه برسد، پس قطعاً نباید فکر کنید که خیلی لایق و توانمند هستید. بعضی از تمرین‌کنندگان می‌خواهند من توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بازمینی کنم. ولی حقیقتش، چیزی که فکر می‌کنم این است که، همه آن چیزها را من دادم، پس نیازی به نگاه انداختن نیست. (حضار می‌خندند، تشویق)

پرسش: بعضی اوقات واقعاً خیلی احساس سرگستگی می‌کنم. حقیقتاً سخت است که هنگام تزکیه احساسات (چینگ) را رها کرد، و انگار که از همان شروع تزکیه‌ام، هر آزمایشی آزمایش احساسات است، انگار که مشکل‌ترین آزمایش در زندگی آزمایش احساسات است.

معلم: به گمانم همه خوب شنیدید، درست است؟ شما با احساسات به صورت یک آزمایش رفتار کرده‌اید، و علتش این است که آن را رها نکرده‌اید، پس دائماً مجبورید آن را بگذرانید. (حضار می‌خندند) اما مجبوران نمی‌کنم که همگی امروز آن را رها کنید، فقط این را به طور واضح به شما اشاره می‌کنم. نمی‌گویم می‌توانید درجا این کار را انجام دهید. وقتی به شما می‌گویم موضوع از چه قرار است، فقط باید فا را بیشتر مطالعه کنید. زمانی که افکار درست قوی‌تر و قوی‌تر شوند، زمانی که حقیقتاً نسبت به موجودات ذی‌شعور نیک‌خواهی داشته باشید، آن موقع دیگر هیچ احساسی نخواهد بود که باعث اذیت شما شود، و هیچ کدام از اعضای خانواده‌تان که با آنها مسئله احساسات دارید دوباره نمی‌گوید نسبت به او بی‌عاطفه‌اید، و هیچ تضاد دیگری به خاطر موضوع احساسات وجود نخواهد داشت. می‌توانید هر چقدر بخواهید راجع به آن حرف بزنید، ولی باز هم این به شما برمی‌گردد که لازم است رشد کنید.

می‌توانم حالت فکری شما را حس کنم -- "سخت است، واقعاً سخت است". اما آیا آن هزاران سال را منتظر همین امروز نبودید؟! آیا کمال آینده‌تان را می‌توان با این چیز ناچیزی که امروز تحمل می‌کنید مقایسه کرد؟! (تشویق) خوب، بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم، اگر امروز اینجا نبودم که شما را نجات دهم و یکی از شما بودم، باید بگویم، برایم خیلی آسان می‌بود که آن چیزهای کوچک را رها کنم! (تشویق) احتمالاً صرفاً برای اینکه استاد از تمام آن مسائل خبر دارد است که این را می‌گویم، ها. (معلم می‌خندد)

پرسش: به خاطر وابستگی‌ها، مدتی طولانی در وضعیت بدی بوده‌ام. می‌خواهم کار دافا را خوب انجام دهم، با این وجود می‌ترسم که وضعیت ضعیف من روی بقیه تمرین‌کنندگان اثر بگذارد. آیا باید کار را کنار بگذارم و مدت‌زمانی را واقعاً تلاش زیادی صرف تزکیه کردن خودم کنم؟

معلم: اگر درحالی که کار دافا انجام می‌دهید فا را مطالعه می‌کنید روی هیچ چیزی تأثیر [منفی] نمی‌گذارد. استاد هیچ مخالفتی با این موضوع ندارد. همچنین، افرادی که اینجا هستید، خواه محصل هستید یا شغلی دارید، هیچ یک نمی‌توانید در نقشی که در جامعه مردم عادی ایفا می‌کنید کوتاهی کنید. همگی باید در هر کاری که باید انجام دهید خوب عمل کنید، و در عین حال این کار، کار اعتباربخشی به دافا و آشکارسازی حقیقت‌تان را راحت‌تر می‌کند. وگرنه، حتی اگر نتوانید وضعیت مالی باثباتی داشته باشید، اگر همه روزه مجبور باشید نگران سرپناه و خوراک باشید، اگر به [تأمین] پایه‌ای‌ترین نیازهای زندگی اطمینانی نباشد، چگونه می‌توانید انرژی اضافه‌ای داشته باشید که به فا اعتبار ببخشید؟ آیا این مداخله نیست؟ گرفتاری‌های غیرضروری برای خودتان درست نکنید، و بدون فکر کافی همین‌طوری به دنبال کاری نروید. اگر منبع درآمد بهتری دارید و می‌خواهید روش زندگی‌تان را تغییر دهید، من مخالفش نیستم. چیزی که می‌گویم این است که اگر همه شما بروید و دست از کار کردن بکشید کلاً غیرقابل قبول است.

آیا می‌دانید این شکل تزکیه مریدان دافای امروز چقدر مهم است؟ در آینده، اینجا در این مکان انسان‌ها، این که یک انسان یک خدا شود دیگر افسانه نخواهد بود. پیش از این در این مکان انسان‌ها، وقتی مردم راجع به تزکیه این و تزکیه آن صحبت می‌کردند، همه‌اش صرفاً تزکیه کردن روح کمکی بود -- انسان‌ها اصلاً تزکیه نمی‌کردند. در آینده، آینده‌ای که درحال تکوین آن هستید، در این مکان مسیر خدا شدن را برای انسان‌ها به جای گذاشته‌اید! هرچیزی که امروز انجام می‌دهید تمرین واقعی‌ای است که در آینده به عنوان سرمشق استفاده می‌شود، [از جمله این جنبه] قادر بودن به تزکیه به هنگام انجام کار افراد عادی. اگر به افراط و تفریط بروید این مسیر را خراب می‌کنید، پس نمی‌توانید به افراط و تفریط بروید. باید صرفاً به‌طور باز و باوقار کاری را که در جامعه باید انجام دهید به خوبی انجام دهید، و سپس تزکیه کنید. آنگاه قطعاً می‌توانید به استاندارد که تزکیه‌کنندگان باید به آن برسند، به استاندارد کمال، برسید چون این مسیری است که مردم آینده برمی‌گزینند.

اجتماع بشری آینده، اجتماعی بدون مذهب است، و هرکسی بخشی از جامعه خواهد بود، مردم در هر چیزی از آن جامعه شرکت دارند، و شاید حقایق فا در این سطح موجودات بشری و معانی درونی‌شان در سطوح بالاتر، در جای‌جای کتاب‌های درسی که دانش‌آموزان می‌خوانند درآمیخته شود. بنابراین در این اصلاح فا، دارد برای بشر ممکن می‌شود که خدا شود. این تغییری در این سطح موجودات انسانی نیست -- [بلکه] این شامل هماهنگ کردن و کامل کردن سیستماتیک تمام سیستم کیهانی می‌شود، این هماهنگ کردن و بی‌عیب و نقص کردن فا است. چنین رویدادی که مردم خدایانی که اینجا هستند تا مردم را نجات دهند شکنجه کنند دیگر وجود نخواهد داشت. وضعیت‌هایی مثل به صلیب کشیدن عیسی مطلقاً هرگز دوباره اجازه داده نخواهد شد که اتفاق بیفتد. پس اینکه ما چگونه در این مکان افراد عادی مسیر تزکیه را به خوبی بیاموزیم بالاترین اهمیت را پیدا کرده است.

پرسش: مریدان دافا چگونه می‌توانند طی اصلاح فا سهم‌مان را به صورت کل انجام دهند؟

معلم: با همدیگر همکاری و هماهنگی کنید. وقتی به صورت گروهی، خودتان تنها، یا باهم با تعداد کم، کارها را انجام می‌دهید لازم است خوب همکاری و هماهنگی کنید. با فا که اینجاست واقعاً مرتکب اشتباه نمی‌شوید، زیرا تا حد بلوغ آبدیده شده‌اید و باید بدانید که چه کار کنید. در این دوره اخیر، من در هیچ کاری که انجام داده‌اید یا به میان گذاشته‌ام، اما درحال نظاره همه مشکلات گوناگونی بوده‌ام که توجه‌ام را جلب کرده‌اند. علتش این است که نمی‌توانم بگذارم تا ابد به من متکی باشید، و نمی‌توانم شما را از تمام فرصت‌های بنا کردن تقوای عظیم خودتان محروم کنم. مجبورید مسیر خودتان را بیمایید، و لغزیدن و زمین خوردن اشکالی ندارد، شما می‌دانید چطور خودتان را بلند کنید، و می‌دانید که چطور برای همه چیزهایی که انجام می‌دهید ارزش قائل شوید، و بعدش هر کاری را باز هم بهتر انجام دهید. پس دیگر دست‌تان را نمی‌گیرم. تا جایی که بشود سعی می‌کنم کاری کنم بیشتر روی امور تفکر کنید، و این یعنی دادن فرصت‌هایی به شما، دادن فرصت‌هایی تا خودتان مسیر را بیمایید. وقتی مشکلات در محدوده کل بدن پیش بیاید صحبت می‌کنم، اما دیگر در مورد موضوعات خاص بسیاری که تحت شرایط معمولی پیش می‌آید صحبت نخواهم کرد.

پرسش: در هنگام فرستادن افکار درست، آیا وضعیت دست روی نتیجه تأثیر می‌گذارد؟

معلم: خوب در اصل، تا زمانی که معقول و آگاه باشید، انجام حالت‌های دست یا انجام ندادن‌شان روی هیچ چیز تأثیر نمی‌گذارد. ولی، از حالت‌های دست‌تان معلوم است که وارد سکون و آرامش شده‌اید یا نه، یا اینکه در گچی به سر می‌برید. (معلم می‌خندد) پس زمانی که افکار درست می‌فرستید باید حواس‌تان جمع باشد. و آن وضعیت به چه صورت است؟ بسیار خوشایند است، انگار همه چیز ساکن و آرام است و تمام بدن را انرژی در برمی‌گیرد.

پرسش: طی این دوره خاص اصلاح فا، بعضی از مریدان در ایالات متحده شغل‌شان را به خاطر [وضعیت] اقتصادی از دست داده‌اند...

معلم: کار نیروهای کهن است. همیشه باید این یادتان باشد: من هیچ مداخله‌ای که امروز بین مریدان دافا اتفاق می‌افتد را تصدیق نمی‌کنم؛ همه مسائلی که نباید اتفاق بیفتند نظم و ترتیب نیروهای کهن است. آنها تزکیه شخصی شما را بالاترین اولویت می‌بینند. البته، تزکیه شخصی بالاترین اولویت را دارد، زیرا اگر نتوانید به کمال برسید حرفی برای گفتن وجود ندارد. اما مریدان دافای امروز کار متفاوتی نسبت به راه‌های تزکیه هر دوره دیگری در تاریخ انجام می‌دهند، و علتش این است که شما مسئولیت بزرگ‌تری بر دوش‌تان است که از کمال شخصی‌تان فراتر می‌رود. نجات موجودات ذی‌شعور و اعتباربخشی به فا، این‌ها بسیار فراتر از تزکیه شخصی‌تان هستند، کارهای حتی بزرگ‌تری هستند. و این چیزی است که نیروهای کهن نمی‌توانند درست اداره کنند، و درحال مداخله با شما هستند. آنها را رد کنید [و نپذیرید]، و با تمام این [مسائل] با افکار صحیح روبرو شوید!

پرسش: برای مدت زمانی به هنگام اعتباربخشی به فا، می‌توانستم وقتی با محنت‌ها و آزمایش‌های بسیار زیادی روبرو می‌شدم ثابت‌قدم بمانم و مسیرم را ادامه بدهم. بعد از خارج شدن از چین، به‌خصوص در چند ماه گذشته، کارمای فکری خیلی شدید بوده است. در آن حتی عناصری از بی‌احترامی نسبت به استاد، واداشتن من به رها کردن تزکیه، و غیره هست.

معلم: فکر می‌کنم تا زمانی که فا را بیشتر مطالعه کنید، افکار درست شما قوی خواهند بود. برای بعضی از تمرین‌کنندگان، بعضی از اوقات شما واقعاً درگیر انجام کارها برای آشکارسازی حقیقت شده‌اید و مطالعه فا را از نظر انداخته‌اید. موضوعات مریدان دافا از تزکیه شخصی فراتر می‌رود، مثلاً اعتباربخشی فعلی‌مان به فا، آشکارسازی حقیقت، و نجات موجودات ذی‌شعور، ولی همه این‌ها در واقع روی بنیانی از کمال شخصی سوار است، بنابراین اگر نتوانید به کمال شخصی برسید آن وقت هر چیز دیگری غیر قابل تحقق است. اعتباربخشی به فا کاری نیست که مردم عادی انجام بدهند؛ فقط مریدان دافا ارزش انجام این کار را دارند. پس حالا فا را مطالعه کنید و بیشتر مطالعه کنید، فا را بیشتر مطالعه کنید. همچنین، هر کاری که انجام می‌دهیم، باید آن را به

شکلی درست و صالح انجام دهیم، واقعاً آن را مثل یک تزکیه‌کننده انجام دهیم. نگذارید نیروهای کهن از هیچ شکافی استفاده کنند. وقتی از شکاف‌های شما سوءاستفاده کنند آن نوع کارها را [که شما عنوان کردید] انجام می‌دهند.

آیا این را می‌دانستید؟ وقتی نیروهای کهن سطح بالا این محنت را نظم و ترتیب دادند، دلیل نهایی این بود که در حالی که مریدان دافا را طی این دوره به اصطلاح "آبدیده" می‌کنند آن موجودات نه‌چندان خوب کیهان را یک‌دفعه پاک‌سازی کرد، و در عین حال عالم را پاک کرد. این چیزی است که نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که انجام شود. آنها به جای اینکه هدف من برای اصلاح فافا را نیاز شماره یک در نظر بگیرند خواسته‌های خودشان را بالاترین اولویت قرار داده‌اند. پس وقتی که با آن مشکلات روبرو می‌شوید، سهم خودتان [در آن موضوع] را بیشتر بررسی کنید، کارها را به شکلی درست‌تر انجام دهید، و اجازه ندهید نیروهای کهن از هیچ شکافی استفاده کنند. آن موجودات پلیدی که نیروهای کهن آنها را کنترل می‌کنند پیش از این سرنوشت قریب‌الوقوع خود را دیده‌اند، بنابراین مثل این می‌ماند که در آشفتگی هستند، و مثل موش‌هایی که گیر افتاده باشند ناامیدانه و از روی استیصال رفتار می‌کنند— دست به هر کاری می‌زنند، هر قدر هم که بد باشد. به این مسائل توجه کنید و نگذارید از هیچ شکافی استفاده کنند.

پرسش: مریدان از شهر وی‌فانگ استان شان‌دونگ به استاد درود می‌رسانند!

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: یک تمرین‌کننده فالون‌گونگ که با اعمال زور او را شستشوی مغزی دادند هنوز می‌خواهد تزکیه کند، ولی می‌گوید که استاد حالا دیگر از او مراقبت نمی‌کند. استاد، آیا باز هم از او مراقبت می‌کنید؟

معلم: او آن‌طور فکر می‌کند چون احساس می‌کند استاد را ناامید کرده است و دافا را ناامید کرده است و آن افکار، وابستگی‌های جدیدی شکل داده‌اند. و با وجود کارهایی که انجام داده، هنوز در حال فکر کردن درباره امور با یک ذهن انسانی است و هنوز روشن و متوجه نیست— برای همین آن حرف را زد. این امر تمام نشده، پس آیا چیزهایی که قبل از تمام شدن این ماجرا خوب انجام می‌دهید و خوب انجام نمی‌دهید بخشی از فرآیند تزکیه نیستند؟ بله! می‌دانید، در گذشته تزکیه کردن دائو سخت بود. وقتی فردی با یک آزمایش روبرو می‌شد، همین که یک فکر پایین‌تر از حد متوسط داشت فرصت تزکیه کردن دائو را برای همیشه از دست می‌داد، و این قطعی بود. نیروهای کهن فکر می‌کنند من هم همین‌طور به موضوع نگاه می‌کنم. "خیلی خوب، حالا که او را مجبور کرده‌ایم برگه‌ای را بنویسد، تو، لی هنگجی، حالا نمی‌توانی او را نگه داری چون که به تو خیانت کرد. تو برای نجات او آن قدر زحمت کشیدی، با این وجود به تو خیانت کرد. مسلماً نمی‌توانی او را نگه داری. و اگر نتوانی او را نگه داری باید چه کار کرد؟ او را از بین ببر!"

نیروهای کهن به این صورت فکر می‌کنند، و امور را به این صورت ترتیب داده‌اند. اما من کارها را این‌طور انجام نداده‌ام— او را نجات خواهم داد. امروز خوب عمل نکرد، ولی آیا شما نیروهای کهن هنوز مردم را شکنجه نمی‌کنید؟ کاری می‌کنم فردا کارها را از نو انجام دهد، و قطعاً کاری می‌کنم که آنها را خوب انجام دهد! (تشویق) آیا چیزی که اتفاق افتاده ثابت نکرده است که مریدان دافا منطقی‌تر و منطقی‌تر شده‌اند، متوجه‌تر و متوجه‌تر شده‌اند، و کارشان بهتر و بهتر شده است؟ آیا بیشتر و بیشتر مصمم نیستند؟! (تشویق) وقتی در نهایت واقعاً مصمم شوید، آن وقت همه چیزهایی که در گذشته انجام دادید فقط می‌تواند به پایان رساندن فرآیند تزکیه باشد. واقعاً این‌طور است. استاد این موضوع را با بزرگ‌ترین نیک‌خواهی اداره می‌کند. (تشویق)

ولی بعضی افراد هستند که واقعاً مرا مأیوس کرده‌اند، و واقعیت این است که همه‌اش به خاطر این تفکر بوده است. شما این را در اخبار Clearwisdom که از چین برای مان ارسال می‌شود دیده‌اید: بعضی افراد کارها را بی‌پرده و به‌درستی انجام دادند، بدون ترس، و بنابراین شکنجه نشدند؛ و وقتی آنها را به اردوگاه‌های کار اجباری فرستادند، شیطان در بعدها دیگر نمی‌توانست آن را تحمل کند و مجبور بود آزادشان کند. عده‌ای از افراد انواع و اقسام ترس‌ها را دارند و افکار بشری‌شان زیاد است، بنابراین به

شدت شکنجه می‌شوند. حتی وقتی که تا لب مرگ شکنجه شده‌اند، هنوز نمی‌توانند از وابستگی‌های بشری بگذرند، و خدایان محافظ فالدوایس این جریان هستند ولی نمی‌توانند کاری انجام دهند. آنهایی که درگذشتند درحالی که به وابستگی‌های ترس چسبیده بودند، آیا شما را به کمال می‌رسانم، یا نه؟ حقیقت امر این است که همگی آن‌ها نمایش وابستگی‌های بشری هستند. البته، این جا و الان راحت است در مورد آن صحبت کرد، ولی در آن وضعیت شیطانی راحت نیست. این مسیری است که یک انسان به سوی خدا شدن می‌رود-- برای همین است که سخت است!

پرسش: من تمرین‌کننده‌ای از کره هستم، و غالباً طی فعالیت‌های اصلاح فا و در همکاری با هم‌تمرین‌کنندگان با اختلافات و تضادهایی مواجه می‌شوم. مطمئناً برای این است که من وابستگی‌هایی دارم. باید چه کار کنم؟

معلم: فقط در کره اینطور نیست، چون تضادها در مناطق دیگر هم آشکار می‌شوند، و آن مسائل بین تمرین‌کنندگان سرزمین چین هم اتفاق می‌افتاد. اگر هر کسی فکر کند که مهارت‌هایی دارد، همگی فکر کنند لایق و توانا هستند، هر کدام فکر کند حق با اوست، و حاضر نباشند که کوتاه بیایند، آنگاه در واقع، در آن لحظه آن افرادی که کوتاه نمی‌آیند مشکل دارند. چیزی که فکر می‌کنند این است که، "این ایده من می‌تواند بهتر به دافا خدمت کند"، و هیچ‌وقت فکر نمی‌کنند، "درحال خودنمایی هستم". ولی نیروهای کهن به این کوتاه نیامدن او می‌چسبند و مدام آن را قوی‌تر می‌کنند-- "درست می‌گویی، درست می‌گویی، کار تو دقیقاً درست است!" پس در آن موقع او روشن و متوجه نیست. حقیقتاً در مورد خودتان معقولانه فکر کنید و بعد در مورد ایده‌های افراد دیگر فکر کنید، و فکر می‌کنم آن موقع کارها خوب انجام می‌شوند. چرا این‌طور است که در آن زمان‌ها هیچ کسی به خودش نگاه نمی‌کند؟ نگران این نباشید که فرصت به اجرا گذاشتن ایده‌هایتان را از دست می‌دهید، چه رسد به این که تمایل نداشته باشید قبول کنید که ایده‌های دیگران بهتر است.

حالا یک خدا، او نگاه نمی‌کند که ایده شما به کار گرفته شد یا نه. در آن زمان‌ها او به این نگاه می‌کند که آیا وابستگی‌تان رها شد. اگر آن را رها کنید، و ایده‌تان به اجرا گذاشته نشد-- در رابطه با آن موضوع شما قادر بودید آن را رها کنید، و حتی قادر بودید کمک کنید که بهتر انجام شود-- پس رشد کردید، و توانستید سطح‌تان را بالا ببرید. تزکیه چیست؟/این تزکیه است. اگر به کوتاه نیامدن و تأکید بر ایده‌های خودتان اصرار داشته باشید، آنگاه درحالی که ممکن است به نظر برسد به خاطر فا است، ولی در واقع غیرمنطقی بودن است، و شما حقیقتاً عمیقاً راجع به آن فکر نکرده‌اید و یا امور را از تمام زوایا بیشتر در نظر نگرفته‌اید. اما مسلم است که عملی نیست [چیزی نگویید] اگر [حتی وقتی می‌بینید دیگران] واقعاً مسائل یا مشکلات را تمام و کمال در نظر نمی‌گیرند و باعث زبان دافا می‌شوند، و واقعاً عملی نخواهد بود وقتی متوجه وابستگی‌ها و افکار ناپاک می‌شوید [چیزی نگویید]. پس لازم است در فا به بلوغ بیش‌تری برسید.

هنگام آموزش فا در فیلالدفیا در این مورد صحبت کردم، پس هر وقت با این موضوع مواجه می‌شوید، شاگردان می‌توانند دوباره آن را بخوانند. از آنجایی که این موضوع خیلی حساس است، هر وقت پیش می‌آید حواستان باشد. البته، وقتی بگومگو می‌کنید همیشه دلایل زیادی هست، محیط و شرایط هر بار فرق می‌کند، و موقعیت‌های خاص فرق دارند. در مورد اینکه به طور مشخص چطور با این موضوع برخورد کرد، هنوز به این برمی‌گردد که در تزکیه خوب کار کنید.

پرسش: آیا درست است که نیروهای کهن اروپا را به شکل خاصی شدید کنترل می‌کنند؟

معلم: طوری که من می‌بینم، فقط چین را شدید کنترل می‌کنند. (حضار می‌خندند) درست مثل آن زمان، حدود ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، زمانی که آسمان‌ها درحال فرو ریختن بودند، و سطحی پس از سطح دیگر از شیطان لبریز شده بود-- فقط این‌طور است که مردم نمی‌توانستند این را ببینند، و هر لایه بعدی مملو از تمام شیطان‌هایی بود که نیروهای کهن برای دافا تدارک دیده بودند. قبلاً به شما گفته‌ام که این امر را در دو مرحله انجام می‌دهم-- اصلاح فا و اصلاح دنیای بشری توسط فا-- و اگر آنها را ترکیب می‌کردم و در یک مرحله انجام می‌دادم، آنگاه تمام دنیا علیه مریدان دافا دست به حمله می‌زد. البته، انجام یک‌دفعه آن به معنی

میریدان دافای بیشتر بود، و سه و نیم میلیارد مرید دافا وجود می‌داشت. آن را به دو مرحله جدا کردم: گروه اول متشکل از میریدان دافای دوره اصلاح فا است، و گروه دوم متشکل از میریدان دافای زمان اصلاح دنیای بشری توسط فا است. در آغاز وقتی شیطان آمد، در یک آن، آسمان را تیره کرد و زمین را پوشاند، اما نمی‌توانست خودش را به خارج از چین اعمال کند. بنابراین آنها آن چیزهای پلید را علیه تمام میریدان دافایی که بودند سامان‌دهی کردند، و برای شما آن زمان واقعاً وحشتناک بود. پس برای کم کردن فشار و شکنجه میریدان دافا، من میریدان دافا و آن چیزها را از هم جدا کردم. گذاشتم آن چیزهای شیطانی طرف من بیایند، و آنها را به سرعت و در عین حال در مقیاس وسیع از بین بردم، بنابراین در آن زمان آسیب بسیار زیادی به سطح بدن مادی من وارد آمد. در ادامه تقریباً همه آن چیزها را پاک‌سازی کردم، این کار یک سال طول کشید، و اگر اینطور نبود میریدان دافای من واقعاً نمی‌توانستند آن را تحمل کنند. من جلوی همه آنها را گرفتم. در واقع، چیزی که میریدان دافا تحمل کردند با تعداد بسیار عظیم آن چیزها و میزان پلیدی‌شان قابل مقایسه نیست. (تسویق) آیا نوستراداموس چند سده قبل نگفت که در ژوئیه ۱۹۹۹ یک پادشاه بزرگ وحشت از آسمان می‌آید؟ اگر تمام این امر به صورت یک‌جا انجام می‌شد، این محنتی عظیم در مقیاس جهانی می‌شد، و همه می‌دانستند که وارد شده است. برای همین نیروهای کهن در واقع خوشحال بودند که این کار را در دو مرحله انجام دادم، زیرا این‌طوری مردم خارج از چین نمی‌توانستند متوجه آن شوند. بنابراین در مدت شکنجه و آزار، شیطان دروغ‌های بزرگ و شرم‌آور بسیاری پخش کرد، ولی مردم دنیا نسبت به آن بی‌تفاوت بودند.

پرسش: اینجا در ایالات متحده برای روند اشاعه فا و اصلاح فا چه اهمیت خاصی وجود دارد؟

معلم: هرگز نگفتم که نوعی اهمیت بخصوص وجود داشته است. می‌توانم انتخاب کنم که هر جایی بروم، و این درست است که انتخاب کردم در ایالات متحده بمانم. در آغاز، نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که من به فرانسه بروم، و این حتی در پیشگویی‌ها آمده است. به هر صورت، به دلایل مختلف، به ایالات متحده آمدم. اما این‌طور نیست که برای ایالات متحده ارجحیت خاصی قایلیم. بگذارید به شما بگویم، هر فردی که هر جایی از دنیا است زمانی عضوی از خانواده من بوده است (تسویق)، شامل بدترین افراد، و گرنه فرصت این را نداشتند که طی این زمان انسان شوند. چیزی که در تاریخ گذشت چیزی است که آنها از میان آن گذشته‌اند و چیزی که برای خود انتخاب کردند. از همه بدتر نیروهای کهن هستند. آنها جرأت می‌کنند به دلخواه، مردم مرا قتل عام کنند چراکه متعلق به آنها نیستند. چیزی که در قلب استاد جای دارد تمام مردمی هستند که وجود دارند. (تسویق)

پرسش: استاد یک بار گفتند که هنوز بعضی افراد با روابط تقدیری قوی هستند که فا را کسب نکرده‌اند. ممکن است از استاد گرانقدر بپرسم حالا وضعیت چگونه است؟

معلم: سخت است که بر اساس وضعیت فعلی صحبتی کرد. چرا به شما می‌گویم آنها را نجات دهید؟ شما نمی‌دانید که چه تعداد از بستگان گذشته‌تان در این دنیا هستند. بهترین تلاش‌تان را بکنید که نجات‌شان دهید!

پرسش: چه تعداد بیشتری با رابطه تقدیری وجود دارند؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم، بدون رابطه تقدیری، نمی‌توانید امروز در این دنیا یک انسان باشید-- حتی یک نفر هم نمی‌توانست بدون رابطه تقدیری در این دنیا باشد. (تسویق) فقط به این صورت است که آنها در جریان تاریخ برای خودشان نقش‌های متفاوتی نظم و ترتیب دادند. اینکه می‌توانید میریدان دافا باشید، چیزی است که شما در تاریخ برای خودتان ترتیب دادید. و آنهایی که به خاطر شکنجه کردن دافا دور ریخته شدند، این نیز چیزی است که خود در تاریخ برای خود نظم و ترتیب دادند. زمانی که یک موجود منحرف شده است، به انجام کارهای بد ادامه می‌دهد، آن اندازه بد می‌شود، و رفته رفته به آن نقطه می‌رسد، در واقع یک انتخاب است.

پرسش: چه رابطه‌ای است بین: رد کردن نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن و از بین بردن وابستگی‌ها، رشد پیوسته از طریق تزکیه، و به نیروهای کهن شکافی برای استفاده ندادن؟

معلم: زمانی که قادرید در مسیری درست قدم بردارید، یعنی افکار درست‌تان قوی است، کارها را بر طبق الزامات دافا انجام می‌دهید، و کارها را بر طبق الزامات استاد انجام می‌دهید، آن موقع درحال نفی کردن نیروهای کهن هستید، و به درستی در مسیرتان قدم برمی‌دارید. آن اشباح پوسیده‌ای که تصمیم دارند فا را به هم بریزند، وقتی در اغتشاش و آشفتگی هستید جداً لذت می‌برند، چراکه کل هدف نیروهای کهن این است که تمام این امر طبق نظم و ترتیب‌های آنان خاتمه یابد. به شما می‌گویم، وقتی هر کاری که امروز انجام می‌دهید با آنچه به شما آموخته‌ام انجام دهید هم‌راستا باشد، آنگاه این می‌شود اجازه ندادن به استفاده آنها از شکاف‌هایتان و اجازه ندادن به پیدا کردن بهانه‌هایی برای آزارتان. من شکنجه و آزاری که امروز در چین در جریان است را به رسمیت نمی‌شناسم، و ترس نیروهای کهن از این موضوع مدام بیشتر می‌شود. علتش این است که می‌دانند مطلقاً نمی‌توانم این را به رسمیت بشناسم. حالا با ترس و وحشت عظیمی با این موضوع روبرو هستند. موجودات سطح‌بالای نیروهای کهن پیش از این در اصلاح فابود شده‌اند، با این وجود آنهایی که در روزهای آغازین به درون سه قلمرو جدا شدند فعلاً هنوز نمی‌توانند وضعیت حقیقی را ببینند-- که بالاترین سطوحشان نابود شده است-- و این چگونگی امور است.

پرسش: از همان زمان که دوره اصلاح فابود آغاز شد، وضعیت من نوسان داشته است، و در تمام این مدت نتوانسته‌ام راحت‌طلبی‌ام را رها کنم، برای همین حال بسیار بدی دارم.

معلم: استاد می‌تواند به شما کمک کند، اما فقط تاوقتی که آگاه باشید که باید در جهت رشد تلاش کنید. (تشویق)

پرسش: زمانی که فادنیای بشری را اصلاح می‌کند، اکثریت مریدان دافا به مکان‌های درست‌شان برمی‌گردند و به کمال می‌رسند. پس طی ده سالی که در ادامه می‌آید چه کسی در اصلاح فابود به استاد کمک می‌کند؟

معلم: در مورد این، (معلم می‌خندد) شما هنوز با یک ذهنیت بشری درحال فکر کردن هستید. درحالی که شما فابود را پخش می‌کرده‌اید، افراد بسیاری فابو را کسب کرده‌اند، ولی آنها نمی‌توانند عمیقاً فابو را بفهمند چون یک‌بار که فابو را فهمیده باشند مریدان دافای دوره اصلاح فابوده‌اند. آنجا خطی کشیده شده است، بنابراین آن نیروهای کهن جرأت نمی‌کنند بگذارند که آنها فابو را کسب کنند. من این موضوع را بیشتر از آن ادامه ندادم، چراکه لازم بود روی موضوع اصلاح فابو به صورت کل، و حل و فصل مسائل در اصلاح فابو متمرکز شوم، بعلاوه، آنها هنوز هم در آینده فرصت خواهند داشت. اما این کارهایی که انجام می‌دهید بیهوده نخواهند بود، تمام آنها معرکه و باشکوه هستند، و دلیلش این است که شما بنیانی برای تزکیه‌کنندگان آینده بنا کرده‌اید، شما تزکیه‌کنندگان آینده را انتخاب کرده‌اید. بنابراین این کار بسیار خوب انجام شده است.

وقتی حقیقت را آشکار می‌کنید، آیا متوجه این مسئله شده‌اید؟ وقتی در مورد اینکه مردم شکنجه و آزار می‌شوند صحبت می‌کنید می‌توانند همه صحبت‌ها را بپذیرند. در مورد پایمال شدن آزادی عقیده، نقض حقوق بشر، و غیره صحبت کنید، و آنها می‌توانند تمام آن را بپذیرند، ولی تا در مورد اصول فابو صحبت می‌کنید به در بسته می‌خورید. احتمالاً همه از این موضوع با اطلاع هستید. علت این که چنین اتفاقی می‌افتد این است که وقتی کسی بتواند در فهم مسائل بر پایه اصول فابو شما را دنبال کند، هم‌اکنون فابو را کسب کرده و نزدیک است که تزکیه کند، پس وقتی به این می‌رسد که او فابو را کسب کند نیروهای کهن قطعاً جلوی آن را می‌گیرند. این یک آزمایش برای اوست. اگر واقعاً بخواهد آن را کسب کند، و هر جوری هم باشد باز بخواهد آن را کسب کند، پس می‌تواند آن را کسب کند. پس به بیان دیگر، درحال حاضر واقعاً مانعی بسیار بزرگ برای کسانی که می‌خواهند بیایند و یکی از مریدان دافا باشند وجود دارد. هرچند، افراد ویژه‌ای وجود دارند که می‌توانند وارد شوند. اگر بتوانند از همه چیز دست بکشند آن وقت می‌توانند وارد شوند، ولی در غیر این صورت در حال حاضر نمی‌توانند وارد شوند. اما اینکه او طی دوره‌ای که دافا شکنجه

می‌شود تمرینات را یاد می‌گیرد، با اینکه به ردهٔ مریدان دافای اصلاح فای نپیوسته است، اما بنیان تزکیهٔ آینده خود را گذاشته است. این مسئله به این شکل است. (تسویق)

پرسش: زمانی که خدایان و بوداها همه غرق در شکوه به نمایش درمی‌آیند، و مردم بعد از دیدن حقیقت همه در حال تزکیه هستند، آیا این هنوز تزکیه به حساب خواهد آمد؟

معلم: آشکارسازی حقیقت شما برگزیدن تزکیه‌کنندگان آینده است، بنابراین اینکه آیا کسی قادر است الان آن را یاد بگیرد بی‌نهایت مهم است. در خصوص سایر افراد، این طور نیست که اگر نتوانند تزکیه کنند از بین می‌روند، زیرا بشریت یک سطح مهم کیهان خواهد شد و بخشی از چیزی که دافا در بر خواهد گرفت می‌شود. بنابراین در آینده هنوز افرادی روی این زمین وجود خواهند داشت. البته، فقط آنهایی که بد و کاملاً غیر قابل قبول هستند دور ریخته خواهند شد.

پرسش: مریدان شی جیاچوانگ و پکن به استاد درود می‌رسانند!

معلم: متشکرم!

پرسش: معنی "بر خدایانی که نادانند، با لبخندی نگریستن" چیست؟

معلم: می‌دانید آن نیروهای کهن چه کار کردند؟ در آغاز مرا به تمسخر می‌گرفتند، خصوصاً آنهایی که در سطوح پایین بودند. حالا جرأت نمی‌کنند بخندند، چون همهٔ حقیقت را دیده‌اند، و همه چیز برای شان روشن است. پس من به نادانی آنها لبخند می‌زنم. (حضار می‌خندند)

پرسش: ما این واقعیت را چگونه باید درک کنیم که جوآن فالون قرار است برای آینده باقی بماند، و سخنرانی‌های دیگر همگی در حال توضیح جوآن فالون هستند، و اینکه ما باید به طور جدی بر طبق جوآن فالون تزکیه کنیم؟

معلم: باید مسلماً به طور جدی بر طبق جوآن فالون تزکیه کنید، و کتاب‌های دیگر را می‌توان به‌عنوان مراجعه خواند، آنها همگی فا هستند. مردم آینده به اندازهٔ مریدان دافای دورهٔ اصلاح فای امروز تقوای عظیم نخواهند داشت، زیرا آنها از میان محنتی شبیه محنتی که مریدان دافای دورهٔ اصلاح فای امروز با آن روبرو هستند نمی‌گذرند، و دلایل تاریخی نیز البته وجود دارد. بنابراین تجلی فا به والایی امروز نخواهد بود. تعداد بی‌انتهایی از بوداها، داثوها، و خدایان پشت هر کلمهٔ جوآن فالون وجود دارند. شاید در آینده به این صورت تجلی نیابد. منظور این نیست که فا دیگر خوب نخواهد بود، فقط اینکه به این اندازه نشان داده نخواهد شد. مریدان دافا، من برای شما سقفی معین نمی‌کنم، چراکه شما اکنون در میان بنیان نهادن تقوای عظیم هستید. (معلم می‌خندد) (تسویق)

پرسش: تصدیق نکردن نیروهای کهن بسیار مهم است، بنابراین ممکن است از استاد گرانقدر درخواست کنیم در مورد اینکه چگونه در این خصوص خوب عمل کنیم صحبت کنند؟ تشکر می‌کنم.

معلم: خوب، چیزی که الان در مورد آن صحبت کردم همه دربارهٔ این مسائل بود. نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را به رسمیت نشناسید، و تمام این شکنجه و آزاری را که نظم و ترتیب داده‌اند نفی کنید. آنها می‌خواهند کاری کنند که مریدان دافا از طریق این شکنجه و آزار به بلوغ برسند— این جنبه‌ای از آن است که پیش چشم مردم نمایان شده است. جنبه‌ای از آن که خودش را نشان نداده این است که اگر هر چیزی که می‌خواهند انجام دهند به موفقیت می‌انجامید، آن وقت چیزی می‌شد که آینده نمی‌توانست تصدیق کند. چیزی که اینجا در این سمت بشری متجلی می‌شود بسیار ساده است. سمتی از شما که تزکیه را

کامل کرده است می‌داند جریان چیست، و من هیچ کدام از نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن یا این شکنجه و آزار فعلی را تصدیق نمی‌کنم.

بگذارید یک موجود بی‌نهایت میکروسکوپی و بسیار عظیم در کیهان را در نظر بگیریم، موجودی که هیچ خدایی نمی‌تواند راجع به آن بداند، آن دید که بدن‌های آسمانی کیهانی طی دوره خاصی به سمت انهدام می‌روند، و به خاطر یک فکر غریزی یک موجود که نمی‌خواهد به سمت نابودی برود، لایه لایه افلاک و نیز لایه لایه بدن‌های کیهانی درون آن، لایه لایه افلاک را به حرکت درآورد، تمام راه به پایین تا لایه لایه جهان‌های درون انبوه بدن‌های کیهانی و لایه لایه موجودات درون انبوه جهان‌ها، و باعث شد خدایان بسیار عظیم در افلاک گوناگون راه‌هایی را برای نجات دادن خودشان نظم و ترتیب دهند. از بالا تا به پایین در سطحی پس از سطح دیگر خدایان بیشتری وجود داشتند که شرکت کردند، آنها نظم و ترتیب‌های حتی مفصل‌تری به عمل آوردند، تمام راه به پایین تا سه قلمرو. چون آن یک فکر از سطحی بی‌نهایت بالا آمد، موجودات ذی‌شعور کیهان همه فکر کردند این اراده آسمان بود، و اینکه هیچ تردیدی نبود که به موفقیت کامل می‌رسند، این افلاک و بدن کیهانی بسیار بزرگ را از نابودی نجات می‌دهند. به خاطر دقت نظم و ترتیب‌هایی که خدایان در بسیاری از سطوح بدن‌های کیهانی به عمل آوردند، نظم و ترتیب‌ها آن چنان کامل و بی‌عیب به نظر می‌رسید که انبوه خدایان را به هیجان آورد، اعتماد به نفس آنها را بسیار بالا برد و آنها را معتقد کرد که نهایتاً فرصتی برای نجات داشتند. در آن زمان، از بین سطح سطح موجودات، بیست درصد خدایان در این امر شرکت کردند، و نیروهای کهن به این صورت پدیدار شدند.

موجودات ذی‌شعور نمی‌خواهند نابود شوند، و این فقط طبیعی است. ولی لایه لایه موجودات همگی درون افلاک عظیم قرار گرفته‌اند، و در جریان طولانی تاریخ همه چیز بر طبق قانون فای فرآیند شکل‌گیری - ثبات - فساد - نابودی به سمت پایان پیش می‌رفته است، و هیچ موجود یا عنصری نمی‌توانست از این فرار کند. در رابطه با موجودات ذی‌شعور، وقتی که همه چیز متلاشی می‌شود و شرایطی برای وجود حیات نیست، آنگاه حتی یک چیز هم نمی‌تواند وجود داشته باشد. این بسیار وحشتناک‌تر از دوباره شکل‌دهی بدن‌های کیهانی کیهان است. قانون فای شکل‌گیری - ثبات - فساد - نابودی همه عناصر، ماده، و حیات را در کیهان کهن به وجود آورد، و در عین حال این قانون فای را، که همه چیز متلاشی می‌شود بنیان نهاد. این زوال تمام عناصر سازنده کیهان از درون است، که خود را در بین موجودات به صورت فساد استاندارد افکار و رفتار متجلی می‌کند، و یک بار که تا نقطه خاصی نزول کنند غیرقابل نجات هستند، و از آنجا به سمت مرحله پایانی نابودی می‌روند. نیروهای کهن در نظم و ترتیب دادن آنچه که فکر می‌کردند کامل‌ترین آینده باشد قدرت و خرد خدایان را تا آخرین درجه‌اش به کار گرفتند، و آن قدر به هیجان آمدند که کاملاً یک نکته کلیدی یادشان رفت: اینکه، وقتی کیهان به مرحله فساد پیش می‌رود، همه موجودات ذی‌شعور و عناصر در کیهان، بدون استثنا، در فرآیند فساد هستند - موجودات، روش‌های تفکر، عناصر، و استانداردها همه ناپاک هستند - و رفته رفته در طول جریان بسیار عظیم تاریخ لحظه‌ای که دیگر، استانداردها و هر چیزی از موجودات خوب نبود فرا رسید. قوانین و استانداردهای فای، در جریان طولانی تاریخ، همگی شکوه اولیه و خلوص صالحانه خود را از دست داده‌اند، و بنابراین موجودات ذی‌شعور در تشخیص این نوع از تغییر حتی عاجز‌ترند. علتش این است که آن خدایانی که در سطوح بسیار بالا هستند هرگز به رفتار موجودات پایین‌تر از خود اهمیت نمی‌دادند، و طی اصلاح فای نیز به اخطارهای من‌اعتنایی نکردند. به بیان دیگر، وقتی کیهان به آن نقطه رسیده است، آن ایده‌هایی که موجودات در کیهان برای نجات خود به آنها رسیدند هر قدر هم خوب باشد، هنوز رفتار موجودات در مرحله فساد و نابودی است، و با استاندارد مراحل اولیه و میانی کیهان، طی زمان "شکل‌گیری - ثبات" فاصله دارد؛ و با استاندارد کیهان جدید، که بی‌اندازه از استانداردهای کیهان کهن بالاتر است، حتی بیشتر فاصله دارد. بنابراین هیچ یک از کارهایی که خدایان بی‌شمار انجام داده‌اند توسط هر آنچه که در خارج کیهان است تصدیق نمی‌شود. در طی اصلاح فای از همه افلاک گذشتم و دیدم که آن نظم و ترتیب‌های نهایی آنها همگی کوتاهی‌هایی دارد و نمی‌توان آنها را کامل یا هماهنگ کرد. طی اصلاح فای همچنین از هر بخش پایانی آنچه که مربوط به نیروهای کهن می‌شود گذشتم، با این وجود متوجه شدم که موجود عظیمی که آن یک فکر را داشت که باعث اختلالات بسیار عظیم اصلاح فای حقیقی شد موجود آخر نیست، و عناصر بسیار بسیار زیادی وجود دارند که بالاتر از آن هستند. در آنجا، همه نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن ناگهان دیگر وجود

نداشت -- همه نظم و ترتیب‌های آنان بدون پایه بود، آنها نتوانستند هیچ چیزی را حل و فصل کنند، و بدون فرجام و نتیجه‌ای ناپدید شدند. با این وجود، همه آن نظم و ترتیب‌های به عمل آمده به‌دست نیروهای کهن اختلالات و موانع اهریمنی واقعی را برای اصلاح فاشکل داد، و محنت‌هایی عظیم در اصلاح فاشده‌اند. در اصلاح فاهمه لردها، پادشاهان، و موجودات ذی‌شعور را گمراه کرد، و فشار طی اصلاح فانی از دست‌کاری و مداخله مستقیم همه آن موجودات ذی‌شعور و نیروهای کهن ناشی شده است. زمانی که همه این مسائل گذشتند، زمانی که موجودات ذی‌شعور همه این مسائل را دیدند، ناگهان مثل این بود که نمی‌توانستند فکر کنند. آنها دیدند که چیزی که من در ابتدا گفته بودم و هشدارهایم طی اصلاح فاهمگی حقیقت داشتند، مبهوت شده بودند و صدایی از آنها بلند نمی‌شد -- بلافاصله فهمیدند که موجودات ذی‌شعور همگی علیه اصلاح فامرتکب جرم شده بودند. آنها همیشه فکر می‌کردند که من تزکیه می‌کنم، یا اینکه حتی مرا به عنوان یک تزکیه‌کننده [در این جریان] وارد می‌کردند. فکر می‌کنم در این لحظه هرگز دوباره جرأت نمی‌کنند چنین فکری کنند.

این محنتی که نیروهای کهن در دنیای انسانی ترتیب دادند، در ظاهر مسئول بودن نسبت به تزکیه‌کنندگان، اصلاح فاه، و نسبت به من است، اما واقعیت این است که هدف آنچه نظم و ترتیب دادند مسئول بودن نسبت به آنچه که خواهان انجام آن بودند است، و تمام این چیزهایی که نظم و ترتیب داده‌اند اصلاً چیزی نیستند که کیهان جدید آینده بخواهد، و در عین حال به اصلاح فاه حقیقی آسیبی عظیم زده است. مقدار بسیار زیادی از چیزهایی را که می‌خواستم، به‌زور نابود کردند. تاریخ گذشته است، و بازیابی چیزی که از دست رفته سخت است. چطور امکان دارد بتوانند مسئولیت تمام آن مسائل را متقبل شوند؟!

حالا به عنوان تمرین‌کننده، اگر در این محنت بتوانید از عهده این برآید که نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را به رسمیت شناسید، آنگاه می‌توانید با موفقیت از آن بیرون بیایید. و کسانی که خوب عمل نکرده‌اند، حداقل اینکه، آیا شما درحال تصدیق نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن نیستید؟ یک‌بار که آنها را تصدیق کنید آیا مثل این نیست که یکی از آنها هستید؟ چون شما در بین شکنجه و آزار خوب عمل نکرده‌اید باعث بی‌ثباتی در بین تمرین‌کنندگان شده و شکنجه و آزار را بدتر کرده است، پس آیا شما هم به آتش سوخت اضافه نمی‌کنید و در حال کمک به شیطان نیستید؟ آنها را نفی کنید، به‌طور کامل هر چیزی از نیروهای کهن را رد کنید!

پرسش: چرا نیروهای کهن جرأت می‌کنند مریدان دافا را در شکنجه و آزار به قتل برسانند؟

معلم: در اینجا دو وضعیت وجود دارد. یکی این است که در گذشته نیروهای کهن احساس کردند که یک نوع ذهنیتی در بین مریدان دافا ایجاد شد، اینکه، یک‌بار که در دافا تزکیه می‌کنید فکر می‌کنید مثل داشتن بیمه است، و چیزی برای ترس وجود ندارد، بیماری و مرگی نیست، این چیز و آن چیز اتفاق نمی‌افتد، و همه صرفاً به خوشبختی می‌رسند. ولی، یک‌بار که این ذهنیت ایجاد می‌شود دردسر به دنبال می‌آید. نیروهای کهن کارهایی را که می‌خواهند انجام دهند انجام خواهند داد، و یک‌بار که ندانسته نظم و ترتیب‌های آنان را تصدیق کنید بهانه‌هایی برای کنترل شما و ایجاد انواع گوناگون خطرها برای شما دارند. البته، مریدان دافا مثل افراد عادی نمی‌میرند، و حتی آنهایی که پیش از موعد درگذشتند چیزی که انتظارشان را می‌کشد بهترین است -- حتماً این‌طور است. (تشویق) بنابراین طی این دوره، کاری که می‌کنند این است که ابتدا جان تعداد کمی را بگیرند. البته، در بین آنهایی که از دنیا رفته‌اند، همچنین چیزی که آنها در زندگی‌های قبلی نظم و ترتیب دادند وجود دارد. هدفشان چیست؟ اینکه کاری کنند ببینید مطالعه دافا مثل داشتن یک‌جور بیمه نیست و هنوز لازم است که خوب عمل کنید، و خوب عمل نکردن یک مشکل است. بنابراین چنین کاری را انجام می‌دهند، و علتش این است که آنها تزکیه شخصی را از اعتباربخشی به فاهمهم‌تر می‌بینند. همچنین، آنها در این زمان در طی اصلاح فاه که به مریدان دافا در نجات موجودات ذی‌شعور نیاز مبرم است درحال انجام این کارها هستند -- آیا دردسر جدی درست نمی‌کنند؟ یک مرید دافا چه تعداد از موجودات را درحالی که در این دنیاست می‌تواند نجات دهد، درست است؟ آیا این کار بدی نیست؟

نیروهای کهن هر چند وقت یک‌بار با تمرین‌کنندگان مداخله خواهند کرد، ولی فکر کنید که نجات موجودات ذی‌شعور چقدر مهم است! چرا باید این همه مداخله درست کنند. آن را به رسمیت شناسید! از آنجایی که هیچ کدام از آنها ارزش شرکت کردن

را ندارند، چیزی که می‌خواستیم این بود که هیچ یک از موجودات ذی‌شعور مداخله نکنند، همه آنها آنجا منتظر بمانند، و من جلو می‌رفتم و امور را اصلاح می‌کردم، و بدترین موجودات، هر قدر هم ممکن بود بد باشند، و هر نوع اشتباهی هم که در تار و مرتکب شده بودند، تمام آنها درحالی که صرفاً کنار مانده بودند می‌توانستند به کمال برسند. آیا این عالی نمی‌بود؟! (تشیویق) البته، این کار بدون قاعده انجام نمی‌شد، به طوری که من هر چیزی را که یک مرید دافا بدهکار بود به پرداخت‌های نیک‌خواهانه به موجودات ذی‌شعور تبدیل می‌کردم، و به همه بهترین غرامت داده می‌شد. اگر او این کار از دستش بر نمی‌آمد، آن وقت استاد به او کمک می‌کرد انجامش دهد. وقتی کیهان در حد استاندارد نیست علتش این است که همه موجودات ذی‌شعور در حد استاندارد نیستند، و من به تمام موجودات ذی‌شعور کمک می‌کردم این کار را انجام دهند، به شما کمک می‌کردم انجامش دهید و به او هم کمک می‌کردم که انجامش دهد. آن وقت آیا همه چیز نیک‌خواهانه حل و فصل نشده بود؟ (تشیویق) حالا که تمام موجودات دیگر خوب نبوده و دیگر پاک نیستند، به همه شما در انجام این کار کمک می‌کردم. پس آیا منصفانه نبود؟ متوجه منطق پشت آن هستید، درست است؟ ولی آنها بر انجام کارها به روش خودشان اصرار کردند. البته، حتی در چنان وضعیتی هم هنوز به ناچار واکنش‌هایی از سوی موجوداتی که در اصلاح فاعل تحت تأثیر قرار می‌گرفتند وجود می‌داشت، و مزاحمت و مداخله از آن سربرمی‌آورد. این طبیعی است، و رنج و دردهایی برای من در اصلاح فاعل به وجود می‌آمد، و این نیز طبیعی است. این را می‌توانستم بپذیرم و تصدیق کنم. ولی انجام روش من این کارها به شدت با اصلاح فاعل مداخله کرده است، و این چیزی است که نمی‌توانم به رسمیت بشناسم. چگونگی ارتباط امور از این قرار است.

از زاویه‌ای دیگر که صحبت کنیم، میدان من، وقتی نیروهای کهن می‌توانند چیزهایی را که خواهان انجامشان هستند انجام دهند، آیا علتش این نیست که شما بی‌صدا به چیزهایی که می‌خواهند انجام دهند رضایت داده‌اید؟ وقتی به شما می‌گویند بروید می‌روید، وقتی می‌گویند چیزی بنویسید می‌نویسید، وقتی می‌گویند کاری انجام دهید همین‌طور انجامش می‌دهید، و وقتی که بازداشت و زندانی‌تان می‌کنند، درمانده و بی‌صدا به آن تن می‌دهید. البته، برای این این‌طور می‌شود که درون‌تان وابستگی‌هایی دارید و نمی‌توانید رهاشان کنید، ولی هر چه بیشتر نتوانید رها کنید، شدیدتر شکنجه می‌شوید، چراکه موجودات پلیدی که درحال کنترل و تباہ کردن میدان دافا هستند می‌توانند وابستگی‌های شما و آنچه را که به آن وابسته‌اید ببینند. آن مردانی که مرگ و زندگی را رها کرده‌اند از هیچ چیز ترسی ندارند، و موجودات شیطانی از آنها می‌ترسند. اما دلیلی که می‌توانند رها کنند این است که خوب تزکیه کرده‌اند.

پرسش: من واقعاً می‌خواهم خانواده و دوستانم در دافا تزکیه کنند، ولی اصلاح فاعل در مراحل پایانی است، بنابراین آیا برای آنها نظم و ترتیب می‌دهید که با ما به آسمان‌ها برگردند؟ یا به این صورت است که وقتی فاعل دنیای بشری را اصلاح می‌کند در دافا تزکیه خواهند کرد؟

معلم: واقعاً نمی‌توانم در این مورد چیزی به شما بگویم. اول اینکه، این چیزی است که نمی‌شود آن را گفت، و دوم اینکه، شما وابستگی‌هایی دارید. بعضی‌ها می‌گویند، "وقتی به کمال نائل شده‌ام، اگر این یا آن کار را داشته باشم که به آن رسیدگی کنم چه؟" می‌دانید وقتی آن کلمات بیان می‌شوند خدایان چطور به آن شاگرد نگاه می‌کنند؟ (حاضر می‌خندند) و هنوز می‌خواهید به کمال برسید؟ اما آیا این را می‌دانید؟ کسانی که فکر به کمال رسیدن را در ذهن دارند نمی‌توانند به کمال برسند، چه برسد به کسانی که می‌خواهند به کمال برسند ولی نمی‌توانند وابستگی به مسائلی مثل احساسات و ثروت را رها کنند. در طلب چیزی نباشید و به طور طبیعی به دست بیاورید! تمام کارهایی که میدان دافا امروز انجام می‌دهند در واقع مسئولیت‌هایی است که تاریخ به شما واگذار کرده است. صرفاً آنچه را که باید انجام دهید به طور باز و باوقار انجام دهید، و همه چیز پوشش داده می‌شود. (تشیویق) تا زمانی که به این فکر می‌کنید که می‌خواهید به کمال نائل شوید نمی‌توانید به کمال برسید... و تازه می‌گویید، "چطور می‌توانم بروم وقتی این کار هست که به آن نرسیده‌ام، آن کار هست که هنوز باید به آن رسیدگی شود..." که یعنی هنوز نمی‌خواهید بروید. فقط نگاه کنید چند وابستگی و فکر بشری به آن کلمات چسبیده است.

پرسش: شعر شکلی از فرهنگ بشری است. چرا استاد انتخاب کرده‌اند که از این شکل بخصوص، یعنی شعر، برای آموزش ما استفاده کنند و آن را به عنوان بخشی از فا به کار ببرند؟

معلم: این چیزها از فرهنگ چین، به همراه چیزهای فرهنگ‌های دیگر جهان، برای مردم حفظ شده بودند تا فا را به دست بیاورند. در خصوص استفاده من از بخش خاصی از فرهنگ، این انتخاب شخصی من است-- تفکر ویژه‌ای وجود نداشت، صرفاً بنا به میل خود آن را به کار بردم. بعضی اوقات از چینی کلاسیک برای نوشتن مطالبی استفاده می‌کنم، و بعضی اوقات شعر، نظم، یا دوبیتی‌های ادبی را به کار می‌برم، و مواقعی هم هست که از نثرهای محلی استفاده می‌کنم، که در حال حاضر صورت رایج نوشتن است. در حقیقت ترجیح می‌دهم با شکل‌های کلاسیک بنویسم، چراکه می‌توانند مسائل را واقعاً شفاف و کامل ابراز کنند. ولی البته، چیزی که محصلین این روزها مطالعه می‌کنند [نوع] محلی است، و اگر به آن شکل می‌نوشتم نمی‌توانستند مسائل را بفهمند، پس صرفاً استفاده کمتری از آن می‌کنم و یا اصلاً آن را به کار نمی‌برم. نیروهای کهن نژاد بشری امروزه را به این نقطه کشانده‌اند. در حقیقت مشکلات عظیمی برای اصلاح فای کیهان و آینده ایجاد کرده‌اند. فایی که به شما آموزش می‌دهم مسائلی از علم را در خود می‌گنجاند، و این فرهنگ موجودات انسانی نیست، پس اگر برای آینده به جای بماند چه می‌شود؟ می‌دانید، چرا من همیشه می‌خواهم از آن گفته‌های چینی کلاسیک کهن برای آموزش استفاده کنم؟ چون آنها این چیزها را در خود ندارند. اما امور حالا صرفاً به این صورت هستند، و مردم فقط می‌توانند این اصول را در چارچوب این نوع از فرهنگ بفهمند، پس فقط می‌توانم به این طریق آموزش دهم. در خصوص مسائل آینده، برای رسیدگی به آنها صرفاً باید منتظر آینده شویم.

پرسش: شما گفته‌اید که هرچیز اجتماع بشری امروز را افکار مریدان دافا پدید آورده است. من غالباً متوجه می‌شوم وابستگی‌های خودم باعث شده‌اند که مسائل حتی بدتر شوند. ممکن است از استاد بپرسم که چگونه خودم را از این وضع آزاد کنم؟

معلم: اگر خوب عمل نکرده‌اید مسئله مهمی نیست. فقط دفعه بعد کارها را خوب انجام دهید و سعی کنید پی ببرید مشکل در کجا بوده است. یک پدیده بارز در تزکیه شماها وجود دارد، اینکه، بعد از اینکه مسئله‌ای را خوب انجام نداده‌اید، فقط غرق در پشیمانی می‌شوید، و آن کار را از نو انجام نمی‌دهید. اگر خیلی به خاطر آن تأسف بخورید یک وابستگی دیگر است. یک‌بار که کار اشتباهی انجام داده‌اید، دیده‌اید کجای کار اشتباه بوده، و متوجه آن شده‌اید، آن وقت دفعه بعد آن را خوب انجام دهید، آن را دوباره انجام دهید. اگر زمین بخورید و بیفتید، و به جای بلند شدن همان جا دراز بکشید، (حاضر می‌خندند) هیچ خوب نیست.

پرسش: امروز صبح بعد از شنیدن آموزش فای استاد، خیلی غمگین شدم. می‌خواهم از استاد بپرسم، آیا شما آن حقایق- فا را قبل از وقوع‌شان به ما آموزش دادید؟

معلم: نه، اینطور نیست. در حال حاضر مسائل بسیار زیادی هستند که در آنها دخالت نمی‌کنم، زیرا باید خودتان مسیر خود را به خوبی ببینید. برای همه همین‌طور است. این چیزی است که بعد از آنکه در آینده به کمال برسید به جای خواهید گذاشت، و نیز فرصتی است که تقوای عظیم بنا کنید. آنچه که خوب انجام می‌دهید همه چیزهایی است که به آنها اعتبار بخشیده و روشن‌بین شده‌اید. آن قسمت را مرتب کنید و پس مانده‌هایی را که به آنها نیازی نیست بیرون بیندازید، و آن عصاره‌ای که باقی می‌ماند مسیر موفقیت شماست. در مورد حقایق فا که امروز صبح آموزش دادم، در حقیقت، فقط وقتی آنها را آموزش می‌دهم که به صورت گروهی انحراف‌هایی در شرف وقوع است. اگر صرفاً پدیده‌های مجزایی بودند که تأثیر چندانی نداشتند، آنها را عنوان نمی‌کردم، و تمرین‌کنندگان سربعاً آن را به خوبی اداره می‌کردند. حتی در مورد آن موضوعی که صبح درباره آن صحبت کردم، می‌دانم که در آخر به خوبی آن را می‌فهمید، ولی زبان‌ها وحشتناک می‌بودند و من تعدادی از مریدان دافا را از دست می‌دادم. پس می‌خواستم که درباره‌ی آن صحبت کنم. (تشویق)

پرسش: استاد گرانقدر، تمرین‌کنندگان از اینترنت برای تبادل درک و تجربه استفاده می‌کنند. این قالب خوب است یا بد؟

معلم: فکر می‌کنم خارج از سرزمین چین مشکلی نباشد، اما درباره جزئیات آنچه برای اعتباربخشی به فا انجام می‌دهید صحبت نکنید. اگر در سرزمین چین است، بهتر این است که اولویت را به امنیت خود بدهید و به نیروهای کهن اجازه استفاده بردن از شکاف‌ها را ندهید. این موضوعی از ترسیدن یا ترسیدن نیست، در مورد این است که به شیطان اجازه استفاده از هیچ شکافی را نداد.

پرسش: اگر افکار ما بسیار خالص و درست باشند، آنگاه هیچ راهی برای نیروهای کهن نیست که مداخله کنند. پس اگر مداخله وجود داشته باشد، آیا وضعیت تزکیه ما را منعکس می‌کند؟

معلم: وقتی مداخله پیش می‌آید معمولاً به خاطر آن نیروهای کهن است. پس وقتی هر کاری را به شکل درست انجام می‌دهیم، آیا باید انتظار داشته باشیم که هیچ مداخله‌ای وجود نداشته باشد؟ آن فقط می‌تواند بسیاری از زیان‌ها را کم کند، زیرا به خاطر این واقعیت که خود شما هنوز عناصری دارید که نمی‌توانید به وجودشان پی ببرید از شکاف‌های شما استفاده می‌شود، و نیروهای کهن به تحمیل کردن آنچه که خواهان انجام آن هستند اصرار می‌ورزند. در عین حال، بعضی شاگردان هستند، خصوصاً گروه سوم شاگردان، که هنوز مقدار معینی کارما دارند، و بنابراین آنها از این چیزها برای بهره‌برداری از شکاف‌ها استفاده خواهند کرد. اما به طور مشابه، استاد آنها را تصدیق نمی‌کند. و شما هم نباید تصدیق‌شان کنید. کارها را به شکلی درست و باوقار به خوبی انجام دهید، آنها را نفی کنید، و قدری افکار درست‌تان را تقویت کنید. "من مرید لی هنگجی هستم، نظم و ترتیب‌های دیگر را نمی‌خواهم و آنها را به رسمیت نمی‌شناسم" -- آن وقت جرأت نمی‌کنند چنان کاری کنند. پس همگی را می‌توان حل و فصل کرد. وقتی که واقعاً بتوانید این کار را انجام دهید، نه اینکه فقط بگویید بلکه آن را به مرحله‌ی عمل درآورید، استاد قطعاً به حمایت از شما برمی‌خیزد. از این گذشته، محافظان فای بسیاری اطراف استاد وجود دارند، بوداها، داثوها، و خدایان بسیاری وجود دارند، و موجوداتی حتی بزرگ‌تر هستند، و تمام آنها درگیر می‌شوند، زیرا شکنجه‌تحمیلی که تصدیق نشده باشد جرم است، و قوانین کهن کیهان نیز آن را مجاز نمی‌دانند -- شکنجه غیرعقلانی به هیچ وجه مجاز نیست، و اگر وضعیت به این شکل باشد نیروهای کهن جرأت نمی‌کنند چنان کاری کنند. پس شما باید تا آنجا که می‌توانید کارها را به درستی انجام دهید.

کسی ممکن است فکر کند، "حالا که مسائل را به درستی انجام داده‌ام و آنها را خوب انجام داده‌ام، از حالا به بعد اصلاً هیچ محنت دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد". شاید این فکر شما منجر به این شود که محنت‌هایی برای شما درست کنند، چراکه نیروهای کهن معتقدند این شکل دیگری از به رسمیت شناختن آنها است. "آهان، می‌خواهد چنان چیزی وجود نداشته باشد، و می‌خواهد که خیالش راحت باشد. این که نمی‌شود. این فکر باید از سرش برود". پس آیا این بهره‌برداری از شکاف‌های‌تان نیست؟ در حقیقت، تا زمانی که بتوانید وضعیت ذهنی بسیار صالحی را در زندگی روزانه‌تان حفظ کنید، اکثراً باید مشکلی وجود نداشته باشد.

پرسش: بعد از اصلاح فا آیا هنوز استاد را می‌شناسیم؟

معلم: استاد یک سیستم مستقل دارد. همگی شما موجوداتی در داخل کیهان هستید، و کیهان بسیار عظیم هر قدر هم بزرگ باشد استاد داخل آن نیست. من بخشی از هیچ یک از این‌ها نیستم، با این حال سیستم مستقل خودم را دارم، به هیچ چیز در این کیهان نیازی ندارم و نیازی ندارم که هیچ چیزی در آن بگذارم، من سیستم متکی به خود و مستقل خودم را دارم. پس به عبارت دیگر، هیچ موجودی در کیهان نمی‌تواند مرا ببیند، و هیچ موجودی نمی‌تواند راجع به من بداند. در واقع من بدون شکل هستم، و برای هر عنصر داخلی یا خارجی، من وجود ندارم، مثل نبودن است، با این حال قادرم تصویرم را در هر سطح کیهانی نشان دهم، که ترفیع در سطوح مختلف این تصویری است که شما می‌توانید امروز ببینید. البته، آن مثل شکل [حاضر در] اینجا در بین انسان‌ها است، و در آینده ممکن است بسیار جوان باشد -- بدن ذاتی من بسیار جوان است. به صورت بشری بیان کنیم، در هر سطح شکل [و تصویری] وجود دارد که بر اساس این بنیان تعالی یافته است، تاماش شبیه من است، فقط اینکه این‌طور به نظر می‌رسد که هرچه عناصری که آن را شکل می‌دهند میکروسکوپی‌تر باشند حجم آن بزرگ‌تر است. البته، همچنین می‌توانم هر

سطح را به یک بدن فشرده کنم و هم‌زمان بزرگ‌تر و کوچک‌تر شوم، و همین‌طور می‌توانم بدن را بی‌اندازه تقسیم کنم. معنی کلی آن این‌طور است. (تشویق)

پرسش: بعد از اصلاح فا و زمانی که مریدان به کمال رسیده‌اند، هنوز هم فرصت‌هایی برای رشد خواهد بود؟

معلم: شما زمان بعد از اصلاح فا را که همه مریدان به کمال رسیده‌اند مطرح کردید-- آیا هنوز هم فرصت‌هایی برای رشد خواهد بود؟ در واقع، درباره همه این مسائل صحبت کرده‌ام. طی تزکیه به مقام دستیابی‌تان اعتبار بخشیده و به آن روشن‌بین می‌شوید، یا به عبارت دیگر، هر مقام دستیابی‌ای که بتوانید به آن دست یابید از طریق فرآیند تزکیه کسب می‌شود. می‌خواهید بپرسید، "زمانی که در آسمان‌ها هستم، آیا می‌توانم به تزکیه و رشد ادامه دهم؟" عناصر و مکانیزم‌هایی به این منظور وجود دارند، اما فقط ذره‌ای رشد کردن، پروژه‌ای بسیار طولانی و بسیار عظیم است. به آسانی روی زمین نیست. ولی هیچ کسی جرأت نمی‌کند به زمین بیاید، چراکه بعد از آمدن به اینجا ممکن است به یک خدا یا بودا که به این دنیا بیاید تا مردم را نجات دهد برخوردید. بعد از پایین آمدن، آن ذهن شما پاک می‌شود، و هیچ چیزی نمی‌داند-- امکانش هست حتی مخالف تزکیه شوید. پس کسی جرأت نمی‌کند بیاید.

پرسش: برای مریدان دافا به صورت کل، بعضی از نواحی و کوتاهی‌های بنیادین که نیازمند رشد است کدام‌ها هستند؟

معلم: برای مریدان دافا به صورت کل، در روند اعتباربخشی به فا، وقتی با همدیگر هم آهنگ کار می‌کنید، قدرت فا عظیم است. خواه کارها را گروهی انجام می‌دهید یا تنهایی، کاری که در حال انجام آن هستید همان نوع کار است و منظور ما از یک وجود این است. همگی در حال آشکارسازی حقیقت، فرستادن افکار درست، و مطالعه فا هستید، بنابراین جزئیات کارهایی که می‌کنید فرق می‌کند ولی قسمت‌بندی نقش‌ها منظم است، با هم، یک شکل وجود دارد، و جدا از هم ذرات وجود دارند. وقتی که به صورت یک وجود مشکلاتی برای‌تان پیش می‌آید استاد قطعاً در مورد آنها صحبت می‌کند، و وقتی که مسئله بارزی وجود ندارد استاد حرفی نخواهد زد. بنابراین وقتی که روی وضعیت کل وجود تأثیر نگذارد من چیزی نمی‌گویم.

پرسش: استاد محترم و محبوب، لطفاً مرا نجات دهید. من گناهان بزرگی کرده‌ام، برای همین یک پسر عقب‌مانده ذهنی دارم.

معلم: استاد قطعاً تمام موجودات ذی‌شعور در این دنیا را نجات خواهد داد. (تشویق) من طی دوره‌های زمانی مختلف و به روش‌های مختلف از شکل‌های مختلف نجات استفاده خواهم کرد.

پرسش: افکار من در رؤیاهایم خیلی درست نبودند، و می‌ترسم که ممکن است به موجودی صدمه زده باشم.

معلم: نگران نباشید، خواب خواب است، خواب تزکیه نیست، و ضرورتاً شبیه چیزی که تصور کردید نخواهد بود. تا زمانی که بتوانید تزکیه را کامل کنید، استاد به راه‌هایی فکر خواهد کرد تا همه اشتباهاتی را که مرتکب شده‌اید به طور کامل حل و فصل کند. (تشویق) به آن چیزها فکر نکنید. اگر خیلی در موردشان فکر کنید یک وابستگی می‌شود، و نمی‌توانید تزکیه کنید.

پرسش: ممکن است از استاد گرانقدر بپرسم که، طی اصلاح فا، آیا زمانی که کارهایی انجام می‌دهیم موضوع ایجاد تعادل بین اهمیت و فوریت مسائل وجود دارد، و ما چگونه باید این مسئله را درست اداره کنیم؟

معلم: خوب، این در مورد موضوعات خاص است. و مسائل خاص همگی بخشی از بنا کردن تقوای عظیم‌تان توسط شما هستند، و بخشی از مسیرهایی هستند که باید پییمایید، و کارهایی که خودتان انجام می‌دهید. البته، لازم است اهمیت و فوریت را سبک و سنگین کنید، و خودتان مسائل را اولویت‌بندی کنید. اگر خوب اولویت‌بندی نکنید، آنگاه ممکن است روی آنچه که لازم است انجام دهید تأثیر بگذارد چراکه، بگذارید برای‌تان بگویم، همه آنچه که انجام می‌دهید برای خودتان است. اینکه بتوان کارها را

خوب اولویت‌بندی کرد به خودی خودی تحسین‌برانگیز است، و منجر به این می‌شود که مسیر را درست ببینید، و این تقوای عظیم است. برای من سخت است که درباره جزئیات با شما صحبت کنم. استاد نمی‌تواند شما را از فرصت به کمال رساندن مسیر خودتان محروم کند.

پرسش: اغلب به خاطر این که نمی‌توانم قلبی از نیک‌خواهی را تزکیه کنم خودم را سرزنش می‌کنم، و احساس دلسردی و بی‌تفاوتی می‌کنم، خصوصاً در مورد آن دوستان و آشنایان اطرافم که مطالب [آشکارسازی حقایق مربوط به] دافا را نمی‌پذیرند.

معلم: می‌توانم به شما بگویم، ما تزکیه‌کننده هستیم، پس لازم است با همه موجودات ذی‌شعور اطرافتان تا آنجا که می‌توانید نیک‌خواهانه رفتار کنید. شاید فرصت تقدیری بعضی‌ها هنوز به موعده نرسیده باشد. شاید بعضی‌ها واقعاً به طور عمیق مسموم شده‌اند ولی هنوز بتوان آنها را نجات داد. البته، عده‌ای هستند که نمی‌توانند نجات یابند، ولی اکثریت می‌توانند. در حال حاضر نمی‌توانید آنها را از هم تشخیص دهید. فکر می‌کنم به هیچ وجه نباید دلسرد یا بی‌تفاوت شوید. او هر کسی هم که باشد نیک‌خواهانه این کار را انجام دهید، و با نیک‌خواهی‌ای که بتواند فولاد را ذوب کند می‌توانید آن را خوب انجام دهید. (تشویق)

پرسش: بسیاری از کشورها در حال حاضر فریب ظاهر اقتصاد چین را می‌خورند، و این یک مانع بزرگ برای آشکارسازی حقیقت ما به دولت کشورهای مختلف و به جامعه کسب و کار شده است. امیدواریم استاد گرانقدر در این قسمت کمی ما را راهنمایی کنند.

معلم: بله، دولت چین یک چهارم منابع مالی کشور و مردم را برای آزار و شکنجه فالون گونگ صرف کرده است. آیا اگر از نظر اقتصادی توانمند نبود می‌توانست فالون گونگ را شکنجه کند؟ آیا مردم در آن جامعه به دستوراتش گوش می‌کردند؟ آیا یک شخص فقط برای اینکه کسی به او گفته، کاری بر خلاف وجدانش انجام می‌دهد؟ همه‌اش به خاطر این است که با پول سر پا نگه داشته می‌شود. و چرا این‌طور است که در جامعه جهانی، آن همه دستگاه‌های رسانه‌ای و دولت‌ها همگی در این ماجرا این اندازه سکوت کرده‌اند، و چرا می‌توانند در مواجهه با این فاجعه خودشان را به آن راه بزنند؟ آنها منافع بسیار و سود فراوانی دارند که در این تنیده شده است.

طی این شکنجه شیطانی، همه چیز در چین، چه پیشرفت در حکومت باشد یا عواید مالی شرکت‌ها، همگی به فالون گونگ گره خورده است. و این شامل امتحان ورودی محصلین و کارنامه‌ای که هنگام اخذ مدرک می‌دهند می‌شود، همه چیز باید به فالون گونگ گره خورده باشد. به منظور آزار و شکنجه فالون گونگ، وجه بسیار زیادی به امنیت عمومی، حقوق سیاسی، دستگاه قضایی، امور خارجه، اداره بدنهاد ۶۱۰، و مأموران ویژه امنیتی تخصیص داده می‌شود. و به منظور فریب دادن مردم، مبلغ بسیار زیادی در دستگاه‌های تبلیغاتی گوناگون سرمایه‌گذاری شده است، در رادیو، تلویزیون، مطبوعات، هنر و ادبیات، رویدادهای فرهنگی، و حتی در مسدودسازی تلویزیون، رادیو، و شبکه‌های کامپیوتری. و تعداد بسیار زیادی مأمور به جامعه جهانی فرستاده شده‌اند تا به فالون گونگ شکنجه و آزار برسانند. ولی آن افراد پول را با خودشان به خارج می‌بردند و سپس همین که پول به حساب شخصی‌شان واریز می‌شد، همان موقع روال‌های اخذ مهاجرت را آغاز می‌کردند -- "در مواقع عادی، اگر بخواهم بروم نمی‌گذارند، اما حالا برای این کار به من پول می‌دهند... واقعاً عالی است. اما چطور می‌توانم بروم و در چنان جامعه‌ای جرم کنم؟ بهتر است راه فراری برای خودم بگذارم". ترفندهای استفاده شده در شکنجه و آزار، احمقانه‌ترین ترفندها هستند، ولی آنها از اینکه پول مردم را، که با ریختن عرق و مشقت کشیدن به دست آمده، خرج این می‌کنند که برگردند و آن مردم را شکنجه کنند شرمی ندارند، و میزانی که صرف کرده‌اند بسیار هنگفت است.

این‌طور به نظر می‌رسد که تا زمانی که موضوع فالون گونگ حل و فصل نشده باشد، آن اجتماع واقعاً هیچ امیدی به تغییر نخواهد داشت و هیچ چیز نمی‌تواند به ثبات برسد، چراکه تماماً روی فالون گونگ متمرکز است و وقت این را ندارد که نگران چیز دیگری باشد. همه‌اش به خاطر فالون گونگ وجود دارد. آن مجموعه تشکیلات بی‌ارزش تماماً به خاطر فالون گونگ دایر است -- چه کار دیگری می‌تواند انجام دهد؟

تمام این با سرمایه‌گذاری خارجی ممکن شده است، و نیروهای کهن آن کار را کردند. صرفاً در حال استفاده از پول هستند تا شیطان را بر پا نگه دارند. طی این دوره که شیطان در حال شکنجه و آزار دافا است، شما آنجا پول سرمایه‌گذاری می‌کنید. این یعنی آن افراد بسیار ثروتمند که در حال انتخاب آینده خود هستند، آگاهانه پول خود را دور بریزند. در این شکنجه و آزار، سرمایه‌گذاری پول‌تان در آنجا درست مانند حمایت شکنجه شیطان است، و مرتکب گناه شده‌اید. اگر شکنجه و آزار دافا آنجا در چین وجود نداشت اهمیت نمی‌داشت که چه مقدار پول سرمایه‌گذاری کرده‌اید. در ظاهر مردم نمی‌دانند، ولی افراد همگی جنبه‌ای دارند که آگاه است. واقعاً نمی‌توانید بگویید که نمی‌دانستید.

پرسش: اگر کسانی که مسئول مراکز دستگیری یا انجمن‌های فالون دافا هستند نتوانند همگام با پیشرفت اصلاح فا باشند و قادر به شنیدن انتقاد نباشند...

معلم: آیا این وضعیت مراکز دستگیری و انجمن‌های فالون دافای ما است؟ لازم است، صادقانه، عمیقاً به درون خود نگاه کنید، و با نگرش درست به پیشنهادات تمرین‌کنندگان گوش بدهید. اما اگر به طرف دیگر این موضوع نگاه کنیم، آیا حقیقت ندارد که روشی که تمرین‌کنندگان به مسائل نگاه می‌کرده‌اند کم و کاستی دارد؟ اگر شما در آن نقش بودید، عملکردتان چگونه می‌شد؟ این انتقاد نیست، بگذارید این موضوعات را کنار بگذاریم و نظری بیندازیم— آیا آنها واقعاً مشکل دارند، یا این‌طور است که روش خود ما در ملاحظه مشکلات جامع نیست. یا اگر آنها واقعاً مشکلات بزرگی دارند، آن وقت چون شخص مسئول مراکز دستگیری هستند، اینجا موضوعی هست که باید آن را مورد ملاحظه قرار داد. مسئولیت‌های آنها حتی بزرگ‌تر است، چراکه اگر یک مرید دافا به خاطر اشتباهات آنها از بین برود فکر می‌کنم آن گناه، صرفاً بسیار عظیم است. البته، این قدر شدید نخواهد بود، چراکه هنوز استاد هست که مراقب مسائل باشد. اما شما همگی تزکیه می‌کنید، و هر طوری هم که باشد، نمی‌توانید کوتاهی‌ها، وابستگی‌ها، و چیزهایی را که نمی‌توانید رهاشان کنید با خود به کمال ببرید. پس هر کاری هم که انجام بدهید، اول از همه بایستی به دافا فکر کنید، و بیش از حد به چیزهای خودتان تأکید نداشته باشید.

در ادامه به این اشاره می‌کنم که، واقعیت این است که آن افرادی که در نواحی مختلف مسئول هستند نیز تزکیه‌کننده‌اند، و نباید آنها را استاد در نظر بگیرید یا از آنها انتظار چنان استانداردهای بالایی داشته باشید. اشتباه کردن در بعضی زمینه‌ها آسان است، پس وقتی چنین اتفاقی می‌افتد صرفاً افکار خود را با همدیگر در میان بگذارید و کمی بحث و صحبت کنید. زمانی که واقعاً از دید مسئول بودن نسبت به فا به امور نگاه کنید و واقعاً قلبی داشته باشید که بتواند فولاد را ذوب کند، واقعاً باورم نمی‌شود که نتوان امور را خوب اداره کرد. و بر اساس نوعی نظر سفت و سختی که دارید اصرار نداشته باشید که تمرین‌کننده دیگری خوب نیست— من، استاد شما، معتقدم که او خوب است. و فکر نکنید که ارتباط برقرار کردن سخت است. هیچ کدام از طرفین موقع انجام کارها "نیک‌خواهی عظیم" را رعایت نکرده‌اند. اگر واقعاً بتوانید به نیک‌خواهی عظیم عینیت ببخشید، فکر می‌کنم آن چیزهایی که صحیح نیستند قطعاً اصلاح می‌شوند.

پرسش: آیا تلاش‌های ما در آشکارسازی حقیقت به چینی‌هایی که در خارج زندگی می‌کنند خیلی نقص دارد؟ خصوصاً در غرب ایالات متحده سازمان‌های چینی بسیار زیادی، و چینی‌های خیلی زیادی از سرزمین چین هستند. آیا اینکه می‌توانند در خارج باشند بخشی از رابطه تقدیری آنها است؟

معلم: می‌توانید این را راجع به رابطه تقدیری بگویید، ولی در مورد آنهایی که نقشی مثبت دارند و آنهایی که نقشی منفی دارند، هر دو وجود دارند، و این صرفاً طوری است که نیروهای کهن ترتیب دادند. من اصلاً آن را تصدیق نمی‌کنم. لحظاتی پیش گفتم که هر کسی در دنیا جزئی از خانواده من بوده است. نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تصدیق نکنید، و تا آنجا که ممکن است روی آشکارسازی حقیقت کار کنید. خواه غرب ایالات متحده باشد یا شرق ایالات متحده، باید آن را به بهترین شکلی که می‌توانیم انجام دهیم. اما استاد در حال پیشنهاد کردن این نیست که هر چیز دیگری را کنار بگذارید، این عملی نمی‌بود که هر چیز دیگری را نادیده می‌گرفتید. در عوض، صرفاً وقت‌تان را خوب مدیریت کنید، و آنچه که در توان‌تان است برای نجات مردم

انجام دهید. مورد دیگر این است که آن فرد چینی که او را نجات دادید، می‌رود و به دیگران هم می‌گوید، پس این دادن فرصتی به او برای به دست آوردن میزانی از شایستگی است. در این شکنجه و آزار مردم مرتکب گناهی شده‌اند، و در همراهی این شکنجه و آزار دستی داشته‌اند و آتش خشم شیطان را شعله‌ورتر کرده‌اند، بنابراین به آنها فرصت‌هایی داده خواهد شد که گناهان‌شان را پاک کنند. بعد از اینکه متوجه حقیقت شوند همه جا در مورد آن صحبت می‌کنند، و این پاک کردن گناهان‌شان می‌شود، پس باید بهترین تلاش‌تان را بکنید.

پرسش: وقتی در ناحیه ما انتخابات برگزار می‌شود، افرادی بودند که رفتند تا به تعداد کمی از کاندیداهای مجلس که از دافا حمایت کردند کمک کنند. ولی بعضی از افراد فکر کردند که ما نباید خودمان را در سیاست درگیر کنیم، و اینکه نباید به افراد عادی تکیه کنیم که کارهایی برای دافا انجام دهند. آیا این درک درست است؟

معلم: در اصل درست است، ولی در خصوص این موضوع مشخص باید این‌گونه به آن نگاه کنید. اگر بگویید که مریدان دافا نمی‌توانند در سیاست اجتماع عادی درگیر شوند، نمی‌گوییم ۱۰۰٪ درست است. چیزی که به شما گفتم این بودم که دافا در سیاست درگیر نمی‌شود. و بسیاری از مریدان دافای ما در حوزه سیاست مشغول به کار هستند، این شغل‌شان است. پس آیا اگر یک انتخابات کشوری وجود داشته باشد، شما باید شرکت کنید؟ اگر در آن شرکت کنید و رأی خود را در صندوق بیندازید، خوب آن‌وقت درگیر سیاست شده‌اید. تزکیه کردن یک مرید دافا در اجتماع عادی به این معنی است که بهترین سعی‌تان را می‌کنید تا درحالی که با اجتماع عادی مطابقت دارید تزکیه کنید، و آنگاه مشکلی وجود نخواهد داشت. شما نیز عضوی از اجتماع عادی هستید. و موجودیت اجتماع عادی برای دافا، برای کیهان، و برای موجودات ذی‌شعور لازم است. ما فقط می‌توانیم کمک کنیم حفظ شود و نمی‌توانیم آن را به اختلال بکشانیم. وقتی قرار است رأی بدهید، فقط بروید رأی دهید، این مشکلی نیست. اگر می‌گویید که نماینده خاصی یکی از دوستان‌تان است، و شما مایلید در انجام کاری به او کمک کنید، آنگاه البته ممکن است مسائلی باشند که درگیر انتخابات شوند و شما مشغول کار داوطلبانه شوید— این اهمیتی ندارد. اما دافای ما به صورت کل، در سیاست درگیر نمی‌شود، و نمی‌توانیم هیچ کار سیاسی‌ای را تحت نام دافا انجام دهیم. برای مریدان دافا، به هر جهت اولویت باید اعتباربخشی به فا باشد.

بار آخری که انتخاباتی در تایوان بود، به یک تمرین‌کننده قدیمی سپردم تا با شخص مسئول انجمن دافای تایوان تماس بگیرد و برای عموم روشن کند که در انتخابات، انجمن‌های دافا هیچ موضع‌گیری نمی‌کنند. اگر یک نفر تمرین‌کننده بخواهد کسی را حمایت کند، این موضوع شخص اوست و نمایانگر دافا نیست. مریدان دافایی در حمایت از هر دو جناح وجود داشتند. انجمن فالون دافا هیچ نظر سیاسی در خصوص گزینش هیچ حزبی ندارد، و درگیر نمی‌شود. به عنوان تمرین‌کنندگان منفرد، شما می‌توانید هر کسی را که مایل هستید حمایت کنید. نحوه عملکرد آن به این صورت است.

پرسش: اخیراً هنگام انجام کار اصلاح فا فشار بسیار زیادی وجود داشته است. شبیه فشاری نامرئی به نظر می‌رسد. نمی‌دانم که آیا این احساس مرتبط با وضعیت کلی اصلاح فا است.

معلم: فکر می‌کنم نیروهای کهنی که توسط فا اصلاح نشده‌اند مسلماً احساس کرده‌اند که فشار عظیم‌تر و عظیم‌تر می‌شود، و هر چه به انتها نزدیک‌تر می‌شود، در سمتی که بر روی آن کار می‌شود فشار بیشتری وجود دارد. بنابراین بعضی مواقع این وضعیت پیچیده‌ای را برای ما ایجاد می‌کند، و تماشای همین است. فقط افکار درست بیشتری بفرستید تا مداخله را دور کنید، و آن را چیز مهمی نبینید. در واقع در حال حاضر من چیزی را خیلی واضح می‌بینم، و شما نیز آن را واضح می‌بینید، و آن این است که، هیچ کسی نمی‌تواند به دافا صدمه بزند. تمام امیدهای صدمه زدن به آن بیهوده است، و حتی اگر من، لی هنگ‌جی، اینجا حضور نداشتم باز هم هیچ کسی نمی‌توانست به آن دست بزند. هر کدام شما مثل یک دستیار است، هر کدام شما ذره‌ای از دافا است، هر کدام شما غرقه در فا است و در آن آبدیده می‌شود، و هر کدام از شما می‌داند که چه کار کند. مریدان دافا در سرزمین

چین پیش از این، در اعمال‌شان و بی‌بهره از حضور استاد، ثابت کرده‌اند که دافا خدشه‌ناپذیر است. تا زمانی که آنچه را که میدان دافا باید انجام دهند انجام دهید، هر چیزی می‌تواند حل و فصل شود.

پرسش: استاد به ما گفته‌اند که باید بردباری عظیمی داشته باشیم، ولی من هنوز گاه و بی‌گاه سر موضوعات کوچک گیر می‌کنم.

معلم: پس فقط تغییر کنید. شما باید نیک‌خواهی و بردباری نشان دهید، و بیشتر ملاحظه دیگران را بکنید، و اینجا بین موجودات انسانی این برای شما یک عادت خواهد شد. وقتی خودتان را ملامت می‌کنید آن را دوست ندارم، کاملاً بی‌مورد است. فقط چیزی را که گفتم تکرار می‌کنم: اگر افتاده‌اید همان جا دراز نکشید، درجا بلند شوید!

پرسش: اگر کسی جن، شن، رن را قبول داشته باشد، ولی فالون گونگ را نه، نتیجه نهایی برای او چه می‌شود؟

معلم: در حقیقت، بگذارید به شما بگویم، شما نباید به چیزهایی که مردم عادی می‌گویند زیاد توجه کنید، چون بسیاری از مردم عادی معقول نیستند. موجودات بشری، می‌دانید، تحت تأثیر بسیاری از مفاهیم در اجتماع عادی واقع شده‌اند، و پیوسته مفاهیم [و تصورات] مختلفی را شکل می‌دهند، که به شدت روی سرشت اصلی و افکار حقیقی آنها تأثیر می‌گذارد. بنابراین چیزهایی که بعضی افراد می‌گویند به نظر راست است ولی در واقع نادرستند، صادقانه نیستند، یا خوب روی‌شان فکر نشده است. فکر نکنید مردم عادی به اندازه شما معقول هستند. افراد بسیار زیادی در حال حاضر خیلی نامعقولند، و راستش، شما هم اول همین‌طور بودید. (حضر می‌خندند) فقط بعد از اینکه به بلوغ رسیدید و چیزهای بد بیرون آورده شدند معقول‌تر شدید. زمانی که یک فرد عادی چیزها را می‌فهمد، یا تصمیم می‌گیرد که چیزی خوب است یا بد، این کار در سطح بسیار کم‌عمق و سطحی‌ای انجام می‌شود. حتی چیزهایی که به خانواده خود و به افرادی که در حق او خیلی کار انجام داده‌اند می‌گوید، به نظر راست می‌رسد ولی در حقیقت راست نیست، صادقانه نیست، او به وعده‌هایش عمل نمی‌کند، و از مسئولیت هر پیامدی‌شانه خالی می‌کند. پس فکر نکنید که آن مهم است. اگر می‌خواهید او را نجات دهید پس لازم است کمکش کنید که معقول شود.

پرسش: هنگام آشکارسازی حقیقت به چین به منظور مطابقت داشتن با روش افراد عادی، مطلب آشکارسازی حقیقت را کنار مضمونی قرار می‌دهیم که با وابستگی‌های افرادی عادی مطابقت دارد. چگونه باید این را به طور شایسته اداره کنیم؟ هرچند نوعی مضمون ناسالم مطابق وابستگی‌های افراد عادی باشد، باز هم نباید از آن استفاده کرد.

معلم: بعضی از شاگردان در واقع این را به من گفته‌اند: وقتی بعضی از شاگردان ما که قبلاً قدم پیش نگذاشته بودند یا خوب عمل نکرده‌اند قدم پیش می‌گذارند، بلافاصله می‌خواهند کارهای خوب بیشتری انجام دهند، و با شایستگی [حاصل از آن] اشتباهات‌شان را جبران کنند. ولی آنها سابقاً در سطوح‌شان تنزل داشته‌اند، بنابراین حالا بین آنها و آن تمرین‌کنندگانی که تمام مدت بخشی از اصلاح فا بوده‌اند شکافی هست؛ ولی این شکاف چیزی نیست که آن شخص بتواند ببیند، هرچند میدان دیگر می‌تواند آن را ببیند، و مخصوصاً خود را در کارهای خاص اصلاح فا یا درک‌ها نشان می‌دهد. بنابراین وقتی که او کارهای اصلاح فای معینی را انجام می‌دهد یا چیزهای خاصی می‌گوید، میدان دیگر دافا می‌تواند متوجه آن شوند. حالا، حرف من این نیست که این تمرین‌کنندگان اصلاً خوب نیستند، من گفته‌ام که اگر زمین خوردید، خودتان را بلند کنید و راه‌تان را از سر بگیرید— استاد شما را ترک نخواهد کرد، و شما نباید اعتماد به نفس‌تان را از دست بدهید. هنوز فرصت هست، و هر طوری هم که باشد من شما را نجات می‌دهم. حالا آیا باز هم اعتماد به نفس ندارید؟ (تشویق) پس حالا شما، تمرین‌کنندگانی که همیشه خوب عمل کرده‌اید، باید با مهربانی به آنها کمک کنید، و مثل طوری که موقع صحبت با تمرین‌کنندگان دیگر هستید خیلی جدی و سخت‌گیر نباشید. حتی اگر کلمات‌تان بی‌منظور باشند ممکن است او طور متفاوتی آنها را بشنود، پس لازم است با مهربانی حرف بزنید و به او بگویید که چگونه کارها را انجام دهد. البته، نباید بگذارید که متوجه این شود، چون یک‌بار که متوجه‌اش شود حس می‌کند که با او جور دیگری رفتار می‌کنید، و سپس در ذهنش موانعی شکل می‌گیرد و برای تفکر او ایجاد مشکل می‌کند. بعضی از تمرین‌کنندگان ما که اخیراً قدم پیش گذاشته‌اند نیز باید قدری به این مسئله توجه کنند— گوش کردن

به نصیحت دیگران سودمند است، این هرچه باشد تزکیه است. قبول کردن نصیحت صادقانه سخت است، ولی برای تان خوب است.

پرسش: علاوه بر تولید مقدار بسیار زیادی فیلم آشکارسازی حقیقت، آیا می‌توانیم تعداد کمی فیلم سودمند برای برطرف کردن نیازهای مختلف مردم عادی بسازیم؟

معلم: باید به شما بگویم، ما واقعاً در حال حاضر زمان این کار را نداریم، زیرا مریدان دافا درحال ارائه‌ی هر چه در توان دارند در اعتباربخشی به فا هستند. اگر آنها ساخته شوند، به مردم عادی نفع می‌رسانند، شکی در این نیست-- فرهنگ طبیعی مردم درحال لغزش به پایین است. اما این کاری نیست که امروز انجام دهید. کاری است که در مرحله‌ی بعدی در آینده انجام می‌شود. بنابراین در حال حاضر مریدان دافا باید در قسمت آشکارسازی حقیقت انرژی بیشتری صرف کنند و بیشتر انجام دهند.

پرسش: آیا ما باید برنامه‌های آشکارسازی حقیقت را در تعداد زیاد بر روی اینترنت بگذاریم تا مریدان دافا در چین بتوانند از آنها برای تولید سی‌دی‌های تصویری استفاده کنند؟

معلم: البته که این کار خوبی است. و نه فقط باید این کار را انجام دهید، بلکه اگر می‌توانید باید در تعداد زیاد انجامش دهید. ذهن چینی‌ها خیلی عمیق مسموم شده است، و لازم است به آنها کمک کنید که حقیقت را متوجه شوند. بگذارید بدانند ما در پی نوعی هدف سیاسی نیستیم، و درعین بی‌گناهی شکنجه می‌شویم. از نگاه یک فرد عادی، مسلماً خواستمان این است که به مردم دنیا بگوییم ماهیت ما چیست. و از منظر فا، مسلماً در حال نجات آنها هستیم، نجات آنها از سرنوشت نابود شدن به خاطر آن.

پرسش: زمانی که مریدان اصلاح فا به فا اعتبار می‌بخشند، گذشته از کمال خودشان، آیا این همچنین اعتبار بخشیدن به فا به خاطر موجودات دیگر است؟

معلم: موجودات دیگر... فعلاً نیازی نیست نگران آنها باشید. (معلم می‌خندد) اما، می‌توانم به شما بگویم که قبلاً حدود زمان ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، زمانی که آن دسته‌های انبوه شیطان به پایین فشار داده می‌شدند، آنها درحقیقت همه‌ی افراد شیطانی در دنیا را کنترل می‌کردند. همه‌ی افراد عادی نیز کنترل می‌شدند، و نه فقط موجودات انسانی، حتی حیوانات و گیاهان هم کنترل می‌شدند. می‌توانستید ببینید که حتی هر ساقه‌ی علف و هر درخت به نظر می‌رسید که دشمنی بسیاری با ما دارد. سال دوم امور بهتر شدند، چون همه‌ی شیطانی که به پایین فشرده شده بود پاک‌سازی شد، و در آن زمان فقط قسمت موجود در چین باقی ماند، و آن به سرعت ذره ذره درحال پاک شدن بود. در حال حاضر مردم دنیا از همه مهم‌تر هستند، چون امروز هیچ کسی بدون اینکه دلیل بزرگی وجود داشته باشد در دنیا حضور ندارد.

پرسش: من دو پرسش دارم. اغلب احساس می‌کنم که هر روز سرم شلوغ است، هر روز درگیر انجام کارها هستم، و با این حال نتایج خوب نیست. و بعضی مواقع نسبت به کار معینی که در ارتباط با دافا است و نجات هم‌شاگردی‌ها احساس بی‌تفاوتی می‌کنم. چگونه باید این وضعیت را تغییر دهم؟

معلم: فقط می‌توانم به شما بگویم که به طور منطقی برای زمان تان برنامه‌ریزی کنید. زمان هر کسی محدود است، و استاد این را می‌داند. پس [باید سعی کنید پی ببرید که] چگونه حساب‌شده زمان خود را سهمیه‌بندی کنید. شما باید مریدان دافا و هم‌تزکیه‌کنندگان خود را رهایی دهید-- نمی‌توانیم بگذاریم شیطان وحشیانه و بی‌ممانعت آنها را شکنجه کند. در حقیقت، می‌خواهم به شما بگویم، همه‌ی روش‌هایی که آنها برای شکنجه و آزار دافا استفاده می‌کنند آخر حماقت است، و وقتی به عقب نگاهی می‌کنید می‌توانید ببینید که این حقیقت دارد، چراکه نیروهای کهن آن را این‌گونه نظم و ترتیب دادند. چگونه آنها

می‌توانند شهروندان کشورهای دیگر را دستگیر کنند؟ آیا می‌دانید؟ زمانی که حقیقت را آشکار می‌کنید و یک‌بار که آمریکایی‌ها متوجه بشوند، مردم آمریکا به خشم می‌آیند. از همان زمان اصلاحات و گشودن درها به روی غرب، دولت چین خودش را به آب و آتش زده تا به دنیا نشان دهد که چقدر عالی است، تا که مردم با موجودیت حکومت حزب *** کنار بیایند. آیا همین‌طور نیست؟ با این وجود در خصوص اجتماع غرب، خصوصاً در بین مردم آمریکا، آنها همان موقع نسبت به حزب *** احساسی حاکی از بیزاری داشتند. وقتی آنها دست به این کارها می‌زنند فقط باعث می‌شود آمریکایی‌ها درون‌شان حس منفی بیشتری داشته باشند، و باعث می‌شود که ملت‌های دیگر در همه جای دنیا احساس بی‌نهایت منفی‌ای نسبت به آنها داشته باشند. حالا حتی در کشورهای دیگر هم درحال از دست دادن جای خود در قلب مردم هستند، و پیوسته این کارهای احمقانه را انجام می‌دهند.

پرسش: ما هنوز در به کارگیری قدرت تمام بدن خوب کار نکرده‌ایم، و بعضی اوقات احساس می‌کنم که هماهنگ‌کنندگان اصلی یا افراد مسئول در انجمن فالون دافا بر طبق فاکارها را انجام نمی‌دهند. آنها نمی‌خواهند آزادی عمل داده و به دیگران اجازه انجام کارها را بدهند، و ما برای به توافق رسیدن طی گفتگوها مشکل داریم. بعد می‌شنویم که آنها شخصاً توسط استاد گران‌قدر انتخاب شده‌اند، بنابراین بعضی مواقع با اینکه می‌دانیم که در اشتباه هستند، هنوز مجبوریم حمایت‌شان کنیم. (حضار می‌خندند)

معلم: همان ابتدای سال گذشته به تمرین‌کنندگان در هر یک از انجمن‌های فالون دافا گفته بودم که وقتی به اعتباربخشی افراد منفرد به فا می‌رسد آزادی عمل بدهند، و اینکه هر شخصی لازم است مسیر خود را در اعتباربخشی به فا ببیند. تمرین‌کنندگان ما ممکن است ۱۰۰ درصد مواقع درست نباشند، ولی شما هماهنگ‌کنندگان ما، آیا شنیدید؟ تمرین‌کنندگان این‌گونه فکر می‌کنند— آیا همگی شنیدید؟ البته خودتان تزکیه‌کننده‌اید، و استاد نمی‌تواند انتظار داشته باشد که امور را کامل و عاری از خطا انجام دهید، اما، حالا که تمرین‌کنندگان این افکار را دارند برگردید و سرزنش‌شان کنید— آنها این کار را به خاطر فا انجام می‌دهند، و من می‌توانم پیام‌های آنان را در هر کلمه و هر خط ببینم. به خاطر خودشان نیست، برای فا است. (تشویق)

پرسش: سرمایه‌گذاری کردن می‌تواند پول به همراه بیاورد. ولی عده‌ای از مریدان فکر می‌کنند که استفاده کردن از پولی که در مدت دو یا سه سال عایدمان می‌شود خیلی دیر خواهد بود، و اینکه اگر مقداری پول داریم بهتر است به جای آن کار همین حالا آن را برای نجات مردم به کار ببریم.

معلم: این در ظاهر تا حدی منطقی به نظر می‌رسد، ولی واقعیت این است که هنوز به افراط رفتن است. من فکر می‌کنم که نمی‌توانید از زندگی تان غافل شوید و همه چیز را نادیده بگیرید. درحال گفتن این به شما هستم که آنچه درحال به‌جای گذاشتن هستید مسیر تزکیه برای مردم آینده است. اگر تمام مردم در آینده به این صورت به افراط بروند، به شغل یا کسب و کارشان اهمیتی ندهند، یا حتی درحالی که به دافا اعتبار می‌بخشند بروند و برای غذا گدایی کنند، این به‌هیچ‌وجه عملی نیست.

باید مطمئن باشید که زندگی تان برقرار است، و شغل تان را خوب انجام دهید. بگذارید به شما بگویم، شما عضوی از جامعه هستید، و باید بهترین سعی تان را بکنید که در هر شغلی که در جامعه دارید هر کاری را که قرار است انجام دهید خوب انجام دهید، باید هر جا که هستید فرد خوبی باشید، و به این شکل باعث شوید افراد جامعه همگی بگویند که شما فرد خوبی هستید. (تشویق) موقع انجام کارها افراطی عمل نکنید. هر جنبه‌ی مسیری که برمی‌گزینیم باید درست باشد.

بعضی افراد می‌گویند، "من درحال طرح‌ریزی این هستم که پول بسیار زیادی دربیآورم تا بعداً بشود آن را برای فا به کار برد." آن آب دور دست ممکن است تشنگی فوری را فرونشاند، ولی این اشتباه نیست که بعضی مسائل افراد عادی‌وار را طرح‌ریزی کنید. لازم نیست درباره‌ی این صحبت کنید که مقداری پول دربیآورید که برای دافا استفاده کنید— لازم نیست درباره‌ی دادن آن به دافا فکر کنید. اگر بخواهید درباره‌ی انجام نوعی کسب و کار بسیار عالی صحبت کنید، و با آن تجارت بزرگ پول بسیار زیادی دربیآورید، می‌توانید به همین بسنده کنید، (حضار می‌خندند) و لازم نیست دافا را ذکر کنید. این قسمت آخر همیشه به نظرم یک توجیه است. (حضار می‌خندند) علت این است که به شما گفته‌ام برای مریدان دافا ایرادی ندارد پول بسیار زیادی به دست

بیاورند، و می‌توانید هر نوعی از کار را انجام دهید— این موضوعی نیست. فقط اینکه در هر کاری که انجام می‌دهید لازم است بر طبق وجدان‌تان عمل کنید و فرد خوبی باشید. (تسویق)

پرسش: وقتی انرژی بد می‌رسد، می‌توانم آن را حس کنم، و سعی می‌کنم افکار درست بفرستم تا جلوی نیروی شیطانی را بگیرم، ولی خواب‌آلوده و سست می‌شوم، و کارمای بیماری نشان می‌دهم. چگونه می‌توانم انرژی بد را متوقف کنم؟

معلم: بیش از حد از آن انرژی بد می‌ترسید. اگر بباید، شما قادرید آن را منحل کنید، آن را برای استفاده خود ذوب کرده و به چی نخستین تبدیل کنید. مطلبی را به شما می‌گویم: قبل از اینکه فا را پخش کنم، و قبل از اینکه آن عناصر سطح بالا به اینجا بیایند، هیچ نیروی کهنی وجود نداشت، و آن وقت‌ها من راه‌های دیگری برای اداره کردن سردی داشتم. این چیزی بود که فکر می‌کردم: "تو سرد هستی، و سعی می‌کنی که من سردم شود— آیا سعی می‌کنی که من یخ بزنم؟ من از تو هم سردتر می‌شوم، من تو را سرد می‌کنم." (حضار می‌خندند. تسویق) یا، "سعی داری که من گرمم شود. برعکسش می‌کنم و کاری می‌کنم که تو گرم‌تر شود— آن قدر گرم که نتوانی تحملش کنی." فقط درحال گفتن این فکر هستم. ممکن است نتوانید این کار را کنید. ولی باید آن را با افکار درست اداره کنید، و نباید از آن بترسید. من الان درحال تشریح مطلبی بودم، ولی نروید و نامعقولانه عمل کنید! در مورد شاگردان جدیدتر، اگر فردی در واقع چیز بدی می‌فرستد نترسید. شما مرید دافا هستید— استاد و فا را دارید! شاید در گذشته به آن چیزی بدهکار شدید، که در این صورت فقط آن را تسویه کنید. ولی شما تزکیه‌کننده‌اید، پس باید نگرانی‌هایتان را رها کنید، و استاد قطعاً از شما نگره‌داری می‌کند. حتی اگر آن بتواند چیزهای خاصی را در شما وارد کند، استاد سریع آن را برای‌تان به چیز خوبی تبدیل می‌کند. (تسویق) استاد از شما مراقبت می‌کند چراکه تزکیه‌کننده‌اید. ولی اگر به این وابسته شوید، اگر وابستگی‌تان رشد کند— "حالا ترسی ندارم. من استاد را دارم که که از من مراقبت می‌کند. ببینم چه بلدی!" (حضار می‌خندند)— آن وقت ذهنیت اتکای کامل شما دوباره وابستگی است. و وقتی استاد این وابستگی را می‌بیند از شما نگره‌داری نمی‌کند، و صبر می‌کند که اول وابستگی را رها کنید. فقط منظورم را می‌گویم. تزکیه... تزکیه راجع به ذهن است، درست است؟ نمی‌توانید سست شوید و خودتان را خوب اداره نکنید. به هر چیزی با افکار درست بپردازید، و از هیچ چیز نترسید— "من در فای درست تزکیه می‌کنم، پس از چه باید بترسم!!"

دلیلی که بسیاری از شاگردان در اردوگاه‌های کار اجباری به شدت شکنجه شده‌اند ترس‌شان است. صحبت کردن درباره‌ی آن آسان است، ولی در آن نوع وضعیت شیطانی و وقتی که زیر چنان فشاری هستید مسائل فرق می‌کند. اما به هر صورت هم که باشد، شما کسی هستید که به سمت خدایی شدن می‌روید، پس باید چه کار کنید؟! البته، در بین آنهایی که درگذشتند مواردی نیز هستند که در تاریخ توسط نیروهای کهن نظم و ترتیب داده شدند. برای مثال، قبلاً وقت آخرین دوره زندگی آن شاگردان، نیروهای کهن ممکن است گفته باشند، "اگر بخواهی وقتی دافا آموزش داده می‌شود دافا را کسب کنی باید این‌طوری بمیری. و گرنه نمی‌گذاریم وارد شوی." بی‌هیچ تردیدی، در آن زمان شاگردان با آن موافقت می‌کردند، موافقت می‌کردند که وقتی زمانش رسید زیر ضرب و شتم کشته شوند. البته، فقط مثالی می‌زنم. در تاریخ آنها واقعاً از راه‌های گریز بسیار بسیار زیادی مثل این سوءاستفاده کرده‌اند و نظم و ترتیب‌های بسیاری ساخته‌اند.

دلیل دیگری هست که چنین اتفاقی می‌افتد: تاریخ بسیار طولانی است. دیده‌اید که بعضی از پلیس‌های شیطانی در اردوگاه‌های کار اجباری در این شکنجه و آزار تعداد بسیار زیادی از مریدان دافای ما را کشته‌اند. اگر این در دوره اصلاح فا اتفاق نمی‌افتاد و فرد شکنجه‌شده یک فرد عادی بود، و اگر زمانی که آن پلیس شیطانی بعد از مرگ باز پیدا می‌شد به این دوره برمی‌خورد، فا را کسب می‌کرد، و یک مرید دافا می‌شد، آن وقت آیا فردی که زیر ضرب و شتم کشته شده بود از او نمی‌خواست که زندگی‌اش را بازبپردازد؟ اگر آن موجود بگوید، "من هیچ غرامت دیگری نمی‌خواهم. فقط می‌خواهم زندگی‌ام را با من تسویه کند"— آنگاه واقعاً وضعیت سختی است. می‌توانم به شما بگویم که استاد می‌تواند برای هر مسئله‌ای راه‌حلی نیک‌خواهانه فراهم کند. آن شاگرد هر چیزی به او بدهکار باشد، می‌توانم به شاگرد کمک کنم که برای او به بهترین شکل جبران کند. و اگر شاگرد آن را نداشته باشد، من، استاد او، می‌توانم آن را به او بدهم— "به تو سعادت می‌دهم. به خاطر مرگت، حالا می‌توانی پاداش صعود به

آسمان را داشته باشی، پس آیا این نتیجه حتی بهتری نیست؟" ولی آن موجود نفرت بسیار زیادی دارد، و دست‌بردار نیست -- "می‌گذاری به آسمان بروم؟ حتی اگر بگذاری خدا هم شوم این کار را نمی‌کنم. فقط انتقام می‌خواهم". اینجاست که کار سخت می‌شود. به سادگی چیزی که فکر می‌کنید نیست! به من بگویید، آن وقت چه کار می‌توانیم کنیم؟ تعداد شاگردانی که در گذشته حیاتی را بدهکار شده‌اند کم نیست، اما استاد برای تان به همه آنها راه‌حلی نیک‌خواهانه بخشیده است.

اما هر طوری هم که باشد، حتی اگر واقعاً پیش از موقع درگذرید، چیزی که انتظار تان را می‌کشد کمال است! (تشویق) این را از آن نقطه نظر این‌گونه بیان کرده‌ام. با وجود اینکه این را گفته‌ام، تا زمانی که مسیری درست را بروید در واقع می‌توانم به هر چیزی راه‌حلی نیک‌خواهانه بدهم. می‌توانم آن تفکر افراطی را مطمئناً خوب کنم، و آن وقت می‌توانم کاری کنم که زندگی‌اش را پس نخواهد، چراکه من می‌توانم گره ذهنی او را با فا باز کنم -- می‌توانم هر کاری کنم. ولی وقتی وابستگی‌هایی دارید و نمی‌توانید رها کنید، آنگاه نمی‌شود آن گره را باز کرد و استاد در موقعیت سختی قرار می‌گیرد.

پرسش: این پدیده وجود دارد: بعضی جاها وقتی فا را گروهی مطالعه می‌کنند، تمایل دارند مقالات جدیدی را که استاد منتشر کرده‌اند خیلی بخوانند، و به آن اندازه جوآن فالون را به صورت مکرر نمی‌خوانند. و وقتی فا را در گروهی بزرگ مطالعه می‌کنند، عده کمی از افراد مسؤل غالباً در مورد فایی که استاد به گروه‌های کوچکی آموزش داده‌اند صحبت می‌کنند.

معلم: اینجا دو موضوع هست. اولین موضوع این است که آنچه اخیراً در وقت‌های مختلف گفته‌ام مکمل جوآن فالون هستند. فقط ارتباطشان را به خاطر داشته باشید، و اینکه چیزی که باید به طور متناوب مطالعه کنید جوآن فالون است. موضوع دوم این است که بعد از اینکه عده‌ای از شاگردان ما صحبت‌هایی در موقعیت‌های به‌خصوص را شنیدند، رفتند و آن را دهان به دهان پخش کردند. من پیش از این درباره این موضوع بارها صحبت کرده‌ام. چیزی که در موقعیت‌های به‌خصوص می‌گویم کاربرد جهانی ندارد، و شاید به طور خاص هدفش آن افرادی بود که حاضر بودند. اگر برگردید و به دیگران بگویید، وقتی آن را به آنها می‌گویید آن معنای درونی را که همراه کلمات من بود نخواهد داشت، و آن سایرین مخاطب مورد نظر نیستند. بنابراین اثر خود را از دست خواهد داد، و وقتی دیگران آن را می‌شنوند احساس ناراحتی می‌کنند. در عین حال، وقتی آن را می‌گویید وابستگی‌هایتان را نیز در آن می‌گذارید. بیشتر اوقات نوعی خودنمایی مطرح است، ظریف و نیمه‌آگاهانه. فکر می‌کنم که بعد از این باید پخش کردن آن چیزها را متوقف کنید. بعد از اینکه صحبت‌هایی را می‌شنوید، می‌گویم صرفاً بگذارید باشد. می‌دانید، آن تزکیه‌کنندگانی که هزار سال تزکیه می‌کردند، بعد از اینکه ذره‌ای از حقیقت را یاد می‌گرفتند آن را پیش خودشان نگه می‌داشتند. صدها سال، یا حتی هزار سال آن را نگه می‌داشتند و آن را به دیگران نمی‌گفتند (حضار می‌خندند) -- "اگر کسی بخواهد در مورد این یک‌ذره چیزی که دارم بداند، آن‌ها باید چیزی در عوض بدهند!" ولی شماها، "ور ور ور..." می‌روید و همه‌اش را می‌گویید! (معلم می‌خندد) شما چیزها را درون تان نگه نمی‌دارید. (حضار می‌خندند)

پرسش: مریدان دافا در سرزمین چین به چه صورت به کمال خواهند رسید؟

معلم: یکسان خواهد بود، صورت کلی یکسان است. اما یک چیز هست: اگر فرد را من نپذیرم و رد کنم، عملی نیست. بنابراین برای آنهایی که زود درگذشتند، با اینکه تعیین کردم که آنها به کمال می‌رسند، در حقیقت در مکان خاصی منتظرند. باید من آنها را بپذیرم. آنهایی را که من نپذیرم تصدیق نمی‌شوند. بنابراین تمام آنها منتظر نتیجه نهایی هستند. البته، حالا درحالی که منتظرند هیچ سختی ندارند. خودآگاه آنها به طور کامل واضح و روشن و در حالت یک خدا است، و این فقط مسئله برگشت به جایگاهشان است.

پرسش: در این زمان حیاتی در اصلاح فا، بعضی از هم‌ترکیه‌کنندگان قدیمی، در زمان‌های مختلف، تا درجاتی مختلف محنت‌هایی داشته‌اند. ما چگونه باید با این هم‌ترکیه‌کنندگانی که محنت‌هایی را تجربه می‌کنند رفتار کرده و کمک‌شان کنیم؟

معلم: در تزکیه اینکه شخصی زودتر شروع کرده است یا دیرتر اهمیتی ندارد. و اینکه کسی خوب تزکیه می‌کند هم به این نیست که زودتر شروع کرده یا دیرتر. اگر فردی بتواند افکار درست و اعمال درست داشته باشد، و وابستگی‌هایش را رها کند، آن وقت او فرق می‌کند. دار و دسته بد و شیطانی ارادل در سرزمین چین که درحال شکنجهٔ مریدان دافا بوده‌اند درباره‌ی آن این‌گونه فکر کرده‌اند، "آهان، او شاگرد قدیمی است. اگر وادارش کنیم چیزی بنویسد دیگران هم پیروی می‌کنند". اما مگر چنین چیزی می‌شود؟! وقتی افراد عادی تزکیه‌کنندگان را شکنجه و آزار می‌دهند هیچ‌گاه نمی‌توانند آن‌ها را درک کنند. هر کسی خودش را تزکیه می‌کند و در مسیر خودش می‌رود، و هیچ کس به هیچ کسی نگاه نمی‌کند، نگاه نمی‌کند کسی پیر است یا جوان، یا فردی تمرین را زود شروع کرده است یا دیر. به عنوان استاد، من تمام مریدان را به یک شکل راهنمایی می‌کنم. بنابراین در مورد اینکه چگونه می‌توانید به آن فرد کمک کنید، کاری که از دست‌تان برمی‌آید این است که، اول از همه، به او کمک کنید که مسائل را از فادرک کرده و رشد کند. و کار دیگر این است که همهٔ شما با هم افکار درست بفرستید، و آنچه را یک مرید دافا برای نجات موجودات ذی‌شعور باید انجام دهد بیشتر انجام دهید. تمام این چیزها می‌تواند به فرد کمک کند.

پرسش: هر زمان که در اصلاح فایده‌ی پیشرفت مهمی می‌کنیم، همیشه بعضی رویدادهای عادی ناگهان اتفاق می‌افتد که تداخل ایجاد کنند. مثلاً رویداد "۱۱-۹"، حادثهٔ شاتل فضایی، موضوع عراق، موضوع کره [شمالی]، و غیره. ما چگونه باید به این مداخله نگاه کنیم؟

معلم: همین‌طور است. چرا آن کشورهایی که از عدالت دفاع می‌کنند چشم‌شان را به روی شکنجه و آزار حکومت چین علیه چنین گروه بزرگی از مردم جامعه که بخشی از جریان اصلی اجتماع هستند، می‌بندند؟ چرا ساکت می‌مانند؟ آنها برای خود دلایلی دارند، ولی تداخل نظم و ترتیب داده شده توسط نیروهای کهن هم هست، که آنها را سرگرم آن تروریست‌ها می‌کنند. برای همین است که هر چند وقت یک‌بار تروریست‌ها پیدایشان می‌شود، هر از چند گاهی حواس آنها را پرت می‌کنند، و مانع از این می‌شوند که آنها روی هدف واقعی بودن‌شان متمرکز شوند.

پرسش: درود به استاد از جانب مریدان در انگلستان.

معلم: متشکرم!

پرسش: ما به منظور نجات اعضای خانواده‌مان که در چین باز پیدا شده‌اند، نمایش‌های طنزآمیزی ساخته‌ایم و آنها را در خیابان اجرا می‌کنیم. یکی از ما باید نقش یک آدم پلید و شیطانی را بازی کند. استاد، آیا درست است که از یک مرید دافا خواست آن نقش را بازی کند؟

معلم: مهم نیست. اشکالی ندارد که آن نقش را بازی کند. ولی، وقتی من می‌بینم مریدان دافایمان نقش آن افراد بد را بازی می‌کنند راحت نیستم. اگر لازم است، پس فقط انجامش دهید، اهمیتی ندارد، و در حقیقت تأثیری روی هیچ چیز ندارد. به هر صورت، غیر از این، چه کاری از دست‌تان بر می‌آید— باید مریدان دافا باشند که به فایده‌ی اعتبار می‌بخشند. من معمولاً در رسیدن به بعضی ایده‌ها به آنها کمک می‌کنم، و پیشنهاد کردم که وقتی برنامه‌ی تلویزیونی درست می‌کنیم شاید بتوانیم از دوستانمان بخواهیم که نقش‌های منفی را بازی کنند. (حاضر می‌خندند) شما صرفاً از آنها می‌خواهید که بازیگر باشند. الان پولی موجود نیست، اما در آینده وقتی به سود رسیدید، وقتی که پول داشتید می‌توانید به آنها بپردازید. (حاضر می‌خندند) شوخی بود! واقعاً، به هر حال، اهمیتی ندارد.

پرسش: آیا در آینده نژاد بشر و موجودات دیگر هم‌زمان با هم وجود خواهند داشت؟ مریدان چگونه باید به آن فکر کنند؟

معلم: آیا در آینده نژاد بشر و موجودات دیگر هم‌زمان باهم وجود خواهند داشت؟ یک‌بار که اصلاح دنیای بشری توسط فا اتفاق بیفتد همان موقع تغییرات خیلی زیادی در کار نخواهد بود. در مورد اینکه در آینده روی زمین چه چیزی وجود خواهد داشت، این به نیازهای نژاد بشر بستگی خواهد داشت. هرچیزی در آسمان اعجاب‌انگیز است، آن قدر عالی که نمی‌شود گفت. حتی خدایان، یعنی، خدایانی که بعد از حل و فصل نیک‌خواهانه وارد کیهان جدید می‌شوند جا می‌خورند. (تشویق) انسان‌ها فکر می‌کنند که خدایان اعجاب‌انگیز هستند، و اینکه دنیاهای خدایان عالی است، ولی اگر آنجا می‌رفتند و نگاهی می‌انداختند، پی می‌بردند که آن مکان‌های قدیمی دیگر به آن عالی‌ای نیستند— این قدر فرق زیاد است. در مورد اهریمن‌ها، آنها نیز اعضای کیهان هستند. در کیهان، تناظر بین موجودات مثبت و منفی نمی‌تواند حذف شود.

ساعت چند است؟ (تشویق) آیا باید اینجا خاتمه دهیم؟ این تمام صحبت‌هاست. (تشویق طولانی برای درخواست از معلم که بماند) پس پرسش‌های دیگری را هم پاسخ می‌دهم. (تشویق)

پرسش: ممکن است به ما بگویید که در مورد دعوی قانونی علیه آن بدنهاد، آن سردسته اهریمن در چین، چه نظری دارید؟ (حضار می‌خندند)

معلم: در چین برای همه ممکن نیست که واقعیت‌ها را بدانند و بنابراین در مورد فالون گونگ با نگرشی مثبت آگاه شوند، ولی همه به آن بدنهاد ناسزا می‌گویند— این قدر بد است. (تشویق) پس آیا نباید آن را به دادگاه فرستاد؟ (تشویق) (معلم می‌خندد) (تشویق)

پرسش: استاد گرانقدر، لطفاً مرا در این مورد روشن کنید: وقتی که ما روبروی کنسولگری چین تظاهرات می‌کنیم، شیطان پلیس‌ها را زیر کنترل می‌گیرد تا برای ما دردسر درست کنند. من فکر می‌کنم که طبق آنچه شما، استاد گرانقدرمان، گفته‌اید، ما باید سه کار را به خوبی انجام دهیم، که اولین آنها آشکارسازی واقعیت‌ها است. و شما گفتید که وقتی به مشکلات برمی‌خوریم نباید تغییر مسیر بدهیم بلکه باید با آنها رودررو شویم...

معلم: درست است. وقتی با آن نوع وضعیت مواجه می‌شویم باید آن را حل و فصل کنیم. یادتان باشد: هر جا مشکلی پیش می‌آید، همان جا جایی است که لازم است واقعیت‌ها را روشن کنید. (تشویق) در مورد اینکه نتیجه‌ی خوبی بگیرید یا نه، به طرف مقابل نگاه نکنید، [نتیجه کار] از ذهن شما ناشی می‌شود. اگر بخواهید نتیجه خوب باشد خوب می‌شود. و اگر قصد نداشته باشید آن را خوب کنید، یا اگر ذهن‌تان متزلزل باشد، آن وقت اصلاح کردن امور آسان نیست. به عبارت دیگر، لازم است افکار درست قوی داشته باشید. اگر در حال فکر کردن درباره‌ی این هستید، "من واقعاً در حال نجات شما هستم. واقعاً در حال گفتن واقعیت‌ها به شما هستم"، آن موقع نتیجه خوب می‌شود. بهترین سعی‌تان را بکنید که با افراد خارج از سرزمین چین نیز با مهربانی رفتار کنید. البته، خارج از چین نیز، افرادی هستند که امیدی به آنها نیست. شاید به آنها بر بخورید، شاید بر نخورید. اما هر طور هم که باشد، ما باید خودمان به شکل درست و صالح رفتار کنیم. دست‌کم نباید ناامیدشان کنیم، نباید موجودات ذی‌شعور را ناامید کنیم. حاصل بسیاری از چیزها به این بستگی دارد که مردم چگونه آنها را اداره می‌کنند. بهترین سعی‌تان را بکنید، و مسائل را بدتر نکنید.

پرسش: همسرم به خاطر اعتباربخشی به فا آزادی‌اش را از دست داده است. چون بچه کوچکی دارم که فقط چند سالش است در اعتباربخشی به فا مانند همسرم عمل نخواهم کرد، و در عوض، مشغول کارهایی بوده‌ام که برایم امن‌ترند. آیا این کار درست است؟ همچنین ما بایم درود مریدان دافای ژنگ‌ژو را به استاد برسانم.

معلم: متشکرم. اگر به نظر شما مرید دافا کارتان درست است، انجامش دهید. افراد در روند تزکیه درک‌های مختلفی دارند و در وضعیت‌های مختلفی‌اند. این‌ها مسئله‌ای نیست. سطحی که در تزکیه‌تان می‌توانید موضوعات را درک کنید، و حدی که

می‌توانید امور را انجام دهید، هر دوی‌شان تجلی قلمروی تزکیه‌تان هستند. به عبارتی، اگر بتوانید فوق‌العاده خوب عمل کنید البته بهتر است، ولی نمی‌شود این را اجبار کرد. من الزام دیگری برایتان ندارم. هیچ موقع نگفتم که باید این قدر و این قدر خوب عمل کنید. همیشه خود شما امور را اداره کرده‌اید. درک‌تان بر اساس حقایق فا به هر ارتفاعی برسد، همان حد می‌توانید امور را انجام دهید. هر کاری که انجام داده‌اید برای خودتان انجام شده است، و ابداً برای من نیست. (معلم می‌خندد) بگذارید این طور بگویم: استاد است که به شما کمک می‌کند، هیچ وقت شما کمک استاد نمی‌کنید. (تشویق) وقتی در آینده وضعیت واقعی را دیدید [با حیرت] می‌گویید، "پس این طور بود!"

پرسش: امروز جشن فانوس است. از استاد گرانقدردان برای آموزش فا و نجات ما، و برای اینکه جشن فانوس را با ما سر کردند تشکر می‌کنیم. این شاگردان نمی‌خواهند استاد بروند. (تشویق)

معلم: اوه، راستش یاد این نبودم. وقتی به جشن‌ها و تعطیلی‌ها می‌رسد، اگر به من نگویدم یادم می‌رود، من این طورم. امروز جشن فانوس است، پس آیا این جا جمعی بزرگ دوباره دور هم جمع نشده است؟ (تشویق طولانی)

پرسش: وقتی مطالب روشن‌گری حقیقت به سرزمین چین می‌فرستیم، آیا می‌توانیم شعرها و مقاله‌هایتان و کتاب‌های دافا را نیز برایشان بفرستیم؟

معلم: مسئله‌ای نیست، هیچ مسئله‌ای نیست. می‌توانید آنها را برای مردم عادی بفرستید. مسئله‌ای ندارد، به شرطی که آن فرد بخواهد آنها را بخواند. شکنجه و آزار الان مدتی طولانی است که ادامه پیدا کرده، و خیلی‌ها واقعاً می‌خواهند حقیقت را درباره‌ی فالون گونگ بدانند ولی نمی‌توانند کتاب‌ها را پیدا کنند. وقتی آن زمان، نیروهای کهن شیطان را واداشتند که کتاب‌ها را بسوزانند می‌دانید بهانه‌شان چه بود؟ چرا کتاب‌ها را سوزاندند؟ آن موقع این قدر کپی‌های زیادی از جوآن فالون در سرزمین چین بود که دیگر همه جا بودند. اما خیلی از شاگردان متوجه نشدند که باید حرمت کتاب را نگه دارند، و مردم عادی از این هم کمتر برایش احترام قائل می‌شدند. خدایان تحمل این را نداشتند، چون که آن "قانون آسمان" است، قانونی که کیهان را خلق کرد! بنابراین نیروهای کهن خواستند که کتاب‌ها به شدت کمیاب شوند، و مردم را وادار کردند که دنبال فا بگردند، به آن احترام بگذارند، و از آن به بعد درک کنند که این فا چقدر باارزش است. آن زمان برای این کار بهانه‌شان این بود.

پرسش: ظاهراً بعضی هم‌تمرین‌کنندگان در منطقه ما هنوز اصلاح فا را درک نمی‌کنند. درک‌شان در زمینه‌های دیگر هم آن‌چنان خوب نیست. چگونه می‌توانم به آنها کمک کنم رشد کنند؟

معلم: هیچ چیز را نمی‌شود زور کرد. اینکه کسی بخواهد تزکیه کند یا نخواهد، کلاً با خودش است. فقط می‌توانیم به او نصیحت کنیم که کاری که خوب است را انجام دهد، و فقط می‌توانیم تمام سعی‌مان را کنیم که به آنها یادآوری کنیم، بعضی موضوعات را به آنها بگوییم، و اصول را واضح برایشان توضیح دهیم. زور و اجبار کارساز نیست. وقتی نکاتی را که باید می‌گفتید گفتید، ممکن است حل شود، و ممکن هم هست که آن فرد وابستگی‌هایی داشته باشد.

پرسش: در کار دافایمان، بعضی‌هایی که مقام مسئولیتی دارند حقیقت را نمی‌گویند و برای اینکه امور خوب پیش برود کارها را به روش‌های بشری انجام می‌دهند. آیا علتش این است که فا را خوب مطالعه نکرده‌اند، علایق خودخواهانه‌ای دارند، یا اینکه قصد و غرض‌هایی در سر دارند؟

معلم: قصد و غرض؟ نمی‌توانید این طور بگویید. بین آنهایی که اینجا نشسته‌اند، یکی دو نفر هستند که کمی غیرعادی‌اند، اما می‌خواهم به شما بگویم، استاد باز هم نمی‌خواهد از شما دست بکشد، و باید ببینم که آیا می‌توانید موفق شوید. (تشویق) اگر بتوانید، از شما مراقبت می‌کنم. به شما بستگی دارد. در مورد سایرین، اگر در حال گفتن این هستید که لابلای کسانی که

اینجانب کسی می‌خواهد به فا صدمه بزند یا کسی می‌خواهد کارهای دیگری انجام دهد، غیرممکن است. کسانی که مقام مسئولیتی دارند نیز تزکیه‌کننده هستند، و آنها نیز مسلماً افکار بشری‌شان را نشان می‌دهند. می‌گوییم نباید از آنها انتظار بیش از حد داشته باشید. ولی آنها کسانی‌اند که مسئولیت دارند، و کارهایی که می‌کنند تأثیر خاصی همراه خود دارد. پس وقتی مسائلی می‌بینید باید به آنها اشاره کنید. اگر گوش نکنند، آن وقت می‌توانید آن را به انجمن دافا اطلاع دهید.

پرسش: من مرید شمایم، اما قرض و بدهی اسباب ناراحتی‌ام شده است. آیا می‌توانم از راه شکل اصلاح فا آنها را تسویه کنم؟

معلم: استفاده از دافا برای امور شخصی‌تان... به گمانم چنین فکری درست نیست. به عنوان مرید دافا، وقتی واقعاً بتوانید خوب عمل کنید، فکر می‌کنم گرفتاری‌هایتان به آن مطلقاً که به نظرتان می‌رسد نباشند. چون وقتی نگاه‌تان به امور نمی‌تواند از فا باشد گرفتاری‌های مردم عادی را صرفاً گرفتاری‌های مردم عادی می‌بینید. به چشم انسان‌ها امور بی‌تغییرند، ولی به چشم خدایان تمام اینها تغییر می‌کنند. شما ناراحتی دارید، و استاد هم ناراحت شماست - ناراحتی که وابستگی‌هایتان را رها نکرده‌اید و به درک سطح بالایی از فا نرسیده‌اید، و اینکه وقتی یک مشکل را حل می‌کنید مشکلات جدید درست می‌کنید. (آه) این سرزنش نیست! همه حرف‌های استاد فا است.

پرسش: این موضوع همیشه ذهنم را مشغول کرده، شاید نباید برای تحقیق روی انزاری برای درهم‌شکستن مسدودسازی اینترنت منابع انسانی و مادی خیلی زیادی را به کار ببریم؟ شاید باید کارهایی انجام دهیم که زمان کمی ببرد و بسیار کارآمد باشند؟

معلم: درک‌های مختلفی در این باره هست. فقط می‌توانم بگویم که درک‌های مختلفی هست. کارهایی که بسیار کارآمد باشند البته که باید انجام شوند، بحثی در این مورد نیست. اما در مورد درهم‌شکستن مسدودسازی اینترنت، فکر کنید، شیطان درحال شکنجه ما و پخش دروغ‌های بزرگ است - چطور می‌توانیم آنها را بر ملا نکنیم؟ باید بگذاریم مردم دنیا سرشت بد آنها را ببینند، اعمال پلید را ببینند، و حقیقت را ببینند! پس باید آن را درهم‌شکنیم. در بین مریدان دافا تعداد خیلی زیادی دانشمند تراز اول وجود دارد. توان در هم شکستنش را داریم. آنها هرگز نتوانسته‌اند وبسایت مینگ‌هوئی را مسدود کنند! (تشویق گرم) اما این حرف نیز درست است که نباید بیش از حد از منابع انسانی مان استفاده کنیم. با این حال، افراد خیلی زیادی هم نیستند که درگیرند، مگر نه؟

پرسش: وقتی فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند هیچ مسدودسازی‌ای نخواهد بود. آیا همه این امر باید از طریق روش‌های مریدان در دنیای بشری صورت بگیرد؟

معلم: وقتی این مسدودسازی را می‌شکنیم درحال نفی نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن هستیم. ما این شکنجه و آزار و یا این مسدودسازی را قبول نخواهیم کرد. زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند، و خدایان و بودایان به‌طور باشکوهی به نمایش درمی‌آیند، مردم هیچ راهی جز حرف‌شنوی ندارند! وضعیت چیز دیگری خواهد بود.

پرسش: آیا مریدان زودتر باخبر خواهند شد که فا چه لحظه‌ای دنیای بشری را اصلاح می‌کند؟ (حضار می‌خندند)

معلم: حدی که تزکیه کرده‌اید با هم فرق می‌کند، و وضعیت تزکیه‌تان یکی نیست. بعضی شاگردان می‌توانند زودتر بفهمند، و بعضی شاگردان نمی‌توانند. بفهمید یا نفهمید اهمیت ندارد، و تأثیری روی پیشرفت کمال شما یا سطح‌تان نمی‌گذارد. به هیچ وجه. چرا این همه درباره‌اش فکر کرد؟ اصلاح دنیای بشری توسط فا، ساده بگوییم، واقعاً زیاد ارتباطی به شما ندارد. شما مریدان دافای دوره اصلاح فا هستید! (تشویق)

پرسش: در حال حاضر بعضی شاگردان نشانه‌های بیماری دارند، آن‌هم از نوع جدی. به‌رحمت می‌توانند کتاب را بخوانند، تمرین کنند، یا افکار درست بفرستند.

معلم: می‌گویم که این‌ها مشکلات واقعی هستند. بعضی شاگردان وابستگی‌هایشان را نشان می‌دهند، ولی بعضی شاگردان نشان نمی‌دهند، آنها را پیش خودشان نگه می‌دارند و فوق‌العاده وابسته‌اند، و دست‌آخر خودشان نمی‌توانند آنها را رها کنند. شیطان شما را مرتب غیرطبیعی‌تر می‌کند، و کاری می‌کند که افتادن سختی کنید - این قدر سخت که تا عمر دارید از یادتان نرود. این‌طور انجامش می‌دهند، پس زیادی وابسته نشوید. بعد که مشکل پیش می‌آید از استاد می‌پرسید باید چه کار کنید، اما در اصل وابستگی‌هایتان باعث آن شده است. استاد در موردش کاری خواهد کرد.

بعضی‌ها هم هستند که چیزهای دروغین می‌شنوند. فقط می‌توانم اسمش را شنیدن دروغین بگذارم. در اصل واقعاً چیزی شنیدید، اما چیزی که شنیدید استاد نبود - آنها صدای استاد را جعل می‌کنند؛ و حتی تصویرم را نیز جعل می‌کنند، و از وابستگی‌هایتان استفاده می‌کنند که فریب‌تان بدهند. شما که مرید دافاییید باید موضوعات را از فایده متوجه شوید. شما مریدان دافایی هستید که درستی و ایهت دارید. باید با عقل و منطق فکر کنید که آیا چیزی با فایده‌خوانی دارد یا نه. و بعد بعضی شاگردان هستند که همیشه شیفته توانایی‌های فوق‌عادی‌اند. اجازه دادم بعضی شاگردان بعضی وضعیت‌های اصلاح‌فا را در بعدهای مختلف ببینند، به این قصد که اعتمادبه‌نفس شاگردان در اعتباربخشی به فا را افزایش دهم، اما بعضی شاگردان هنوز نمی‌توانند این موضوع را درست اداره کنند، بر پایه فا تزکیه نمی‌کنند، و وقتی اتفاقی می‌افتد حتی می‌روند از یک شاگردی که توانایی‌های فوق‌عادی دارد می‌خواهند که برایشان نگاهی به مسائل بیندازد، و آن‌وقت آن دیده‌ها را راهنمای انجام کارهای مرتبط به دافا و تزکیه می‌گیرند. این کار بسیار خطرناک است. چه کسی ممکن است بتواند جوهر اصلاح‌فا را ببیند؟ و چه کسی امکانش هست که بتواند وضعیت کسانی که در دافا تزکیه می‌کنند را توضیح دهد؟ تجلی‌های سطوح بی‌نهایت پایین، وضعیت نهایی و واقعی نیستند. اگر بر پایه فا تزکیه نکنید، اگر طبق فا عمل نکنید، آن‌وقت آیا هنوز مرید دافاییید؟ هر وقت اتفاقی می‌افتد می‌روید از آن فرد می‌خواهید که ببیند قضیه چیست، اما او چه می‌بیند؟ چه کسی امکانش هست بتواند وضعیت نهایی شما را ببیند؟ فرزند خودتان هم نمی‌تواند آن را ببیند. قبل از این گفته‌ام که حتی بین خودتان، بین مریدان دافا، اجازه دیدنش را ندارید. اگر وضعیت واقعی تزکیه‌تان را می‌شد دید، آن‌وقت چه چیزی برای تزکیه کردن شما وجود داشت؟ اگر به شما گفته می‌شد همه چیز حل بود. نمی‌شود آن را دید! دلیلش این است که در سطوح مختلف تجلی‌های مختلفی هست، و برای موجودات یک سطح خاص، تجلی آن سطح، حقیقت است، بنابراین در هر سطح، در یک سطح‌ها، حقیقت وجود دارد. اما آنها تجلی‌های مختلف یک چیز در سطوح مختلف‌اند، در حالی که تجلی بنیادی‌ترین چیز در بالاست، و وقتی به آن آخر می‌رسد، فقط آن موقع پایانی‌ترین چیز بنیادی یافت می‌شود. پس، از کدام سطح ممکن است بتوانید وضعیت نهایی و واقعی یک مرید دافا، وضعیت واقعی اصلاح‌فا، یا وضعیت واقعی استاد را ببینید؟ اگر امروز می‌توانستید وضعیت واقعی نهایی مریدان دافا و استاد را ببینید، و حقیقت دافا را، آن‌وقت شما امروز لرد این کیهان بی‌حد هستید! آیا همه این‌ها را می‌بینید؟ آیا همه چیز پیش چشم شماست؟ چطور می‌توانید این قدر نادان باشید؟! تا حالا بارها در فایده‌های این صحبت کرده‌ام. چرا این‌طور است که حتماً حتماً باید با شما مداخله شود؟ (معلم می‌خندد)

پرسش: اگر مریدان از شغل‌شان استفاده کنند که به مردم در مورد حقایق فای‌جن - شن - رن کیهان بگویند، و آنها را با ظرافت به دست مردم بیشتری در دنیا برسانند...

معلم: فکر نکنم این کار اشکالی داشته باشد. می‌توانید انجامش دهید.

پرسش: یک نفر دیگر نمی‌تواند مثل قبل مستقیماً برای دافا وقت بگذارد. ممکن است لطفاً به من بگویید که آیا هنوز تعریف مرید دافایی دوره اصلاح‌فا در مورد او صدق می‌کند؟

معلم: آیا از هر نظر کارهایی که مرید دافا باید انجام بدهد را خوب انجام داده‌اید؟ اگر این طور است که کارتان درست بوده. (معلم می‌خندد) نگران نباشید، و این شامل بعضی‌هایی که زمین خورده‌اند هم می‌شود. فقط زود باشید بلند شوید.

پرسش: به عنوان دانشجوی مقطع دکترا، خوب انجام دادن تحقیق علمی‌ام لازمه‌اش این است که کاملاً خودم را وقف آن کنم، اما همین طور باید فا را هم مطالعه کنم، واقعیت‌ها را روشن کنم، و تمرین کنم. همیشه حس می‌کنم که وقت کافی ندارم.

معلم: هنوز افرادی هستند که این را می‌پرسند. استاد بارها جواب آن را به شما گفته است. فکر می‌کنم که شمای تزکیه‌کننده باید دافا را مقدم بدانید، اما همین طور کارتان را هم باید خوب انجام دهید. باید بهترین سعی‌تان را بکنید که امور را خوب انجام دهید. در مورد اینکه چطور این توازن را برقرار کرد، وقتی به موضوعات خاص می‌رسد خودتان هنوز باید اولویت امور را مشخص کنید. اگر بگویید، "بیش از حد سرم شلوغ است، پس مطالعه نمی‌کنم"، آن وقت معادل این است که تزکیه نمی‌کنید. بگویید، "خودم را کاملاً وقف شغلم می‌کنم" و آن وقت فقط یک فرد عادی هستید. آیا ممکن است مسئله فقط این باشد که بین این موضوعات خوب تعادل برقرار نمی‌کنید؟ پس صرفاً امور را خوب اولویت‌بندی کنید و برای‌شان برنامه بریزید. واقعاً ساده است. در واقع، قبل از این در جوآن فالون در این باره صحبت کرده‌ام. خوب مطالعه کردن فا در تزکیه‌تان مسلماً روی هیچ چیز شما تأثیر منفی نمی‌گذارد، و برعکس، کمک‌تان می‌کند با نصف همان تلاش، در سر کار یا امور درسی‌تان دوبرابر نتیجه بگیرید.

در مورد علم، علم دیگر به این مرحله رسیده است. بشر بدون آن نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، و جامعه هنوز بهترین سعی‌اش را می‌کند که آن را جلوتر ببرد. اما در اجتماع آینده‌ای که مردم دارند وجود نخواهد داشت. در آینده هیچ علمی نخواهد بود. ولی باز علم محصولی از کیهان است، و برای همین است که هیچ‌موقع آن را رد نکرده‌ام. فقط گفته‌ام که با بشر هم‌خوانی ندارد و نمی‌شود آن را به بشر داد، مخصوصاً در آینده، که مردم مسیر خدا شدن را پیش می‌گیرند، که محرزتر می‌کند که این علم را نمی‌شود به بشر داد. علم در اصل به خدایان بی‌حرمی می‌کند، و در نقش منحرف کردن ماده عمل می‌کند و محیط زیست را نابود می‌کند. نه تنها موجب انحراف ماده می‌شود، بلکه باعث می‌شود که پنداشت‌های انسان‌ها هم منحرف شود، و باعث می‌شود که خیلی از عناصر ماده در روی زمین منحرف شوند، و تا اندازه‌ای به کیهان صدمه می‌زند. پس در آینده، اینجا در این مکان انسان‌ها وجود نخواهد داشت. الان همین طور است که هست، چون قبل از اینکه اصلاح دنیای بشری توسط فا به اینجا برسد، بشر هر قدر پرهیز و مرج شود کاری به آن نداریم. اگر شما کار علمی انجام ندهید، باعث نمی‌شود که علم به واسطه‌ی کار نکردن شما، خوب شود. اگر انجامش دهید ایرادی ندارد، و این کار شما بد تلقی نمی‌شود، چون در مجموع امور این‌طورند. پس ارتباطش به این شکل است.

پرسش: من مرید شما هستیم، و با خیلی از کارهای دافا مشغولم. به‌ندرت تمرین می‌کنم، و همیشه نیز نمی‌توانم تضمین کنم که فا را مطالعه می‌کنم. این موضوع مرا غمگین می‌کند.

معلم: به‌گمانم باز هم باید برای مطالعه فا وقت کنار بگذارید، مگر اینکه درحال ترجمه دافا باشید، (حضور می‌خندند) که در این صورت نیز به‌نظرم باید درحال مطالعه باشید. در غیر این صورت باز لازم است که فا را مطالعه کنید.

پرسش: من فکر می‌کنم که اصلاح دنیای بشری توسط فا دیگر آرام و بی‌صدا درحال نزدیک شدن است، و اینکه علم پیشرفته این چند وقت منجر به رکود اقتصادی شده است. آیا این پیش‌درآمد یک وضعیت جدید اقتصادی است؟ آیا اگر مریدان دافا شرکت‌های جدیدی باز کنند آینده خوبی خواهد داشت؟ (حضور می‌خندند)

معلم: این طور که تصور می‌کنید نیست! اصلاح دنیای بشری توسط فا کاری با علم ندارد. در تجلی آنها نیز هیچ تعارضی بین‌شان نخواهد بود، ولی باعث تسریع رشد علم هم نخواهد شد. درخصوص باز کردن شرکت‌های جدید، اینها مسائل شما هستند و اگر توانش را دارید انجامش دهید.

پرسش: چیزی که به آن روشن شده‌ام این است که من مشکل مورد مداخله قرار گرفتن ندارم، بلکه فقط مشکلم خوب عمل نکردن خودم است. آیا این درک درست است؟

معلم: این طور فکر کردن ایرادی ندارد. خیلی خوب است که هیچ مداخله‌ای ندارید. اینکه بتوانید متوجه شوید کجا خوب عمل نکرده‌اید و متوجه نواقص تان شوید تزکیه است.

پرسش: استاد، مضمون فایی که صبح امروز آموزش دادید خیلی متأثرکننده بود. به عنوان یک مرید، برایم سؤال است که آیا این چیزی است که پیش از این اتفاق افتاده است یا چیزی است که احتمال دارد بعداً اتفاق بیفتد؟

معلم: نشانه‌هایی دیده بودم که واقعاً بد هستند، و بعضی مریدان تباه می‌شوند. این قدر جدی است، برای همین در موردش صحبت کردم. می‌توانید بگویید که در آینده اتفاق می‌افتد، ولی جرعه شروعش زده شده است. راجع به این بود.

پرسش: من مرید شما هستم، و به این روشن شده‌ام: استاد تجلی فا در دنیای انسان‌هاست، پس استاد فا است، و این بخشی از مفهوم "فا را معلم در نظر گرفتن" است.

معلم: بگذارید به زبان ساده آشکارش کنم: فا توسط من خلق شد. (تشویق پرشور) در افلاک عظیم، تا وقتی چیزی در کیهان هستید — پس این شامل همه چیز می‌شود — فرق نمی‌کند شکل داشته باشید یا نداشته باشید، خواه خالی‌بودن باشد، [چیزی] نبودن، یا هر چیز دیگر، تا وقتی شما چیزی هستید شما را فا خلق کرده است، و شما در این محیط زندگی‌ای هستید که فا خلق کرده است. فا استانداردهایی برای موجودات دارد. فا تمام موجودات را خلق کرد، و فا در تازه‌سازی‌اش نیز همه موجودات را جذب می‌کند و همه موجودات را نجات می‌دهد. از آنجا که مریدان دافا درحال مطالعه فا هستند فعالانه درحال جذب شدن در فا هستند. دیگر هیچ چیز در بدن کیهانی به اندازه کافی خوب نیست. علتی که در این زمان هنوز نگه داشته شده این است که تمام موجودات در کیهان را جذب کند و اجازه دهد تمام موجودات نجات پیدا کنند. و گرنه مدت‌ها قبل از میان رفته بود. افلاک عظیم از نو ساخته شده بودند، و فا تمام سطوح و تمام موجودات را از نو خلق کرده بود. به هر حال من این طور انجامش ندادم. گذاشتم تمام موجودات در بدن کیهانی درباره‌ی فا بدانند و با افکار درست جذب فا شوند. این بهترین راه حل نیک‌خواهانه است، و روش انتخاب‌شده نیک‌خواهی با تمام موجودات را نشان می‌دهد. تمام موجودات پیش از تاریخ را فا خلق کرد، و هیچ کسی استتانا نیست، همه را شامل می‌شود. اگر کسی از این بگوید که جوآن فالون در فلان سطح است حرف اهریمن‌ها را می‌زند. در افلاک عظیم بی‌اندازه و بی‌شمار، در بعدها بی‌اندازه و بی‌شمار بدن کیهانی، موجوداتی بی‌اندازه و بی‌شمار در هر بعد وجود دارد! تمام آنها را فا خلق کرد. هیچ موجودی نمی‌تواند درباره‌ی فا نظر بدهد (تشویق)، و با این وجود همه چیز فا در این کتاب جوآن فالون متجلی شده است! این قدر این فا عظیم است.

پرسش: صبح استاد بیان کردند که درحال حاضر نیروهای کهن تلاش می‌کنند با به‌کار بردن ماده خاصی برای ساختن تصاویر دروغین از استاد، ایمان درست و افکار درست مریدان دافا به فا را سست کنند. ممکن است لطفاً به ما بگویید که چگونه می‌توانیم آنها را تشخیص دهیم؟

معلم: نیازی نیست سعی کنید تشخیص‌شان دهید. چیزی که شاگردان فعلاً می‌توانند ببینند یا بدانند توسط سطح‌شان محدود شده است. نیروهای کهن خدا هستند، و درحال حاضر برای شما مثل این است که می‌توانند به شکل‌های بی‌شماری دربیایند. اگر شاگردان، فا را معلم در نظر نگیرند، و توجه‌شان را روی آن چیزها بگذارند، آن وقت نیروهای کهن می‌توانند برای شما هر تصویر دروغینی که بخواهند درست کنند. امروز این را برای تان کاملاً روشن می‌کنم: چیزی که می‌بینید — چیزی که با چشم انسانی تان می‌بینید — بدن اصلی استاد است. همین‌جا، منم. (تشویق) من‌های دیگر، هر قدر هم که سطح‌شان بالا باشد، صرفاً بدن‌هایم در سطوح مختلف‌اند. در پایین‌ترین مکان هستم چون به پایین‌ترین مکان آمدم؛ و آن بدن‌هایم در سطوح مختلف در

مکان‌هایی بالا هستند چون آنها را در آن مکان‌های بالا گذاشتیم. می‌توانم تمام من‌هایم در تمام سطوح را برگردانم و آنها را یک بدن کنم تا تمام‌شان هم‌زمان این‌جا با من باشند. و می‌توانم خودم را طوری متجلی کنم که در تک‌تک سطوح کل کیهان تمامش من باشم. (تسویق) ولی بعضی وقت‌ها نیروهای کهن مداخله می‌کنند، و وقتی واقعاً می‌بینند که شاگردی راه را اشتباه رفته است به او تصویرهای دروغین نشان می‌دهند، جلوی دیدش را می‌گیرند، نمی‌گذارند استاد را در آن سمت دیگر ببیند، و از نظر ذهنی نمی‌گذارند به استاد در این‌جا ایمان درست داشته باشد. یک جعلی‌اش را می‌گیرند و در آن بعد حرکتش می‌دهند یا در این‌جا ثابت نگاه‌اش می‌دارند، و این شما را گمراه می‌کند. بنابراین نباید به آن چیزها نگاه کنید. فقط نادیده‌شان بگیرید. فا که این‌جاست و استاد این‌جاست همین کافی نیست؟ (تسویق)

آیا از من که این‌جا هستم فا آموزش داده نمی‌شود؟ همین دهان است (اشاره به دهان)، می‌بینید؟ (حضار می‌خندند، تسویق) همه‌اش را من آموزش داده‌ام. کسی نمی‌تواند مرا کنترل کند. نگران نباشید. نیروهای کهن اصلاً نمی‌توانند مبدای جاری شدن فایی را که آموزش می‌دهم ببینند. هیچ موجودی نمی‌تواند سرچشمه فایی را که آموزش می‌دهم ببیند. حتی اگر موجودی از لایه لایه ماده و حیات می‌گذشت باز نمی‌توانست رد آن را تا مبدأ بگیرد. یکی از دلایلی که چرا از شما می‌خواهم فا را معلم در نظر بگیرید این است که نمی‌خواهم با شما این‌طور مداخله شود. از شما می‌خواهم فا را معلم در نظر بگیرید، و این فا همین‌جا هست، پس صرفاً مطابق فا عمل کنید و به‌طور باز و باوقار تزکیه کنید. اگر فا را نداشته‌اید، در موردش فکر کنید، آیا امکان‌ش بود که بتوانید بر اساس آن یک‌ذره چیزی که می‌توانید ببینید تزکیه کنید؟ نمی‌توانستید، نه؟! پس چرا بر اساس الزامات فا عمل نمی‌کنید؟ حقیقتش این است که تمام آن جعلی‌ها حالا در جریان از بین رفتن هستند.

پرسش: تعداد کمی از شاگردان خارجی به چین رفتند و بازداشت شدند. آیا درست است که آنها مطابق الزامات استاد رفتار نکردند؟

معلم: نمی‌توانید این‌طور بگویید. مریدان دافا همگی سعی دارند راه‌هایی پیدا کنند که طبق بهترین چیزی که در توان دارند کارهایی برای دافا انجام دهند. نمی‌توانید بگویید فلان روشی که شاگردان کارها را انجام می‌دهند غلط است و فلان روش درست است. هر کسی مسیر خودش را می‌رود، و ما نمی‌توانیم پنداشت‌های خودمان را به دیگران تحمیل کنیم. وقتی مشکلی هست، سر این صحبت نکنید که کار چه کسی درست بوده و کار چه کسی اشتباه. وقتی مشکلی پیدا می‌شود، همه‌تان باید به هم کمک کنید و سعی کنید راهی پیدا کنید که آن را حل و برطرف کنید.

پرسش: به نظر من نشان مهربانی فقط این نیست که ظاهری دوستانه و خوشایند در سطح داشت. به نظرم جلوی شیطان را گرفتن نیز نمایشی از مهربانی است. مثلاً عدم اطاعت ما از خواسته‌های به‌دور از منطق پلیس هنگ کنگ و پلیس آلمان یک‌نوع مهربانی بود، و نمایشی از تقوای عظیم دافا.

معلم: به انسان‌ها که می‌رسد باید مهربان باشید، و به موجودات شیطانی که می‌رسد باید آنها را دور بریزید. در مورد آن پلیس‌ها، آنها بی‌اطلاع بودند و کنترل می‌شدند. اگر خوب اداره‌اش نکنید، آن وقت آنها وقتی که رفتار پلیدی با شما دارند معقول نیستند و تضادها که شدت می‌گیرند شما ضررهایی می‌بینید، بنابراین باید سعی کنید که از این ضررها دوری کنید. تا آنجا که می‌شود با مردم مهربان باشید، اما باید با جدیت با [آن موجودات] آن سمت دیگر برخورد کنید. وقتی چیزی روی دافا تأثیر منفی گذاشته یا به آن صدمه زده است، باز باید به‌طور جدی با به‌کارگیری قوانین مردم عادی آن را حل کنید. شیطان در پلیس آلمان چیزهای بد بسیار زیادی القا کرده بود، و آن زمان کاملاً دور از منطق با ما رفتار کردند. طرز برخورد یک ملت با دافا چطور باید باشد، و وقتی پلیدی و درستی روبروی‌شان است چه برخوردی باید داشته باشند؟ با آینده‌شان چه کاری باید کنیم؟! بعد از اینکه آن اتفاق‌ها افتاد باید بی‌درنگ به آن رسیدگی می‌کردید و به دستگاه قضایی مراجعه می‌کردید. کشور آنها کشوری دموکراتیک است، و حتی اگر رئیس‌دولت‌شان جرمی مرتکب شود او را به دادگاه می‌برند، چراکه او با رأی انتخاب شده است. البته، این موضوع مربوط به قبل است، پس سخت است که الان کار زیادی در این مورد انجام داد.

پرسش: بعضی اوقات حس می‌کنم ارزش این را که شما مرا نجات دهید ندارم. چگونه می‌توانم خودخواهی‌ام را تحت کنترل در بیاورم و به حد استاندارد برسم؟

معلم: این قدر بدبین نباشید. عادت‌های هر کس فرق می‌کند، و عرف‌های هر ملتی با هم فرق می‌کند. مردم محیط‌های مختلف زمینه‌های فرهنگی مختلفی دارند، و این‌ها موجب عرف‌های مختلفی می‌شوند. و جنبه‌های منفی فرهنگ‌های مختلف روی شاگردان ما که از زمینه‌های قومی مختلفی هستند تأثیر می‌گذارد. ولی این مسئله‌ای نیست. استاد به آن چیزها نگاه نمی‌کند. تا وقتی تزکیه کنید می‌توانید به درک [لازم] برسید، و رفته‌رفته می‌توانید هر کاری را خوب انجام دهید. واقع بینانه نیست که فکر کنیم فوراً می‌توانید هر کاری را خوب انجام دهید. همین‌طور که مطالعه فای‌تان را مرتب عمیق‌تر می‌کنید و همین‌طور که درک‌تان مرتب بهتر می‌شود خواهید توانست خوب عمل کنید.

پرسش: چگونه می‌توانیم برای دولت ایالات متحده واقعیت‌ها را بهتر روشن کنیم؟

معلم: شما در این مدت مشغول انجام این کارها بوده‌اید، و تا اینجا خیلی خوب عمل کرده‌اید. جلوتر که می‌رویم موضوعی است از اینکه آن را در سطحی عمیق‌تر انجام داد، و در مقیاسی وسیع‌تر.

پرسش: من ایمیلی برای خیلی از هم‌تمرین‌کنندگان نوشتم. چیزی که می‌خواستم بگویم خوب بود، ولی طرز برخورد قدری منفی بود. هم‌تمرین‌کنندگانم دیگر بعد از آن، موضوعات را با من در میان نمی‌گذارند. آیا کارم اشتباه بود؟

معلم: همین حالا هم متوجه شده‌اید که برخوردتان تا حدی منفی بوده، و برای همین است که قبولش نکردند. قبولش نکردند چون آنها هم افکار بشری دارند. شاید، از آنجا که مرید دافایید، هر دو طرف باید به مسائل به شکلی درست نگاه کنید. مریدان دافا باید هر چیزی را مثبت اداره کنند. به سمت منفی دیگران نگاه نکنید. همیشه باید به سمت مثبت‌شان نگاه کنید. حقیقتش، آیا می‌دانستید که آن وقت‌ها که دافا را به شما آموزش می‌دادم، موقع کلاس‌ها افکار بشری خیلی زیادی از طرف حضاری که پایین بودند بیرون فرستاده می‌شد؟ افکاری که بعضی افراد بیرون می‌فرستادند واقعاً بد بود، ولی من به هیچ کدام آنها نگاه نکردم. فقط به سمت مثبت شما نگاه می‌کنم، و برای همین می‌توانم نجات‌تان دهم. اگر همیشه سمت منفی‌تان را می‌دیدم چطور می‌توانستم نجات‌تان بدهم؟ هر چه بیشتر نگاهش می‌کردم عصبانی‌تر می‌شدم، و بعد چطور می‌شد نجات‌تان بدهم؟ (تشویق) پس هر موقعیتی که باشد، تحت تأثیر رفتار بشری قرار نگیرید، تحت تأثیر افکار بشری قرار نگیرید، و تحت تأثیر احساسات این دنیا هم قرار نگیرید. مثبت‌های دیگران را بیشتر ببینید و منفی‌هایشان را کمتر.

پرسش: وقتی فا را گروهی مطالعه می‌کنیم و تبادل تجربه می‌کنیم، من حرفی برای گفتن ندارم، و هیچ نظری ندارم. این مشکلی ندارد؟

معلم: شاید وضعیت تزکیه‌تان باعث شده باشد. اگر نمی‌خواهید صحبت کنید صحبت نکنید. اگر وقتی دیگران صحبت می‌کنند ناراحتید که حرفی ندارید بزنید، آن وقت اگر نمی‌توانید صحبت کنید صحبت نکنید؛ مشکلی ندارد. اگر بخواهید صحبت کنید خودش طبیعی می‌آید و صحبت خواهید کرد. ولی نگذارید عادت حرف‌زدن‌تان مانع شما شود.

پرسش: استاد گفته‌اند که مردم آینده نقش مهمی در این سطح کیهان به عهده خواهند داشت. این نقش مهم دقیقاً چیست؟ ممکن است توضیح دهید؟

معلم: در آینده این مکان انسان‌ها جای بی‌نهایت خاصی خواهد بود. و چرا این حرف را می‌زنم؟ تاریخچه بشر هر قدر هم که طولانی باشد، بشر برای نجات تمام موجودات و برای اصلاح فاعل شد، و برای همین این سطح انسان‌ها خلق شد. قدیم‌ها هیچ نوع بشری وجود نداشت. در این نقطه، این جایی که زمین هست، قبلاًها سیاره‌های دیگری بود، و آن سیاره‌ها ساختارشان با

ساختار زمین امروزی فرق می‌کرد. به خاطر وجود انسان‌ها بود که چیزهای بسیار زیادی مثل آب، گیاهان، حیوانات و غیره روی این زمین خلق شدند. موجودات و محیط‌هایی که قبلاً روی سیاره‌های این‌جا بود بدتر بودند. سطح بالاترین موجودات آن‌جا شبیه موجودات فضایی بودند. به بیانی، هیچ انسانی در این مکان وجود نداشت. و هر تعداد بار هم که سیاره‌ها در این مکان نابود و خلق شدند هیچ انسانی وجود نداشت. در تمام تاریخ فقط دو سیاره انسان داشته است: زمین قبلی و این زمین. زمین قبلی آزمایشی بود که نیروهای کهن برای آموزش فای این‌بار نظم و ترتیب دادند. این‌بار واقعی است، اصلاح فاسد شروع شده است. نیروهای کهن هستند که آن روند را نظم و ترتیب دادند.

قبل از اینکه این‌جا بیایم می‌دانستم نیروهای کهن همه این چیزها را نظم و ترتیب خواهند داد، و در لابلای آن نظم و ترتیب، چیزی که می‌خواستم را انتخاب کردم. اما وقتی به بسیاری از چیزهای بنیادی می‌رسد نیروهای کهن نمی‌توانند تغییرشان دهند. هرچند امور به آن صورت معین شده بودند، اما بعد از اینکه اصلاح فاسد شروع شد نیروهای کهن باز بیش از هشتاد درصد چیزی که قبل از تاریخ تعیین شده بود را تغییر دادند. نمی‌توانم چنین رفتاری را تأیید کنم، اینکه از من برای ارضای خودخواهی‌شان استفاده می‌کنند و ایمنی تمام موجودات و افلاک عظیم را نادیده می‌گیرند. این یکی از دلایلی است که آنها را پاک‌سازی می‌کنم. دلیل دیگر این است که شروع به انجام اصلاح فاسد کردم زیرا می‌دانستم کل این دیگر به اندازه کافی خوب نیست، هر قدر هم موجودات داخل آن خرد داشته باشند هنوز نمی‌توانند تقدیر انهدام را تغییر دهند، و این که فقط وقتی امور به‌طور بنیادی تغییر کند می‌توانند نجات پیدا کنند. اما هیچ کدام از چیزهای کهن، اینکه من کارها را آن‌طور انجام بدهم را درک نمی‌کردند. با این وجود می‌توانستم به انجامش برسانم، و چه می‌توانستند آن را درک کنند چه نمی‌توانستند، نجات موجودات چیزی است که حیاتی است. بنابراین درحال گذر از تمام سدها و انجام هرچه که می‌شد برای حل و فصل تمام مشکلات بی‌شمار بوده‌ام. در این روند، موجودات سطوح مختلف دیده‌اند که هر کاری که انجام می‌دهم امید نجات واقعی همه چیز است. تا این‌جا که انجام شده است، تمام موجودات این را نیز دیده‌اند که هر چیزی که نیروهای کهن می‌خواستند انجام دهند نمی‌تواند امور را حل و فصل کند، چراکه آن چیزها ریشه‌ای ندارند.

همین‌طور که اصلاح فاسد در بالاتر پیشروی می‌کند دیگر اثری از نیروهای کهن نیست، و دیگر هیچ کدام از عوامل مربوط به نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن وجود ندارند - بدون هیچ نتیجه‌ای تمام می‌شوند. نیروهای کهن، در خصوص رفتن به سمت تازه‌سازی و نجات تمام موجودات، مثل مانعی هستند که از همه بزرگ‌تر است، کنار زدن آن از همه سخت‌تر است، مانعی که بیشتر از همه احتمال دارد باعث شود فرد مسیر خود را گم کند، نتواند راحت درست و اشتباه را از هم تشخیص دهد، و مانعی که چیره شدن به آن از همه سخت‌تر است؛ آنها یک قفل حیاتی و مرگ‌و‌زندگی در لبه تولد افلاک عظیم جدید هستند، و مانعی بسیار بزرگ مقابل تازه‌سازی. اما قبلاً این مکان را انتخاب کردم چون می‌خواستم به موجودات کیهان که پایین افتاده‌اند شانس برگشت بدهم، و این را بخشی از توانایی کیهان کنم که بگذارد موجودات وارد مکانیزم هماهنگ‌سازی، تماماً دربرگیرندگی، و بی‌انهدامی شوند. بنابراین مسیر مردم آینده که خدا شوند واقعاً محقق شده است. مردم قبلاًها می‌گفتند، "اوه، وقتی که مردم به دیدن خدا می‌روم". شما می‌گویید به دیدن خدا می‌روید، ولی آیا خدا شما را خواهد دید؟ در اصل، در انجیل خیلی واضح بیان شده که فقط وقتی که زمان پایانی می‌رسد، که روز رستاخیز است، فقط آن وقت است که لرد، آن افرادی را که واقعاً به حد استاندارد رفتن به "آسمان" رسیده‌اند خواهد پذیرفت و رستگار خواهد کرد. امروز، موجودات ذی‌شعور در طول جریان بازپیدایی‌های مداوم‌شان، زندگی‌ای بعد از زندگی دیگر، همگی در انتظار بوده‌اند. در این روند گناه‌کاران به جهنم می‌افتاده‌اند. با این حال، رفتن به جهنم معنی‌اش این نیست که نابود می‌شوند. لازم است آنجا تاوان گناهان‌شان را پس دهند و رنج ببرند، و بعد از اینکه تاوان گناهان‌شان را پس بدهند برمی‌گردند و دوباره شروع به بازپیدایی می‌کنند. اما بعد از اینکه کسانی که گناهان فوق‌العاده عظیمی دارند به جهنم می‌روند مستقیماً نابود می‌شوند و آنها را به "جهنم بی‌پایان" می‌فرستند، و وقتی کسی از دروازه نیستی داخل برود دیگر هیچ وقت دوباره نمی‌تواند زندگی کند. قبلاً این‌طور بود.

پس از این که نژاد انسان خلق شد خدایان نیز در صحنه بشر ظاهر شدند، و به این ترتیب تزکیه و ایمان درست پدیدار شد. اما هیچ‌گاه خود فرد نبوده که تزکیه کرده است، روح کمکی بود که تزکیه می‌کرد. دلیل اینکه روح کمکی می‌توانست تزکیه کند این

بود که وارد محدوده فرضی سه قلمرو می شد بی آنکه واقعاً وارد سه قلمرو شود. چرا این طور بود؟ برای مثال، همان طور که کمی قبل گفتم، وقتی بعضی موجودات وارد بدن بشری شده اند، در اصل واقعاً داخل آن انسان نشده اند، چرا که آن فقط یک بعد است. من تمام بعدهای طرفی از مریدان دافا را که کامل تزکیه شده است ماهر کرده ام. هیچ کسی نمی تواند وارد شود. هر کسی می تواند از داخل طرفی که کامل تزکیه نشده بگذرد، اما محافظان - فا و استاد از این مراقبت می کنند، و به آنها اجازه رد شدن نمی دهند. البته، هیچ عنصری نمی تواند از داخل من در آن سمت دیگر رد شود. وضعیت استاد در این جا این طور است که سطح بیرونی بدن من حیات های تمام خدایان، تمام موجودات، و تمام عناصر در تمام بدن های کیهانی بزرگ و بسیار عظیم کیهان را نگه داشته است. این وضعیت قبل از ورود اصلاح دنیای بشری توسط فا است. ولی آن عناصر در فاصله ها و شکاف های فضایی که حافظ بقای موجودات هستند نیز خدا هستند، و در این مدت می توانند از داخل بدن مردم عادی بگذرند. همچنین، مثل این می ماند که موجودات در آنها غوطه ور باشند - درست مثل وقتی که نفس می کشید، وقتی نفس می کشید آنها را فرو داده اید. در شکاف های بین ذرات، موجودات کیهان میکروسکوپی از داخل بدن یک فرد عادی به دلخواه عبور می کنند. و آنها روح تسخیر کننده نیستند. کیهان صرفاً همین طوری است. خیلی ها می گویند که این را دیدند و آن را دیدند، در صورتی که در اصل بیشتر چیزی که دیدند تصاویر کاذبی است که هم زمانی بعدهای مختلف می سازد. آنها واقعاً داخل نشده اند، و واقعاً با ذرات آن فرد ادغام نشده اند. بنابراین آن روح های کمکی که در گذشته تزکیه می کردند در قلمروهای اصلی و میکروسکوپی خودشان بودند، و در محدوده مفروض. با ذرات واقعی بدن تان ادغام نمی شدند. اگر می شدند سقوط می کردند و هیچ وقت نمی توانستند برگردند. در قبل، حتی یک موجود هم که از آسمان پایین افتاده بود نتوانسته برگردد. و بین انسان ها، سقراط، حکیم یونان قدیم، نیز گفته است که هیچ کسی که از آسمان سقوط کرده است نمی تواند برگردد. او واقعاً یک پیامبر بود، ولی مردم او را فیلسوف در نظر گرفته اند.

پرسش: تمرین کننده ای در منطقه ما علائم یک بیماری جدی را داشته است. بعضی تمرین کنندگان پیشنهاد کرده اند که گروهی به سمتش افکار درست بفرستیم، درحالی که دیگران این نکته را مطرح کردند که استاد هرگز از ما نخواسته اند چنین کاری کنیم. آیا این کار به دافا آسیب می زند؟

معلم: به همدیگر کمک می کنید، و این صدمه زدن به دافا نیست. اگر کاری کنید که همه کتاب را برای او بخوانند، یا فا را برای او بخوانند، به سمتش افکار درست بفرستند، و به صورت گروهی دور او را بگیرند، این چیزها موثر خواهند بود چراکه در فاصله نزدیک بودن، یکی از عوامل مطرح است. و چرا یکی از عوامل مطرح است؟ چون این بُعد را عناصر پایانی سطوح بالا به قسمت های گوناگونی تقسیم کرده اند، و هنوز اختلاف هایی در این بُعد وجود دارد. ولی اگر افکار درست کسی قوی باشد آن اختلاف ها را می شود از بین برد. اگر اعمال تان خیلی درست باشند نمی تواند جلوی شما را بگیرد، چون اگر سعی کند جلوی تان را بگیرد فا را نقض کرده است. این طور است.

پرسش: استاد یکبار این فا را آموزش دادند که موجودات ذی شعور از افلاک عظیم کیهان پله پله وارد سه قلمرو شده اند. استاد همچنین گفته اند که شاکیا مونی از سطح ششم جهان مستقیماً به درون سه قلمرو بازپیدایی یافت. ارتباط بین این دو چیست؟

معلم: استاد این را هم گفته است که قدرت فا بی حد است. بازپیدایی مستقیم از سطح ششم جهان به سه قلمرو شامل روندی بود. این روند این بود که او می بایست به شش سطح از جهان نفوذ می کرد و به سه قلمرو می رسید، و می بایست توسط لایه ای از هر جهانی که در آن بین بود و نیز تمام بعدهای گوناگونی که در آن بود پوشیده شود، یا به عبارتی، هر وقت که یک سطح پایین می آمد لایه ای دیگر از ذرات رویه ای و سطحی اضافه می شدند. آیا وقتی کسی از آسمان بیرون انداخته می شود نیز به همین شکل پایین نمی افتد؟ صحبت از این موضوع و پله پله پایین آمدن، صحبت از گذر آنی است و توقف کردن. البته، وقتی خدایی پایین می آید و سطح به سطح بازپیدا می شود، اهمیت و هدف این کار کاملاً فرق می کند. همین طور که موجودی بازپیدا می شود

روابط کارمایی شکل می‌دهد. او در آن سطح فقط پدر و مادر و خواهر و برادر ندارد، خانواده و دوستان بسیار زیادی هم دارد که همگی با او رابطه کارمایی دارند.

پرسش: وقتی هنگام انجام کارهای اصلاح‌فا امور نرم و هموار جلو نمی‌رود، سخت است تشخیص دهیم که به خاطر مداخله از سمت نیروهای کهن است یا اینکه اشاره‌ای است که استاد نمی‌خواهد آن کار انجام شود. چگونه می‌توانیم این دو را بهتر از هم تشخیص دهیم؟

معلم: باید از فا برای ارزیابی استفاده کنید. برای همین است که به همه شما می‌گویم که فا را مطالعه کنید، و شما باید از فا به‌عنوان استاندارد ارزیابی هر چیزی استفاده کنید. لازم نیست تمام مدت کتاب همراه‌تان باشد که هر کاری که می‌خواهید انجام دهید را با چیزی که در کتاب است مقایسه کنید. بعد از اینکه فا را مطالعه کرده‌اید باید تفکر معقولانه‌تان را به کار ببرید تا به عنوان مرید دافا تعیین کنید که آن کاری است که باید انجامش دهید یا نه. اگر حس می‌کنید که باید انجامش دهید، پس [انجامش] اشکالی ندارد. و اگر هم اشتباه از آب در بیاید، فقط علتش این است که درک‌تان هنوز آن قدرها عمیق نیست؛ و نمی‌شود برای شما اشتباه بزرگی به حسابش آورد، چون واقعاً فکر می‌کردید که بر طبق فا کارها را انجام می‌دهید. آیا به همین صورت نیست؟ اما بعد این را بهانه نکنید. مسئول بودن نسبت به فا مسئول بودن نسبت به خودتان است.

پرسش: درحال حاضر خیلی‌ها از بین مریدان این طرز فکر را دارند: وقتی تمرین‌کننده‌ای به خاطر مداخله از طرف نیروهای کهن محنت‌هایی تجربه می‌کند، تمرین‌کنندگان دیگر فکر می‌کنند که اگر هم وابستگی‌هایی داشته باشد، نباید به شکنجه اجازه داد که اتفاق بیفتد و همه باید افکار درست بفرستند. سؤال این است که اگر خود آن تمرین‌کننده رشد نکند آیا این کار مؤثر واقع می‌شود؟

معلم: اینمانج جدی‌ای می‌شود. اگر او خودش معقول نباشد هر کاری هم کنیم هیچ به حساب می‌آید. فرستادن افکار درست می‌تواند چیزهایی را که بیرون از اوست از بین ببرد ولی نه چیزهایی را که داخل ذهنش است. هر کاری که کسی می‌خواهد انجام دهد از یک فکر او می‌آید - اوست که تصمیم می‌گیرد چیزی را می‌خواهد یا نه. وقتی این وضع پیش می‌آید، فکر می‌کنم باید گره‌ای در ذهنش باشد که از وابستگی‌ها ناشی می‌شود. اگر واقعاً نمی‌تواند انجامش دهد، می‌توانید بروید و به او کمک کنید. این کار اشکالی ندارد. سعی کنید کمکش کنید با بیشتر مطالعه کردن فا و بر اساس حقایق فا امور را متوجه شود.

پرسش: دیدگاهی وجود دارد که می‌گوید ما باید با نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن مخالفت کنیم، قبل از اصلاح دنیای بشری توسط فا دوره صلح‌آمیزی از زمان ایجاد کنیم، و به چینی‌ها کمک کنیم حقیقت را متوجه شوند.

معلم: اینکه بخواهید شکنجه را متوقف کنید، این دیدگاه اشتباه نیست. کمک به چینی‌ها که حقیقت را متوجه شوند و نجات دادن موجودات ذی‌شعور کارهایی هستند که مریدان دافا باید انجام دهند. ولی چیزی به نام "دوره صلح‌آمیزی از زمان" وجود ندارد. شیطان فقط کمتر و کمتر خواهد شد، و شنونده کمتر و کمتری خواهد داشت، و مجازات کارمایی بسیار زیادی اتفاق خواهد افتاد.

پرسش: آیا اگر تمرین‌کننده‌ای در زندان به جای دست کشیدن از دافا ترجیح بدهد از زندگی خود دست بکشد، خودکشی تخطی از دافا است؟

معلم: خودکشی غلط است. اگر واقعاً محکم هستید و این قدر پابرجا که حتی از مرگ هم نمی‌ترسید، چرا خودکشی کنید؟ مطمئناً به پابرجا بودن‌تان باید توجه کرد، اما به خودکشی کردن‌تان چطور باید نگاه کرد؟ البته، من برای یک مرید دافا ارزیابی کاملی می‌کنم، به یک چیز نگاه نمی‌کنم، و به آن با توجه به تمام تاریخچه آن فرد نگاه می‌کنم. اما اگر هم آن عمل هیچ پیامد

خاصی نداشته باشد، آیا باز ننگ نیست؟ برای اینکه، استاد در فا آموزش داده است که خودکشی کردن گناه است. چرا مطابق الزامات فا خودتان را اداره نکردید؟! این فقط مشکل عادی‌ای از درک و فهم نیست، هست؟ گفته‌ام که فشاری که زیر آن محیط شیطانی احساس می‌شود بسیار زیاد است، اما، باز، چرا به این دنیا آمدید؟ آیا این‌جا آمدید که فقط محنت‌های عادی تحمل کنید؟ بعد اینکه، چه چیزی در انتظار شما هست؟

پرسش: شما گفته‌اید که هیچ روح کمکی‌ای ندارید. آیا قبلاً هیچ روح کمکی‌ای داشتید؟ اگر داشتید، الان در چه وضعی هستید؟

معلم: (معلم می‌خندد) الان هیچ روح کمکی‌ای ندارم. وقتی به دنیا آمدم درست مثل شما بودم، و باید هر چیزی را که فرد عادی دارد می‌داشتم. بعدها آنها در مدت تزکیه‌ام رفته‌رفته برداشته شدند، و برای‌شان نظم و ترتیب دادم که همه‌شان به کمال برسند. اگر به کمال برسید و به سطوح خیلی بالایی برسید روح‌های کمکی‌تان همگی خدا خواهند شد، و بعضی‌هایشان حتی خدایان بسیار سطح بالایی می‌شوند، پس همگی‌شان لازم است به کمال برسند.

پرسش: استاد گرانقدر گفته‌اند، "نیروهای کهن می‌خواهند به هدف آنچه که می‌خواهند به آن برسند دست پیدا کنند". معنی این چیست؟

معلم: هدفی که می‌خواهند به آن برسند این است که می‌خواهند در اصلاح فای کیهان را به وضعی که قبل از اصلاح فا داشت برگردانند، به آن سیستم خودشان - باز کوه‌های خودشان، باز آب خودشان، باز خدایان خودشان، و باز وضعیتی که خودشان قبلاً داشتند. آنها امور را به این صورت انجام دادند، بنابراین نمی‌خواهند تغییری بدهند. تغییری که می‌خواهند این است که نمای ظاهری بهتر شود، درست مثل شستن یک‌دست لباس چرک. هنوز هم همان‌دست لباس کهنه است. خوب، معنی‌اش این است، ولی این مقایسه دقیق نیست. فقط این‌طور می‌شود توصیفش کرد. آنها فقط می‌خواهند که، بر مبنای از دست ندادن هیچ چیزی که اول داشتند، از راه نظم و ترتیب‌های دقیق، بتوانند به‌زیرکی، این فاجعه را رد کنند. ولی هرگز چنین اتفاقی نخواهد افتاد. این چیزی است که می‌خواستند. از همان اول آنها را رد [و نفی] کرده‌ام؛ وگرنه با اینکه قصد نداشتند تمام این را نابود کنند، اما این کار را کرده بودند.

پرسش: برایم واضح است که زمان باز هم دوباره سریع‌تر شده است. در مورد موضوع روشن کردن واقعیت‌ها برای مردم دنیا...

معلم: بله، درست است. انگار فقط به چند پرسش جواب داده‌ام و دیگر هوا تاریک شده است. (حضار می‌خندند)

پرسش: در مورد موضوع مطالعه فا و انجام کارهای اصلاح فا، وقت بسیار تنگ به نظر می‌رسد. ممکن است لطفاً کمی بیشتر به جزئیات این موضوع بپردازید؟

معلم: در حال حاضر زمان مدام سریع‌تر می‌شود. می‌توانم به شما بگویم که هر چه سریع‌تر کارها را انجام دهم زمان سریع‌تر می‌شود چراکه عناصر بالاترین مکان کیهان، اصلاح فای من و زمان را به هم وصل کرده‌اند. زیرا زمان نیز خدایی از کیهان کهن است. آنها همه چیز در اصلاح فا را به هم وصل کرده‌اند. وقتی من سریع آنها سریع‌اند، و وقتی کُندم آنها کُندند، برای همین هر چه سریع‌تر کارها را انجام دهم زمان سریع‌تر می‌شود. اما من، معلم شما، انتخابی جز این ندارم که کارها را سریع انجام دهم. اگر به موقع به آن نرسم، در آخر دیگر خیلی دیر است که همه چیز را نجات داد. می‌دانید که جهان به سرعت در حال انبساط است، و بشر نیز دیده است که جهان درون این محدوده حالا در حال انبساط است. دانشمندان امروزی این را می‌دانند، درست است؟ سرعت انبساط مدام رو به افزایش است. در پایان انبساط چه اتفاقی می‌افتد؟ دیده‌اید که بادکنک چطور است، نه؟ باد می‌کنید، باد می‌کنید، و وقتی تا آخرین حدش آن را باد کنید، "بنگ!" - می‌ترکد. دانشمندان تا به حال متوجه

این شده‌اند، و می‌دانند که این انبساط ترسناک است. اگر نتوانم دنبالش کنم، تمام این، یا دست‌کم جاهایی که اصلاح فا هنوز تمام نشده است، نابود می‌شود.

مجبورم سریع عمل کنم. اولش فاصله بسیار زیاد بود، خارج از تصور. درحال حاضر تا چیزی ظاهر می‌شود می‌توانم همان‌وقت قسمتی از آن را بگیرم. مثلاً فرض کنید این چیز صد قسمت دارد، بنابراین همان لحظه‌ای که ظاهر می‌شود می‌توانم بلافاصله آن را بگیرم و بعد در یک آن حل و فصلش کنم. امور در مرحله آخر از مرحله آخر این هستند که کاملاً به آن نقطه برسند. چه اصلاح فا را کامل کرده باشم یا نه، امور یک‌طورند، چون همه چیز همین الانش هم از آنها جلو زده است، و در مدت اصلاح فا دیگر زمان و مکان اصلی هیچ معنی واقعی‌ای ندارند که بتوانند مانع شوند.

پرسش: شما سه ساعت پشت هم صحبت کرده‌اید... (معلم می‌خندد) (میریدان تشویق می‌کنند)

معلم: دارم برگه‌هایی را برمی‌دارم که کلمات کمتری روی‌شان نوشته شده و آن پرسش‌ها را جواب می‌دهم.

پرسش: "لی بای" شاعری بزرگ بود، و یک تزکیه‌کننده داتو. او چه نوع رابطه کارمایی‌ای با دافا دارد؟

معلم: در مورد شخصیت‌های تاریخی، نباید زیاد درباره‌شان فکر کنید. خیلی از آنها شما بودید، و خیلی از آنها من بودم. (تشویق) اما بابت این زیاد شادی نکنید! توانایی‌ها و استعدادها شما از آن‌جا سرچشمه نگرفته است. توانایی‌ها و استعدادهای شما را فا این بار به شما داده است (تشویق) و ارتباطی به آن [گذشته] ندارند.

پرسش: افراد اجتماع بشری عادی، مخصوصاً آنهایی که در اجتماع مناصب نسبتاً عالی‌ای دارند، در آغاز نه تنها احساس منفی‌ای نسبت به دافا و جن-شن-رن نداشتند، در واقع احساس مثبتی هم داشتند. اما روشی را که خیلی از میریدان دافا کارها را انجام می‌دهند نمی‌پسندند، و فکر می‌کنند خیلی افراطی است و مهربانانه به‌نظر نمی‌آید.

معلم: میریدان دافا باید به این موضوع توجه کنند. از آن طرف، آیا امکان دارد به خاطر تفکراتی باشد که مردم عادی پیدا کرده‌اند، تفکراتی چون رعایت به‌اصطلاح آداب، داشتن تعادل، و شتاب‌زده نبودن؟ آیا علتش این است که نسبت به انجام خیلی سریع کارها نظر خوبی ندارند؟ شیطان ما را شکنجه می‌کند، و مردم درحال مردن هستند. ما در وضعی نیستیم که بخواهیم کارها را آن‌طور با خیال راحت انجام دهیم. اما از طرفی، باید بهترین سعی‌تان را در مراعات آداب اجتماعی کنید. میریدان دافای ما در تب و تاب نجات موجودات ذی‌شعورند، ولی آن افراد باز هم سخت‌گیری می‌کنند. به هر صورت، میریدان دافا، شما باید تمام سعی‌تان را کنید که باز هم سازگارتر باشید! مردم درحال لغزیدن به پایین هستند درحالی که ما به بالا صعود می‌کنیم، پس اگر می‌خواهیم نجات‌شان دهیم باید کارها را آن‌طور انجام دهیم.

پرسش: درود، استاد گران‌قدر! صبح امروز که فا را آموزش دادید اشاره کردید که نیروهای کهن درحال سوءاستفاده از تعداد کمی از تمرین‌کنندگانی هستند که وضعیت‌های خاصی را بروز می‌دهند. آیا این مثل همان جنون چی‌گونگ است که در سخنرانی ششم جوآن فالون آمده است؟

معلم: آنها در اصل در قسمت‌های مختلفی مشغول ایجاد مداخله هستند. چیزی که صبح گفتم را جوآن فالون پوشش داده است و برای جوآن فالون حالت تکمیلی دارد. جوآن فالون درباره امور به صورت کلی صحبت می‌کند ولی معانی درونی بسیار عمیقی در خود دارد. اگر فا را مکرر مطالعه نکنید، آن‌وقت درک فایی که الان آموزش می‌دهم سخت به نظر می‌رسد. عمق حقایق فای دافای کیهان چیزی نیست که بشود در سطوح پایین کامل متوجه شد. فا می‌تواند خودش را در سطوحی مختلف متجلی کند، و می‌تواند خودش را در همان سطح به صورت عام و یا خاص متجلی کند - کاملاً دربرگیرنده است.

پرسش: آزادی، دموکراسی، و حقوق بشر اصولی درست در دنیای انسان‌ها به نظر می‌رسند. آیا آنها را هم نیروهای کهن برای اصلاح فای امروز نظم و ترتیب دادند؟

معلم: قسمت دوم این صحبت درست است، ولی قسمت اولش نه. آنها اصول انسان‌ها نیستند، بلکه، آنها را نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند. اصول بشری بسیار ساده‌اند، و دموکراسی در واقع یک اصل بشری نیست. در طول میلیون‌ها سالی که از تاریخ بشر گذشته است مردم همیشه تحت سلطه پادشاهان بوده‌اند. در اوجش بیشتر از ده هزار کشور روی زمین بود، و بیشتر از ده هزار پادشاه، شاهزاده، و ملکه وجود داشت. این تمدن قدیم بود، و برای همین است که به آن می‌گفتند "حکومت پادشاه به کشور؛ فتح دنیا با نیروی نظامی؛ قدرتمند قهرمان است". ولی به چشم خدایان آدم قدرتمند یک یاغی بود. و اهمیتی ندارد که انسان‌ها فکر می‌کردند او آدم درستی است، خدایان او را یاغی می‌دیدند. پس چرا خدایان کاری می‌کردند که نبرد کند و او را قهرمان می‌کردند؟ چون خدایان می‌خواستند بر روی زمین به اهدافی برسند و می‌خواستند وضعیت خاصی در بین انسان‌ها ظاهر شود، و باید کسی را برای انجام کارها انتخاب می‌کردند. بعد کسی که انتخاب می‌شد به انجام کارها طبق الزامات خدایان ادامه می‌داد. هرچند آن کار را با زور انجام می‌داد، از آنجا که خواست خدایان این بود، خدایان بعد از اینکه به انجامش می‌رساند به او افتخار می‌دادند. و چه نوع افتخاری؟ او را قهرمانی بزرگ کنیم که همه تحسینش کنند، کسی که افتخار حکمرانی به سرزمین را دارد — همین! (معلم می‌خندد) بیرون از سه قلمرو، اصول انسان‌ها صحیح در نظر گرفته نمی‌شوند، ولی این‌جا در بین انسان‌ها اصول درست می‌شوند. اصول بشری قبل به این شکل بود.

در این چند وقت اخیر، اصلاح فا که در پیش بود بسیاری از پادشاهان در چین بازپیدا شده‌اند، و دیگر هیچ کسی نمی‌توانست بگوید که پادشاه است. و موضوع دیگری هم هست. موجوداتی از سطوح مختلف از خیلی از سطوح بالا به پایین آمده‌اند و به انسان بازپیدا شده‌اند، و این امر ترکیب قومیت‌های مختلف را تغییر داده است. چه کسی را آن وقت باید پادشاه کرد؟ اداره این موضوع سخت‌تر هم هست، و بنابراین نیروهای کهن خیلی ساده گذاشتند خود انسان‌ها برای خودشان انتخاب کنند، و این دموکراسی است. دموکراسی، وقتی از آسمان‌ها به اصل و اساسش نگاه کنید، به خاطر این دو موضوع پیدا شد.

در رابطه با حقوق بشر، فقط محدود به حقوق بشر نمی‌شود — حفاظت از حیوانات هم هست. پوسته‌های بشری تمام شدند، برای همین خیلی‌ها به حیوان بازپیدا شدند و خیلی‌ها هم به گیاه. تمام این چیزها این اواخر اتفاق افتاد، و مرتبط به اصلاح فا است. همین‌طور که اصلاح فا در پیش بود، همه چیز به خاطر دافا آمد، برای دافا متولد شد، و برای دافا خلق شد. ولی قرار نیست همه چیز نقش مثبت داشته باشد. وضعیت این است.

پرسش: استاد گفته است که بخشی از ما که کامل تزکیه شده است در مدت تزکیه‌مان از بقیه‌اش جدا می‌شود. حالا که ما در مرحله پایانی اصلاح فا هستیم، چگونه می‌توانیم از سد این جدایی بگذریم؟

معلم: چون عناصر آخر بزرگ‌ترین عناصر هم هستند شکاف بین‌شان بزرگ است، و فقط درحالی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند وقتی نیروی پر قدرت اصلاح فای استاد برسد می‌شود آنها را کاملاً از بین برد. این امور را فقط وقتی آن نیروی عظیم برسد می‌شود حل کرد. همین که برسد و گذر انجام شود، شروع اصلاح دنیای بشری توسط فا است. یا از زاویه‌ای دیگر به آن نگاه کنیم، کارهایی که امروز انجام می‌دهید می‌تواند باعث ضررهای کمتر در بین مریدان دافا و هم‌تمرین‌کنندگان تان شود، ولی نمی‌تواند مشکل را به طور بنیادی حل کند. باز با این حال، در روند اعتباربخشی به فا می‌توانید وضعیتی به بار بیاورید که قسمتی از مردم دنیا خوب شوند، که می‌تواند افراد بیشتری را نجات دهد، و جلوی اینکه شیطان خیلی شرورانه عمل کند را می‌گیرد، ولی پایان آن نیست.

پرسش: استاد، کی قصد دارید به ما مطالبی در مورد خدایان اولیه بگویید؟ در مدت اصلاح فا آنها...

معلم: نیروهای کهنی که درباره‌ی آنها صحبت کرده‌ام خدایان اولیه‌اند. خدایانی که درباره‌ی آنها صحبت کرده‌ام همگی خدایان اولیه‌اند. آن نیروهای کهن، می‌توانم به شما بگویم، آنها عالی‌ترین موجودات هر سطحی بودند، و نابود شده‌اند. آنهایی که از همه تواناتر بودند در نتیجهٔ نظم و ترتیب آن آخرین نیروی کهن نابود شدند. قصد آن این بود که به قیمت نابودی این قسمت به چیزی که می‌خواهد برسد. کیهان به قدری عظیم است که بی‌کران و بی‌انتهاست. بنابراین، با در نظر گرفتن اینکه بی‌کران و بی‌انتهاست، وقتی با انهدام روبرو می‌شود می‌خواهد که خودش را نجات دهد چراکه یک خداست. و در اصل، نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن روشی است که برای نجات خودشان پیدا کردند. آنها نظم و ترتیب‌های بسیار دقیق و کاملی دادند. ولی متوجه نشدند که این طور حفظ جان کردن دقیقاً منجر به نابودی‌شان می‌شود. اگر کارها را این طور انجام نداده بودند این بار واقعاً نجات پیدا می‌کردند. ولی این طور انجامش دادند و خیلی‌هایی که می‌خواستیم را نابود کرده‌اند، و گناهان‌شان بسیار بزرگ شده است چراکه همهٔ آن موجودات ذی‌شعور را آنها نابود کرده‌اند.

پرسش: گفته‌اید که ایالات متحده سلسلهٔ مینگ سابق است. در مدت سلسلهٔ مینگ خیلی‌ها تزکیه‌کنندهٔ دائوئیستی بودند. ممکن است لطفاً استاد در مورد وضعیت روشن‌گری واقعیت‌ها به دولت ایالات متحده توسط مریدان دافای امروز این کشور، ما را آگاه کنند؟ مریدان در ایالات متحده به قدری سرشان شلوغ است که به نظر می‌رسد کمی بی‌تفاوت و دلسرد شده‌اند. چه کار باید کرد تا آن نیک‌خواهی‌ای بدمد که آسمان و زمین را به لرزه می‌اندازد...

معلم: نباید آن طور صحبت کنیم. می‌خواهم به همه‌تان بگویم، شما باید با عقل و منطق امور را انجام دهید. وقتی واقعیت‌ها را روشن می‌کنید، اگر فقط یک ذرهٔ کوچک بالای اصول بشری بروید مردم نمی‌توانند قبولش کنند. پس وقتی واقعیت‌ها را روشن می‌کنید نباید درباره‌ی چیزهای سطح‌بالا صحبت کنید. چیزهایی که شما می‌دانید چیزهایی هستند که خدایان باید بدانند. آن چیزها مسائلی هستند که من به شما آموزش داده‌ام، نه به مردم دنیا. پس نباید آن مطالب را به مردم عادی بگویید. فقط می‌توانید از شکنجه و آزار شدن‌مان صحبت کنید، از وضعیت واقعی‌مان، از اینکه افراد خوبی هستیم و به غلط شکنجه می‌شویم، از اینکه آزادی عقیده‌مان نقض می‌شود، از اینکه حقوق بشری‌مان نقض می‌شود. می‌توانند تمام این موضوعات را بپذیرند، و بلافاصله از شما حمایت می‌کنند و اظهار هم‌دردی می‌کنند. همین کافی نیست؟ چرا اصرار دارید اصول سطوح به آن بالایی را بدانند؟ مردم دنیا همان واقعیت‌ها را که بدانند خواهند گفت که به فالون گونگ شکنجه و آزار می‌رسد و شکنجه‌گران بسیار پلیدند. این حرف‌ها را خواهند گفت، و همین بس نیست؟ البته، قصد شما این است که او مرید دافا شود. ولی در این زمان چنین کاری سخت است زیرا نیروهای کهن در حال کارشکنی هستند. استاد مراقب تمام آن استثنای‌هایشان خواهد بود. ولی آن فردی که با او صحبت می‌کنید شوق لازم آن را ندارد، و تازه نیروهای کهن نیز در حال کارشکنی هستند. کار شمارهٔ یک ما در این زمان این است که کمک‌شان کنیم از حقیقت وضعیت باخبر شوند. ممکن است کسی را ببینید که فوق‌العاده خوب است و هر مطلب سطح بالایی هم که به او بگویید بتواند بپذیرد، آن وقت می‌توانید بروید و درباره‌ی آن چیزها به آنها بگویید. مشکلی ندارد و آنجا مسئله‌ای پیش نمی‌آید. ولی مطلبی که صحبتش را می‌کردم، مخصوصاً در مورد بعضی مسئولان حکومتی صدق می‌کند، چون هر چه باشد آنها سیاست‌مدارند، و به فکر هیچ چیز جز سیاست نیستند، برای همین وقتی این چیزها را به آنها می‌گویید اصلاً باور نخواهند کرد. آن موقع آیا مثل این نیست که نه تنها نتوانسته‌اید نجاتش دهید او را به پایین نیز هل داده‌اید؟ درست نمی‌گوییم؟

پرسش: در حال حاضر عده‌ای هستند که کار بسیار زیادی برای روشن کردن واقعیت‌ها انجام می‌دهند ولی خیلی کم‌فا را مطالعه می‌کنند و تمرین می‌کنند.

معلم: این مشکل، مشکلی بسیار جدی است. مریدان دافای ما نباید از رشد فردی غافل شوند. نجات موجودات ذی‌شعور وظیفهٔ باشکوه مریدان دافا است. اما چون فا را مطالعه نمی‌کنید کیفیت کار روشن‌گری حقیقت‌تان ضرر می‌بیند، و خودتان را هم محدود می‌کند. این خوب نیست.

پرسش: آیا درست است که فقط کسانی که فا را قبل از پایان سال ۲۰۰۲ به دست آوردند "میریدان دافای دوره اصلاح فا" در نظر گرفته می‌شوند؟

معلم: هرگز چنین حرفی نزده‌ام. آن خوب‌هایشان... آیا در هر کدام از دوره‌های زمانی مختلف عده‌ای وارد نشده‌اند؟ در اصل، باز هم کسانی هستند که می‌خواهند وارد شوند ولی هنوز وارد نشده‌اند، و البته آنهایی که سقوط کرده‌اند هم هستند.

پرسش: ما باید واقعیت‌ها را برای مردم چین روشن کنیم. ولی والدینم در چین نمی‌گذارند با تلفن واقعیت‌های مربوط به دافا را روشن کنم. همیشه به نظر می‌رسد که یک جای کار ایراد دارد ولی هنوز نتوانسته‌ام آن را برطرف کنم.

معلم: با خرد انجامش دهید. احتمال دارد که حتی بعد از اینکه واقعاً هم تلاش کردید هنوز مؤثر واقع نشود. و احتمال هم دارد که میریدان دافای داخل چین انجامش دهند. اگر شما نتوانید انجامش دهید، آنها انجامش می‌دهند. میریدان دافای داخل چین مثل گل‌هایی که همه‌جا را پر می‌کنند این کار را انجام داده‌اند. بدنه اصلی میریدان دافای دوره اصلاح فا در چین است. می‌توانم به شما بگویم که ۱۰۰ میلیون نفری که درباره‌ی آنها صحبت کرده‌ام همان ۱۰۰ میلیون نفر داخل و خارج چین که امروز درباره‌ی آنها صحبت می‌کنید نیستند. واقعاً قبلاً ۱۰۰ میلیون نفر در چین بودند که جوآن فالون را می‌خواندند. آنها آن موقع فا را به دست آورده بودند، و من از آنها مراقبت می‌کردم. نمی‌توانید بگویید که مرید دافا نبودند. ۷۰ میلیون نفر بودند که تزکیه واقعی انجام می‌دادند، و آن وقت‌ها جمعاً در واقع ۱۰۰ میلیون مرید دافا وجود داشت.

پرسش: وقتی مقاله‌های جدیدی از استاد به او می‌دهم آنها را می‌گیرد. ولی قبول نمی‌کند که در هیچ فعالیتی برای پنخش فا شرکت کند. آیا برای چنین شاگردی امیدی هست؟

معلم: احتمالاً او هنوز در جایی گیری دارد. از آنجا که هنوز آنها را از شما می‌گیرد این معنی را می‌دهد که هنوز افکار درست دارد. پس در این صورت، نگاه کنید و ببینید گیرش در کجاست و چه کم و کسر است. شما مرید دافا هستید، پس بروید و سعی کنید که کمی او را درک کنید و به او کمک کنید.

پرسش: آیا نظر شخصی یکی از اعضای انجمن فالون دافا، مثلاً نظر و نتیجه‌گیری‌اش در مورد یک هم‌تمرین‌کننده، معرف نظر انجمن دافا یا حتی نظر استاد است؟ استاد ارجمند، لطفاً این موضوع را برایم روشن کنید.

معلم: هیچ کسی نمی‌تواند معرف من باشد — این که بدیهی است. و در بین شما، هیچ کسی نمی‌تواند معرف شخص دیگری باشد. در مورد انجمن‌های دافا، گفته‌ام که هماهنگی خیلی مهم است. خیلی از چیزها هستند که از دیدگاه دیگری نمی‌شود گفته شوند، و لازم است که آنان آنها را بگویند. ولی مطمئناً چیزهایی هست که خوب انجام نداده‌اند، و استاد به‌خوبی از آنها اطلاع دارد. ولی از سوی دیگر، در مورد خیلی چیزها باید نقشی که خودتان در آنها داشته‌اید را در نظر بگیرید، و ببینید که آن وضع ناجور دقیقاً چطور پیش آمد. روی یک خدا هیچ چیز تأثیر نمی‌گذارد. اگر کاری باید انجام شود، صرفاً به شکلی درست و باوقار آن را انجام دهید.

پرسش: اعضای خانواده یک مرید دافا به دافا تهمت زده‌اند. آیا وقتی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند آنها هدف از بین رفتن قرار می‌گیرند؟ یا اینکه مربوط به رفتار آن مرید خواهد بود؟

معلم: به انتخابی بستگی خواهد داشت که خودشان می‌کنند. وقتی کسی به فا صدمه زده است و کاملاً پلید شده است، آیا می‌گویید باید او را به کمال رساند و به دنیای یک بودا برد؟ نمی‌شود. به آنهایی که واقعاً گناهان جدی‌ای مرتکب شده‌اند اجازه داده نخواهد شد که باقی بمانند. به‌خاطر این که شما دافا را تزکیه می‌کنید آنها مسلماً برکت‌هایی خواهند داشت. به آنها فرصت

داده می‌شود، فرصت‌های دیگر، و باز هم فرصت‌هایی دیگر. ولی از طرفی، باید تمام سعی‌تان را کنید که واقعیت‌ها را روشن کنید و نجات‌شان دهید، و این برای‌شان برکت‌هایی می‌سازد.

پرسش: معلم، مایلم از طرف همهٔ مریدان دافا در شهر هیزه از استان شان‌دونگ به شما درود برسانم.

معلم: متشکرم! (تشویق)

پرسش: خیلی از مریدان دافا در هیزه بازداشت شده و مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌اند. آنهایی که در هیزه بازداشت شده بودند همگی از تبدیل شدن سر باز زده‌اند و به اردوگاه‌های کار اجباری در شهر جینان فرستاده شده‌اند. آیا این نظم و ترتیب نیروهای کهن است؟

معلم: من چیزهایی مثل "تبدیل شدن" یا "تبدیل نشدن" را به رسمیت نمی‌شناسم. به چیزی که در ذهن افراد است باید نگاه کرد. باز فکر می‌کنم که... آیا می‌دانید که نیروهای کهن برای اینکه آنها را تبدیل کنند زیر شکنجهٔ ذهنی شدیدی قرارشان داده‌اند؟ می‌دانند که من آن را تصدیق نمی‌کنم، بنابراین چه روشی به کار می‌برند؟ سمتی از آنها را که افکار درست دارد، یا به عبارتی، سمتی که کامل تزکیه شده است، را جدا می‌کنند و جلوی اینکه هرگونه تماسی با ذهن آنها داشته باشد را می‌گیرند. بعد، از سطح و ظاهر بشری‌شان سؤال می‌کنند. اما سطح بشری آنها چیزهای بشری و پنداشت‌های پس‌زادی خیلی زیادی دارد، و سمتی که کامل تزکیه شده است اجازه هیچ گونه اثرگذاری ندارد. چون آنها را زیر چنین شرایطی شکنجه کرده‌اید هر چیزی هم که مجبورشان کرده باشید بنویسند به رسمیت نمی‌شناسم. نیروهای کهن می‌دانند که این را به رسمیت نمی‌شناسم، پس چرا باز هم این کار را انجام می‌دهند؟ زیرا یک چیز هست که هنوز می‌توانند به آن برسند، و آن این است که می‌خواهند ارادهٔ آن شاگرد را خرد کنند. شاگردانی که آن اشتباه را کرده‌اند فکر می‌کنند، "آه نه، آن را نوشتم. کار من دیگر تمام است. استاد دیگر نمی‌تواند از من مراقبت کند. من مایهٔ سرافکندگی دافا هستم". از آن به بعد دیگر دل گرفته و غمگین می‌شوند. این ترفندی است که به کار برده‌اند و من آن را به رسمیت نمی‌شناسم. عیب ندارد که زمین خورده‌اید، عیبی ندارد! سریع بلند شوید! (تشویق)

پرسش: مریدان دافا در شهر هاربین به استاد درود می‌فرستند!

معلم: متشکرم! (تشویق)

پرسش: مریدان دافایی که به طور غیرقانونی در اردوگاه کار اجباری **** زندانی شده‌اند به استاد درود می‌فرستند!

معلم: آن دخمهٔ تاریک خیلی شیطانی است، می‌دانم! جداً حقیقت دارد که شاگردان بهتر و بهتر شده‌اند، و معقول و معقول‌تر هستند. بگذارید فعلاً دربارهٔ چیزهایی که در چین اتفاق می‌افتد صحبت نکنیم. (تشویق) وقتی در آن باره شروع به صحبت کنیم داستانی بلند خواهد بود. هر چیزی هم که باشد، چیزی که منتظر آن افراد شیطانی است گناهیانی است که هیچ‌وقت نمی‌توانند تاوانش را پس دهند، و چیزی که منتظر مریدان دافا است کمال باشکوه و پر عظمت است! (تشویق)

پرسش: این اواخر این را درک کرده‌ام: هر وقت در خصوص کار دافا تضادی بین مریدان دافا پیش می‌آید، اول باید افکار درست بفرستیم تا آن نیروهای شیطانی را که از وابستگی‌ها و پنداشت‌های بد شاگردان برای شکنجهٔ کلی مریدان دافا استفاده می‌کنند از بین ببریم، و بعد در مورد مسائل خاص مربوط به کارمان صحبت کنیم. آیا صحیح است که کارها را این‌طور انجام داد؟

معلم: فکر می‌کنم که وقتی مریدان دافا با تضاد روبرو می‌شوند، ضرورتاً نتیجهٔ چیزی نیست که توسط اهریمن‌ها کنترل شود. آنها مداخله خواهند کرد، و اشکال ندارد که افکار درست بفرستید، اما باید فا را خیلی مطالعه کنید. اگر قبل از انجام کارها افکار درست بفرستید، خوب، درست است که این می‌تواند تا قسمتی مداخله را از بین ببرد.

پرسش: من مریدی هستم که فا را بعد از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ به دست آورده‌ام. در جریان تزکیه کردن، از بعدهای دیگر مداخله زیادی با من شده است، حتی شکنجه کاملاً بی‌اساس از طرف نیروهای شیطانی. چرا این طور است که موقعی که از افکار درست استفاده می‌کنم که این شکنجه و آزار را از بین ببرم هیچ‌گاه نمی‌توانم کاملاً ثابت‌قدم باشم و همیشه به نظر می‌رسد که مسائلی دارم که لازم است در آنها بهتر شوم؟

معلم: چطور بگویم... این اتفاق برای این می‌افتد که آن مریدان دفاعی که فا را بعد از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ به دست آوردند، برای شما روند تزکیه و اعتباربخشی به فا با هم ادغام شده است. درحالی که برای آنهایی که فا را زودتر به دست آوردند، مدت زمان تزکیه شخصی آنها قبل از این گذشته است، و درحال حاضر وظیفه اصلی آنها نجات موجودات ذی‌شعور است، تمرکز منتقل شده است به اعتباربخشی به فا. افرادی که بعداً وارد شدند و به وضعیت اعتباربخشیدن به فا برخوردند نیز باید آن را انجام دهند، و از طرفی بعضی موضوع‌های تزکیه شخصی هم با آن مخلوط است. بنابراین احساس می‌کنید که بعضی چیزها نسبتاً پیچیده به نظر می‌آیند، ولی اشکالی ندارد، چون امور از نظر استاد مرتب و منظم‌اند، و اگر افکار درست شما قوی باشند مشکلی نیست.

پرسش: آیا در این مرحله، فرستادن افکار درست می‌تواند جای تمرین کردن را بگیرد؟

معلم: اینها دو چیز مختلف هستند. (معلم می‌خندد) تمرین کردن تمرین کردن است. تمرین کردن برای تقویت مکانیزم‌ها و تبدیل بدن مادرزادی به یک بدن خدایی است. فرستادن افکار درست استفاده کردن از قدرتهای خدایی است، یا ساده بگویم، استفاده از توانایی‌هایتان. هدفش از بین بردن اشباح پوسیده شیطانی است.

پرسش: استاد محترم، درود! شاگردان زیادی هستند که برای کوچک‌ترین چیزی از افکار درست استفاده می‌کنند که شیطان را از بین ببرند. حتی وقتی ناراحتی‌های جزئی و بیماری‌های کوچکی دارند افکار درست می‌فرستند.

معلم: شاید خودتان فا را به اندازه کافی مطالعه نکرده باشید؟ اگر واقعاً اشتباهی کرده باشید و بعد در نتیجه‌اش مشکلی پیش بیاید، و بروید و افکار درست بفرستید، آن وقت درست به نظر نمی‌رسد، و نیروهای کهن در دسر درست می‌کنند. فکر می‌کنند که نه فقط ضعیف عمل کرده‌اید، بلکه تازه می‌خواهید آنها را از بین ببرید. همین طور به نظر می‌رسد، نه؟ پس باز باید بهترین سعی‌تان را کنید که ببینید امور را خوب انجام داده‌اید یا نه. اگر امور را خوب انجام نداده‌اید، بروید خوب انجام‌شان دهید. ولی در پرسش‌تان گفتید، "حتی وقتی ناراحتی‌های جزئی و بیماری‌های کوچکی دارند." منظورتان از "ناراحتی‌های جزئی" و "بیماری‌های کوچک" چیست؟ اینها نشانه‌ای از بین رفتن کارما هستند، درست است؟

پرسش: در مدت ماه‌های اولی که شروع به فرستادن افکار درست کردم، یک بار هنگام فرستادن افکار درست با چشم سومم به وضوح دیدم که در مدت فقط پنج دقیقه، یک نور قوی که رنگش بین بنفش و قرمز بود در یک آن همه چیزهای آن سردسته بزرگ اهریمن در چین راه، که هم انسان به نظر می‌آمد و هم غیرانسان، از بین برد. قدرت آن [نور] غیرقابل توصیف بود. آیا چیزی که از بین رفت فقط نمایشی از آن در بعد ما بود؟ آیا در تک تک بعدها نمایشی از آن هست؟

معلم: خیلی پیچیده است. بعضی وقت‌ها شما مریدان واقعاً می‌توانید مستقیماً اشباح پوسیده درون بدن آن سردسته بزرگ اهریمن را از بین ببرید. در آن مواقع به نظر می‌رسد که نزدیک است بمیرد، اما بعد دوباره شروع به زنده کردنش می‌کنند، و بعد دسته‌ای دیگر از اشباح پوسیده آن را پر می‌کنند، بنابراین برمی‌گردد، انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده بود. همچنین، برای اینکه بتواند تمام اشباح پوسیده را کنترل کند، نیروهای کهن، آن قبل‌ها تمام ذرات سلول‌هایش که بدن بشری زیر سطح و ظاهرش را می‌سازند تا نقطه‌ای تقویت کردند که آن ذرات به بزرگی سه قلمرو بودند. تمام چیزهای بشری درون سلول‌هایش را نیروهای کهن درآورده‌اند و به جهنم انداخته‌اند، و سلول‌ها را با آن اشباح پوسیده از نو پر کردند. از آنجا که ذرات یک انسان شکل همان فرد را دارند، تمام بعدهای سه قلمرو سلول‌های سردسته اهریمن را در خود داشتند، و تمام سلول‌ها تعداد بسیار زیادی از اشباح

پوسیده درون‌شان بود. برای همین، وقتی شما مریدان در آن زمان‌ها افکار درست فرستادید توانستید تعداد بسیار زیادی از ذرات سردسته بزرگ اهریمن و اشباح پوسیده در سه‌قلمرو را از بین ببرید. در لحظه‌ای که درحال از بین بردن و منفجر کردن آن بودید می‌دیدید که نابود شده است، و درست می‌دیدید. درحال حاضر آن را به چه وضعی کشانده‌اید؟ همه‌چیز جز ذراتی که ظاهر بشری‌اش را شکل می‌دهند از بین رفته‌اند و درحال حاضر خالی است. هیچ چیز باقی نمانده است. چیزی که باقی است فقط پوسته بشری است که از لایه‌ای از سلول‌های سطحی ساخته شده است، که شامل اندام‌های داخلی هم می‌شود. و دلیلش این است که تمام ذرات سلولی داخل سه‌قلمروی سردسته اهریمن که نیروهای کهن تقویت کرده بودند از بین رفته است، و در بالا و پایین، هیچ چیز از آن نمانده است، و تمام‌شان پاک‌سازی شده‌اند. درحال حاضر این پوسته بشری را آن آخرین و بدترین اهریمن‌های نیروهای کهن تقویت می‌کنند. بنابراین دیگر هیچ چیز از عقلانیت طبیعی یک انسان ندارد. همه چیز از آن اشباح پوسیده‌ای ناشی می‌شود که پوسته انسانی‌اش را کنترل می‌کنند، [پوسته انسانی‌ای] که واقعاً مثل لایه‌ای پوست است که نقاشی شده باشد. تمام پنداشته‌ها و کارمای آن فرد بد که ظاهر پوسته بشری‌اش در جریان زندگی‌اش تولید کرده است حالا خیلی هراسان به نظر می‌رسند. چیزی که نشان می‌دهد صرفاً ترس است. از عواقب از دست دادن قدرت می‌ترسد، از اعاده شدن نام فالون گونگ می‌ترسد، از کشته شدن می‌ترسد، از مصادره شدن پول و اموال هنگفتی که خانواده‌اش اختلاس کرده‌اند می‌ترسد — از همه چیز می‌ترسد. ولی شیطان آن سمت دیگرش هیچ حسی جز نفرت ندارد. می‌تواند ببیند که دیگر امید نیست، و احساس نفرت می‌کند، با این حال نمی‌تواند انرژی خیلی زیادی جمع کند. می‌داند که کارش تمام شده است. احساس نفرت می‌کند ولی همین‌طور هم می‌ترسد، و باید خودش را مجبور کند که پیش چشم مردم با انرژی رفتار کند، و سعی می‌کند که با چنگ‌و‌دندان نمایش را ادامه دهد. این وضعی است که درحال حاضر دارد. قبلاً که ذرات سلول‌هایش آن‌همه تقویت شدند، و درونش از اشباح پوسیده پر شد، انرژی شیطان واقعاً بیدار می‌کرد، و بدنش طوری تقویت شده بود که حس می‌کرد بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود؛ حس می‌کرد بدنی سالم و انرژی‌ای قوی دارد. همین‌طور دل و جرأت پیدا کرد و قیافه‌اش چنان وحشت‌انگیز بود که دور و اطرافیان‌ش واقعاً از آن می‌ترسیدند. حالا مثل بادنجانی است بعد از یخبندان، پر از چین و چروک است، و تمام چیزهای داخلش دور ریخته شده‌اند. هر چه مریدان دافا افکار درست بیشتری بفرستند تعداد اشباح پوسیده درون بدنش کمتر می‌شود، چروکیده‌تر می‌شود، و بدنش کوچک‌تر می‌شود، چون غیر از پوسته بشری‌اش هیچ چیز از ذرات میکروسکوپی‌اش باقی نمانده است.

پرسش: مریدان از دانشگاه دوم فرماندهی نظامی، تورنتو، پینگ‌شیانگ استان جیانگ‌شی، شهر چونگ‌چینگ، پرو، چین، ماکائو، ایالات متحده، شهر هاربین، استان شان‌دونگ، شهر جینان، شهر کن‌مینگ، استرالیا، شهر دالیان، مریدان آزاد شده از زندان در شهر جیاموسی، مریدان از آلمان، مرکز بازداشت **** در شهر شی‌جیاوآنگ، استان شان‌دونگ، شهر هنزه، تیان‌جین، استان شین‌جیانگ، شهر هنگ‌یانگ، و شهر چانگ‌چون — این مریدان به استاد درود می‌فرستند.

معلم: متشکرم! (تشویق)

پرسش: این اواخر که جوآن فالون را مطالعه می‌کرده‌ام، دیگر حس نمی‌کنم که هر بار که خواندن کتاب را به آخر می‌رسانم درک‌های جدیدی پیدا کرده و پیشرفت می‌کنم.

معلم: ارتفاع شین‌شینگ فرد هر قدر باشد ارتفاع گونگ او همان قدر است. باید دلیلی وجود داشته باشد. آیا علتش این است که ذهن‌تان آرام نیست؟ به‌نظرم باید دلیلی وجود داشته باشد. در سطوح بالاتر الزامات هم بالاترند.

پرسش: ممکن است به ما بگویید که وقتی از دوره اصلاح فا به دوره‌ای که فاندیای انسانی را اصلاح می‌کند گذر می‌شود روند آغازین چیست؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم، روندی که تصور کرده‌اید در کار نیست، اصلاً. می‌توانم به شما بگویم که نیروی عظیم اصلاح دنیای بشری توسط فا چیزی است که نیروهای کهن قبلاً نمی‌توانستند ببینند. حالا که آن را دیده‌اند تمام وجودشان را ترس گرفته است. برای همین، بسیاری از آن خدایانی که نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که کارهای خاصی انجام دهند حالا جرأت انجام آنها را ندارند. چیزی که در اوضاع کنونی متجلی می‌شود این است که اشباح پوسیده به انجام کارهای بد ادامه می‌دهند. وقتی اصلاح دنیای بشری توسط فا برسد تمام این چیزها تمام است. روندی در کار نیست. در زمان اصلاح توسط فا، در زمانی که گونگ می‌رسد، پدیده خاصی وجود خواهد داشت. چه پدیده‌ای؟ قبلاً به شما گفته‌ام که هر چیزی که انسان‌ها با چشمانشان می‌بینند از مولکول ساخته شده است. بنابراین اگر در این لایه مولکولی شکافی باز می‌شد یا پارگی‌ای ایجاد می‌شد - در هر جایی هم که بود - چه می‌دیدید؟ آسمان‌ها را می‌دیدید، دقیقاً مثل این بود که پرده یک سالن نمایش ناگهان شکافته شود یا شکافی در آن باز شود، اما نمی‌شود این بُعد تباها شود چراکه هنوز اصلاح دنیای بشری توسط فا باید انجام شود. یا، امکان دارد که از تمام سطوح میکروسکوپی به داخل [این بُعد] نفوذ کند.

پرسش: آیا نیروهای کهن، گذشته از وابسته بودن به نظم و ترتیب‌هایشان نواقص دیگری هم دارند؟

معلم: به غیر از وابسته بودن به هر چیزی که می‌خواهند اتفاق بیفتد چیز دیگری در موردشان نیست. فقط می‌خواهند که چیزهایی را که اول داشتند حفظ کنند، و فقط همین یک قصد را دارند.

پرسش: آیا هیچ مرید دافای دوره اصلاح فایی جا خواهد ماند؟

معلم: نه. (تشویق بلند) اگر شما را جا می‌گذاشتم تباها می‌شدید، واقعاً تباها می‌شدید. چون اگر کسی پیشروی نکند پسروی می‌کند. وقتی در این محیط ناگهان به آن وضعیت نائل می‌شدید، آن وقت در این محیط تا زمانی که این‌جا بین انسان‌ها بودید و موقع انجام کارها با انسان‌ها مخلوط بودید سطح‌تان پایین می‌آمد و رفته‌رفته توسط انسان‌ها آلوده می‌شدید. آیا نگفته‌ام که بودایان آسمان‌ها و بودایان، دائوها، و خدایان بعدهایی خاص باید در فواصل زمانی معین جایگزین شوند؟ علتش این است که به راحتی می‌شود سه قلمرو آلوده‌شان کند، بنابراین لازم است جایگزین شوند.

پرسش: استاد گران قدر، لطفاً به ما بگویید که کودکان‌های مینگ‌هوئی در چه مسیری باید باشند.

معلم: شما کارتان را عالی انجام داده‌اید! می‌دانید، آن سردسته بزرگ اهریمن به بچه‌های کوچک مهدکودک‌های چین سم تزریق می‌کند، خیلی پلید است! واقعاً می‌خواهد که نسل بشر را از بین ببرد! وقتی می‌بیند کارها را این‌طور انجام می‌دهیم خشمگین می‌شود. در حقیقت، در دولت قبلی چین، در بین رهبری مرکزی، از هفت عضو کمیته دائم شش نفرشان مخالف شکنجه فالون گونگ بودند. این را هم می‌دانم که حتی رئیس اداره ۶۱۰ نیز، که در حال شکنجه و آزار فالون گونگ بوده است، اول مخالف شکنجه و آزار بود. تقریباً تمام نهادهای دولتی مرکزی و وزارتخانه‌های مختلف دولت مخالف شکنجه و آزار فالون گونگ بودند.

پرسش: نیروهای کهن هنگام شرکت در این اصلاح فا برای زمان دو زمین به نظم و ترتیب پرداختند. چرا باید در زمین دوم با غول‌ها، کوتوله‌ها، و آدم‌های متوسط آزمایش صورت می‌گرفت؟ ممکن است بپرسم در زمین اول چه نوع افرادی را نظم و ترتیب دادند؟

معلم: وقتی این آزمایش در این جایی که ما هستیم مشغول انجام بود برای سه نوع از مردم نظم و ترتیب به عمل آمد. در زمین اول پنج نوع از مردم نظم و ترتیب داده شدند. وقتی داستان آن زمین سرانجام به آخر رسید سه نوع از مردم باقی ماندند. این

دفعه، از همان اول فقط سه نوع وجود داشتند. آنها پیوسته آن چه را که می‌خواستند اتفاق بیفتد بررسی می‌کردند و فقط قبل از اینکه اصلاح فا در پیش بود تصمیم آخر را گرفتند.

پرسش: پرسش من این است: وقتی افکار درست می‌فرستیم، آیا موجودات شیطانی سطح پایینی که از بین می‌بریم نیز در همان حال که از بین می‌روند جایشان از نو پر می‌شود؟

معلم: بُعدها را بدن‌های کیهانی‌ای که از بیرون آمدند بسیار پیچیده کرده‌اند. آنها حتی ذرات را بخش‌بخش کرده‌اند. شما واقعاً آنها را از بین می‌برید. اما چیزی که از بین می‌رود فقط یک قسمت بخش شده است. در مدت اصلاح فا وقتی لایه‌ای از موجودات بسیار بزرگ را پاک‌سازی می‌کنم دسته‌ای دیگر از اشباح پوسیده در معرض دید قرار می‌گیرند، و برای همین است که انگار هیچ وقت نمی‌شود کامل پاک‌سازی شوند. ولی در اصل، پاک‌سازی‌مان در مقیاس بزرگ و با سرعت زیاد انجام می‌شود. و علاوه بر این، تعداد کل چیزهایی که پاک‌سازی شده‌اند بسیار زیاد است. می‌توانیم این را از وضعیت کلی اصلاح فا ببینیم: قبلاً، هر ساقهٔ علف و هر درخت، زیر کنترل موجودات شیطانی بود، تقریباً تا جایی که حتی ذرات هوا هم زیر کنترل آنها بودند. حتی نفس کشیدن هم برای‌تان سخت بود. حالا امور فرق کرده است. مردم درحال بیدار شدن هستند، و اشباح پوسیدهٔ زیادی باقی نمانده‌اند که مردم را کنترل کنند. چه تغییر عظیمی!

پرسش: بیست و دوم ژانویه یکی از مریدان دافای ایالات متحده در فرودگاه گوانگ ژو بازداشت شد...

معلم: چون شما مرید دافا هستید، وقتی مشکلی هست همه باید یکی و همراه با هم کار کنید. از آنجا که ترسی ندارند که اعمال زشت‌شان به انتظار عمومی کشیده شود باید تمام‌شان را برای کل دنیا افشا کنیم، و بگذاریم تمام مردم آمریکا بدانند که یک شهروند ایالات متحده بازداشت شده است. از آنجا که ترسی ندارند که اعمال زشت‌شان به انتظار عمومی کشیده شود باید برویم و این کارها را انجام دهیم. هر روزی که آزادش نکنند روز دیگری است که آنها را افشا کنیم. (تشویق بلند)

پرسش: گاهی اوقات برایم معلوم است که نیروهای کهن چه هستند و گاهی اوقات معلوم نیست.

معلم: آنها فقط آن بیست درصد موجودات کیهان هستند، و نظم و ترتیب داده شدند که در امور من شرکت کنند. آنها در تاریخ نظم و ترتیب‌های سیستماتیک زیادی دادند، و من در خیلی از نظم و ترتیب‌هایشان در تاریخ شرکت کردم. اگر آن زمان‌ها در آنها شرکت نمی‌کردم شخص دیگری را انتخاب می‌کردند، و وقت اصلاح فا مشکلات حتی بیشتری پیش می‌آمد. فردی دیگر را برای اصلاح کردن فا انتخاب می‌کردند. آن وقت موقعی که زمان اصلاح کردن فا بود و شروع به انجام کارها می‌کردم، از تمام موجودات در کل کیهان استفاده می‌کردند که به دنبال من بیایند. اگر آنها را از بین می‌بردم چگونه می‌توانستم نجات‌شان بدهم؟ اینکه اصلاح فا واقعاً شبیه چیست را حتی یک موجود هم امکان ندارد بداند. هر کسی که می‌دانست از آن فرار می‌کرد، و این چیزی است که کیهان نمی‌تواند مجاز بداند. چه رسد به اینکه اجازه دهد موجودات کیهان نحوهٔ اجرای اصلاح فا را انتخاب کنند.

پرسش: تازگی‌ها زوجی که هر دویشان مرید دافا هستند صاحب بچه‌ای شدند که به نظر می‌رسد سختی بسیاری دارد و ناقص متولد شده است. این وضعیت را چطور باید ببینیم؟

معلم: امور در این زمان بسیار پیچیده‌اند. چون فرزند شماست باید با مهر و محبت به او برسید و تمام سعی‌تان را در مراقبت از او به کار ببرید. اما فکرتان آسوده باشد. تا وقتی که بتوانید تا کمال تزکیه کنید همه چیز به بهترین صورت ختم می‌شود (تشویق) — این برای تزکیه‌کنندگان و مریدان دافا ساخته شده است. ولی، اگر نتوانید به کمال برسید، آن وقت همه چیز بیهوده بوده است.

پرسش: استاد به ما گفته‌اند که بدنۀ اصلی دافا در چین است. میدان دافا در خیلی از جاهای چین هستند. ما چگونه می‌توانیم در رشد کردن با هم بهتر عمل کنیم؟

معلم: لازم نیست نگران این بود. همگی قادرند در مورد وبسایت مینگ‌هوپی بدانند. میدان دافا در مناطق دوردست همگی با همدیگر در تماس بوده و اطلاعات بین‌شان منتقل می‌شود.

پرسش: کمی قبل‌تر استاد گران‌قدر گفتند که کسانی که به‌هنگام شکنجه شدن تا آن جایی که دیگر متوجه نبودند، تعهدهایی نوشتند هنوز فرصت دارند. اما هر طور هم که باشد، من نمی‌توانم آن افرادی در چین را که به استاد خیانت کرده‌اند ببخشم. این طور نیست که کارهایی که نباید می‌کردند را کردند چون نمی‌توانستند شکنجه را تاب بیاورند. آنها در واقع از شیطان جانبداری کرده و شکنجه و آزار را بدتر کردند.

معلم: بله، وقتی آنها تا آنجا جلو رفته‌اند مشکل بتوان گفت چه اتفاقی بیفتد. گفته‌ام که می‌خواهم همه را نجات دهم. اما اگر گناه بسیار بزرگی مرتکب شده باشید، آن موقع از فایده‌ی قضاوت درباره‌ی شما استفاده می‌شود، و کار دیگری نمی‌شود برای شما کرد. برای حفاظت از فایده‌ی خواهی و ابهت باوقار همراه هم وجود دارند. اما نیروهای کهن عمداً برای عده‌ای نظم و ترتیب دادند که بیایند و کارها را آن طور انجام دهند، بنابراین خیلی پیچیده است. قبل از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ بعضی‌ها کاملاً فعال به نظر می‌رسیدند، اما وقتی شکنجه شروع شد مشتاقانه‌تر از هر کس دیگری در شکنجه شرکت کردند. این اتفاق برای این افتاد که وضعیت کلی را برای شاگردان پیچیده‌تر کند.

پرسش: استاد، لطفاً به ما بگویید که آیا وضعیت‌هایی هست که از داخل تصویر بودایی شما نیز عبور کنند؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم که آنها سعی ندارند کاری با من انجام دهند. آنها وابستگی‌های شاگردان را هدف می‌گیرند. اگر واقعاً درست عمل کنید مطلقاً جرأت نمی‌کنند همین طوری دست به آن کارها بزنند، چون که آن، بدن قانون مرا روی خود دارد. مخصوصاً در مورد نیروهای کهن، آیا این را می‌دانستید: اصلاح فای آنها بستگی کامل به من دارد، آنها به من احترام می‌گذارند، و آن محنت‌ها برای شما ساخته شده‌اند، نه من. اما اگر بتوانید آن چیزها را با افکار درست اداره کنید مورد مداخله قرار نمی‌گیرید. واقعیتش این است که در خیلی موارد دلیل پشتش این است که پای وابستگی‌هایتان در کار است.

همین چند لحظه قبل گفتم که این طور نیست که نیروهای کهن بخواهند کیهان را نابود کنند. آنها فقط می‌خواهند که هر چیزی را به شکل اولش حفظ کنند. بنابراین، از نظر بدن‌های قانون من [که بگویم]، فرق نمی‌کند نیروهای کهن باشند یا خدایان صالح، بدن‌های قانون من مشغول مراقبت از همه چیز هستند. فقط وقتی شما، میدان دافا، خودتان را خوب اداره نکنید جرأت می‌کنند کارهایی کنند. آن موقع است که بهانه‌ای برای هدف قرار دادن شما دارند. در شرایط عادی جرأت ندارند دست به چنان کارهایی بزنند. هر چند وضعیتی که قبل‌تر توصیفش کردم وجود دارد، پدیده انگشت‌شماری است، بسیار انگشت‌شمار. اگر این پدیده حتی یک یا دو بار هم اتفاق بیفتد پیامدهایش بسیار بزرگ هستند. برای همین است که گفتم آنها به محض رؤیت شدن نابود می‌شدند. صرف‌نظر از اینکه این کار را به‌عمد انجام دادند یا غیرعمد، به محض رؤیت شدن نابود شدند، چراکه گناه شکنجه کردن افکار درست و ایمان درست میدان دافا را مرتکب شدند. بنابراین، حتی اگر بتوانند کارشان را توجیه کنند، باز هم موقع انجام آن کارها خیلی با ترس و دلهره عمل می‌کنند. واقعیتش این است که از قبل از این درحال از بین بردن و خاتمه دادن این نوع جریان هستیم.

بعضی شاگردان دیده‌اند که نیروهای کهن دست به کارهای بدی می‌زنند و چیزهای بدی به بدن من می‌آورند. بعضی شاگردان می‌توانند این را ببینند. چیزی که بیشتر نگرانم می‌کند این است که روی شما ممکن است تأثیر بگذارد! چون، شما می‌دیدید که انگار چیزی بد در بدن استاد بود. آیا متوجه می‌شوید که آن چیزها مال شما هستند؟! به جای شما زجر می‌کشم. (تشویق بلند)

وگر نه چه کسی جرأت می کرد چیزی طرف من بیاورد؟ این اتفاق برای این می افتد که در حال محافظت از شما هستیم، و یک نفر باید آن [چیزها] را از بین ببرد.

پرسش: چگونه می توانیم مؤثرتر در مقیاس بزرگ حقیقت را روشن کنیم و موجودات ذی شعور را نجات دهیم؟ چگونه می توانیم کاری کنیم که روزنامه ها و تلویزیون مان تأثیر بزرگ تری داشته باشند؟

معلم: همه اینها موضوعات خاص هستند. در حقیقت شما کارتان کاملاً خوب است. باید به انجام این کارها ادامه دهید و راه هایی پیدا کنید که به بهبودشان ادامه دهید. این نیز رفتن در مسیر مریدان دافا و بنا کردن تقوای عظیم تان با نجات مردم دنیا است.

پرسش: وقتی افکار درست می فرستیم که مشکلات درون خودمان را از بین ببریم، آیا همچنین در حال از بین بردن نیروهای کهنی هستیم که از داخل بدن مان عبور می کنند؟

معلم: وقتی افکار درست می فرستید فقط محدود به چیزهایی که درون بدن تان است نمی شود، همه چیزهایی را که درون محدوده تان هستند فراری می دهد. بنابراین آیا این خوب است که فقط مدام افکار درست فرستاد که مانع آمدن آنها شد و هیچ کار دیگری نکرد؟ چیزی که می گویم این است که آنها دیگر در شرایط عادی جرأت آمدن ندارند، ولی اگر زیادی در موردش فکر کنید وابستگی می شود. بعدها دیگر هم زمان وجود دارند. وقتی موجودات آن بعدها دیگر به سمت شما می آیند و از داخل شما رد می شوند چیزی حس نمی کنید. بعدها این طور وجود دارند. ساختار کیهان صرفاً همین طوری است، و این تأثیری روی شما نخواهد گذاشت. چون موضوع ساختار به میان آمده است، مطلبی به شما می گویم که از شنیدنش خوش تان می آید. (تشویق بلند)

می دانید که گیاهان، جانوران، و چیزهای گوناگون خیلی خیلی زیادی روی زمین هست. مشخص بگوییم، می دانید که سیب، موز، پرتقال، و انگور وجود دارد، می دانید که بئر، شیر، خرگوش، و بز وجود دارد، و می دانید که انواع مختلف خیلی خیلی زیادی از درختان، گیاهان، و گلها هست. بعدها دیگر هم آن چیزها را دارند. بدن های کیهانی بسیار دوری که هم سطح با زمین بوده و شبیه زمین هستند نیز آن چیزها را دارند. ذره های سطح پایین تر، ذراتی را می سازند که یک سطح بالاتر هستند. آن ذره های بزرگ تر نیز این جانوران، گیاهان، و چیزهای گوناگون را روی خود دارند. سیب در آسمان ها این قدر بزرگ است که ممکن است حتی بزرگ تر از یک سیاره باشد. آیا سیب آن سیاره های سطح پایین، ذره ای در درون ذره های سطح بالای آن سیب بزرگ است؟ جواب مثبت است. روی زمین شیر هست، در آسمان ها هم شیر هست، و در سطوح حتی بالاتر هم شیر وجود دارد. روی زمین مردم وجود دارند، در آسمان ها هم مردم هستند، و مردمی حتی بزرگ تر وجود دارند — به قدری بزرگ که عظمت شان ورای مقایسه است. و موجودات پادشاه دارند، یا به عبارتی، هر موجودی یک پادشاه دارد. پادشاه یک موجود، بزرگ ترین لایه از آن ذره است، و هر چیزی پایین آن، روی ذراتی با اندازه های مختلف، برخی بزرگ و برخی کوچک، پخش هستند. موجود زنده روی کره لایه بزرگ ترین ذره، پادشاه تمام موجودات است، و ذراتش در تمام سطوح زبرش به نمایش در می آید.

پس این کیهان چه نوع وجودی است؟ بی شمار چیزی که به هم تابیده و آمیخته به هم هستند. موجودات خیلی زیادی روی زمین وجود دارند، ولی این موجودات زنده به هیچ وجه متعلق به یک پادشاه نیستند، و متعلق به یک سیستم موجودات نیستند. با این حال همگی این جا زندگی می کنند و با هم در آمیخته اند. ولی موجودات زنده به پادشاهان خودشان وصل هستند، و به موجودات دیگر وصل نیستند. یعنی، با اینکه در سراسر فضای کیهان با همدیگر برخورد دارند و به هم می رسند، اما سیستم های مستقل خودشان را دارند و تحت حکومت پادشاهان خودشان هستند. بنابراین شیرها پادشاه خود را دارند، سیبها پادشاه خود را دارند، موزها پادشاه خود را دارند، درختان پادشاه خود را دارند، گیاهان، علف، گلها — تمام چیزها — هر کدام پادشاه مربوط به خود را دارند. تمام موجوداتی که در بعدها هم سطح وجود دارند به این صورت با همدیگر برخورد داشته و با هم در می آمیزند. انسانها از داخل موجودات بسیار عظیم عبور می کنند. لحظه به لحظه، عناصر زنده بی نهایت میکروسکوپی از داخل بدن افراد عادی شناور

می‌شوند. از سطح و ظاهر شما بدن‌های قانونم و محافظان قانون مراقبت می‌کنند. و سمتی از شما که کامل تزکیه شده مهر و موم شده است. همین‌طور که کار یک لایه تمام می‌شود مهر و موم می‌شود. همین‌طور که کار لایه‌ای دیگر تمام می‌شود [آن هم] مهر و موم می‌شود. و هیچ چیز نمی‌تواند از داخل آن عبور کند. بنابراین این کیهان واقعاً پیچیده است. برای‌تان باز شکل دیگری از ساختار کیهان را شرح دادم. (تسویق بلند)

پرسش: به نظر من استاد بالاتر از همه چیز است و قبل از این، مسیر ما را نظم و ترتیب داده است. پس، از این دیدگاه، به نظر می‌رسد که نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را استاد با هدف رشد ما استفاده می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد که نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن در اصل خیلی واقعی نیستند. آیا این درک درست است؟

معلم: نصفش درست است، زیرا آنها را به رسمیت نمی‌شناسم. اما می‌دانستم که امور را این‌طور انجام می‌دهند، بنابراین انتخابی جز این نداشتم که با نقشه‌هایشان همراهی کنم و نقشه‌هایشان را به خودشان برگردانم. وضعیت این است.

پرسش: *میریدان دافا از استان لیائونینگ، مدرسه مینگ‌هوئی تایوان، پارک مرکزی سوئد، و شهر چنگ‌دو در استان سی‌چوآن به استاد درود می‌فرستند.*

معلم: متشکرم! (تسویق بلند)

پرسش: وقتی افکار درست می‌فرستیم که در خودمان مشکلات را از بین ببریم، آیا همچنین درحال از بین بردن نیروهای کهنی هستیم که از داخل بدن جسمانی میریدان رد می‌شوند، و آیا ایرادی ندارد که از نیک‌خواهی استاد کپی کنیم و در ذهن‌مان برایشان حقیقت را روشن کنیم؟

معلم: زیادی روی شما تأثیر گذاشته است. می‌توانم به شما بگویم که این اتفاق به خاطر ساختار فضایی کیهان می‌افتد و نباید در مورد آن نگران باشید. اگر نمی‌خواهید از داخل شما رد شوند، فقط دهان‌تان را ببندید و امروز را نفس نکشید. (حضار می‌خندند) زیرا هوا نیز زنده است، و موجوداتی‌اند که هنوز فا اصلاح‌شان نکرده است. پس نگران این چیزها نباشید. انسان‌ها هزاران هزار سال همین‌طوری زندگی کرده‌اند. چرا این‌قدر سخت است که یک انسان تزکیه کند، و چرا سخت است که یک انسان خدا شود؟ زیرا کیهان کهن خردش را ندارد و نمی‌تواند این مسائل را حل کند. برای اینکه این مسائل حل شوند، کیهان باید از بالا تا پایین به طور بنیادی کامل و بی‌عیب شود. مسیر خدا شدن انسان‌های آینده محقق شده است، و این اتفاق برای این افتاده است که این تعهد باید از این‌جا انجام شود، تمام مسیر تا بالاترین مکان. (تسویق بلند) پس برای یک انسان شکل‌گیری پنداشت‌های پس‌زادی، همراه با مداخله از طرف این نوع عنصر، امور را خیلی پیچیده می‌کند. نجات مردم واقعاً سخت است! موجودات الهی قدیم نجات مردم را کاری بسیار سخت دیدند، چون این پدیده را دیدند. آیا میریدان دافا باید از این بترسند؟ به هر چیزی با افکار درست پردازید! فقط به شما می‌گفتم که آن پدیده وجود دارد، چنان چیزی درحال وقوع است. این بخشی از ساختار کیهان است، امور این‌طورند.

پرسش: *این چند وقت، موقعی که افکار درست می‌فرستم بدنم فوق‌العاده گرم می‌شود.*

معلم: این چیز خوبی است. احساس گرما از داشتن مقدار خیلی زیادی انرژی می‌آید. بعضی‌ها می‌توانند احساسش کنند و بعضی‌ها نمی‌توانند.

پرسش: *من در سرم موج‌موج فشار حس می‌کنم. آیا این طبیعی است یا اینکه مداخله اهریمنی است؟*

معلم: کلی بگویم طبیعی است. تغییرات بدن تان، بازآموزی‌های گوناگون تان، و بالا رفتن سطح تان همگی می‌توانند چنین واکنشی بار بیاورند.

پرسش: خانمی در نیوجرسی هست که از چین آمده است. هر چهار دست و پای او سه سال پیش به خاطر یک آلودگی میکروبی قطع شدند. اما ذهنش هنوز هشیار است. یک مرید دافا کمی پایین‌تر از خانه او زندگی می‌کند. این مرید دافا چگونه باید به او کمک کند؟

معلم: مریدان دافا، مهمترین کاری که امروز لازم است انجام دهید روشن کردن واقعیت‌ها و نجات موجودات ذی‌شعور است. باید ببینید که او مسموم شده است یا نه، و اگر شده است باید بروید و با او حرف بزنید. اگر مسموم نشده است، آن وقت باید بروید هر کاری را که باید، انجام دهید. هر چه باشد دولت به ناتوانان جسمی رسیدگی می‌کند، پس نباید بیش از حد درباره‌ی آن فکر کنید. اگر زیادی به این موضوع‌ها وابسته باشید، آن وقت می‌توانم به شما بگویم، می‌توانید دیگر تزکیه را کنار بگذارید. بداقبالی و بی‌عدالتی‌های دنیای انسان‌ها خیلی بی‌رحمانه است، و چیزهای غیرمنصفانه بسیار زیادی در دنیای انسان‌هاست. آیا می‌توانید به همگی آن‌ها وابسته باشید؟ تنها راهی که کسی را نجات داد این است که در سطحی بنیادی نجاتش داد. (تشویق)

پرسش: بعضی‌ها می‌گویند که لازم نیست مریدان دافا پول پس‌انداز کنند.

معلم: دوباره زیاده‌روی است. (حضار می‌خندند) کاری که به نظر تان باید انجام دهید را انجام دهید. اگر می‌گویید که می‌خواهید پول پس‌انداز کرده و اموالی خریداری کنید، آن وقت در این حالت باید بروید انجامش دهید، چون مردم در آینده این‌طور تزکیه خواهند کرد. یا شاید بگویند که نمی‌خواهید دست به هیچ کاری بزنید و می‌خواهید همین‌جا منتظر بمانید، (حضار می‌خندند) خوب در این حالت به کمال نخواهید رسید. چه وابستگی قوی‌ای می‌شد! اما وقتی زمان کمال واقعاً می‌رسید، نمی‌توانستید آن چیزها را رها کنید، می‌توانستید؟ اگر می‌توانید رهاشان کنید پس مهم نیستند. فکر فرد در آن لحظه فکر یک خداست. پس چرا فکر این چیزها را کنید؟ خودتان را نگران هیچ چیز نکنید. درحقیقت، می‌توانم به شما بگویم که در آن لحظه آخر اصلاح دنیای بشری توسط فای، در یک آن همه چیز متلاشی خواهد شد. کدام پول؟ یک ورق کاغذ هم باقی نخواهد ماند. (تشویق بلند) اما این ارتباطی به شما ندارد.

پرسش: پس‌انداز پول و برنامه‌ریزی مالی برای تحصیلات آینده فرزندان چیزی نیست که باید خودمان را نگران کنیم چراکه قرار است در آینده به کمال برسیم و لازم نیست نگران این باشیم. (حضار می‌خندند) همچنین مریدان دافایی هستند که می‌گویند حتی نیاز نیست به والدین مان توجه کنیم، چون ممکن است دشمنان گذشته مان باشند. (حضار می‌خندند)

معلم: شبیه حرفی که یک مرید دافا بزند به نظر نمی‌رسد. وابستگی این قدر قوی شده است! آیا می‌دانید که به کمال رسیدن مریدان دافا چه چیز باشکوهی است؟ استاد باید از تمام چیزهای دور و اطراف تان مراقبت کند. آیا هیچ نیازی هست که نگران هیچ چیزی باشید؟ آیا توانایی مراقبت از آن چیزها را دارید؟ آیا امور طبق آرزوهای شما پیش می‌روند؟ آیا تا به حال این اصل را برای همگی تان توضیح نداده‌ام؟ اگر بخت و اقبال شان آن قدرها خوب نباشد، هر نوع برنامه‌ریزی‌ای هم که کنید کاملاً بی‌فایده است. اما استاد می‌تواند امور را برای تان نظم و ترتیب دهد. من می‌توانم نظم و ترتیب دهم، خواه اقبال خوبی داشته باشند یا نداشته باشند. نگران چه هستید؟ فقط باید تزکیه کنید و من برای شما از همه چیز مراقبت می‌کنم. آیا تا به حال این گفته نشده است؟ ولی اگر خوب تزکیه نکنید، آن وقت کاری نیست که بتوانم انجام بدهم. صحبت شما شبیه چیزی که یک مرید دافا بگوید به نظر نمی‌رسد، نظر من این است!

پرسش: شما صبح اشاره کردید که از هیچ چیز چیزی شدید، و اینکه در آینده هیچ کسی شما را نخواهد شناخت. می‌خواهم بدانم بعد از اینکه در آینده به کمال رسیدیم آیا هنوز چنین فرصت‌هایی خواهیم داشت که به آموزش فای شما گوش کنیم؟ اگر هنوز سؤال برایم پیش آید، آیا فرصت‌هایی خواهد بود که از شما بخواهیم برای من به آنها جواب دهید؟ (حضار می‌خندند)

معلم: تا ابد که نمی‌شود تزکیه کنید. (حضار می‌خندند) هنوز در حال استفاده از تفکر انسانی برای فکر کردن به مسائل هستید. خدایان این‌طور در مورد مسائل فکر نمی‌کنند. وقتی موجودات ذی‌شعور بی‌شماری داشته باشید که از آنها مراقبت کنید ذهن‌تان خیلی مشغول خواهد بود. آن وقت احتمالاً این قدر زود به یاد استاد نخواهید افتاد! (معلم می‌خندد) شوخی می‌کنم. البته، شاید در آینده در مقیاس بزرگ‌تری فا را آموزش دهم، و شاید هم این کار را نکنم. این‌ها همه موضوعات آینده‌اند. درحقیقت وقتی فکر می‌کنید که می‌توانید در آینده استاد را ببینید یا نه، هنوز برای تفکر درباره‌ی مسائل از افکار بشری موجود استفاده می‌کنید. آن روز که بشود در وضعیت دیگری خواهید بود. اما وقتی واقعاً به من نیاز داشته باشید، آن جنبه‌ای که محبت وسیع و پهناور بودا است را خواهید دید. (تشویق بلند) به این خاطر که شما خاص هستید. شما مریدان دافای دوره‌ی اصلاح فا هستید! (تشویق بلند) شما زمانی همراه اصلاح فا وجود داشتید! (تشویق بلند)

باید قدر این فرصت تقدیری را بدانید. واقعاً دفعه‌ی دیگری نیست. در آینده، تصویر وحشتناک اصلاح فا را که در گذشته تاریخ جای گرفته خواهید دید. عملکرد بعضی از مریدان دافا واقعاً ضعیف بوده است — یک لحظه کاملاً خوب عمل کرده‌اند و لحظه‌ی بعد نه. در واقع، حتی وقتی بدن‌های کیهانی بسیار عظیم، قدرت اصلاح فا را از نزدیک دیدند واقعاً حیرت‌زده شدند.

از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، امروز اولین باری است که در یک کنفرانس فا در چنین مقیاس بزرگی و برای چنین مدت طولانی‌ای پرسش‌های مریدان دافا را جواب می‌دهم. (تشویق بلند)

از برگه‌های پرسشی که این بار فرستادید می‌توانم ببینم که خیلی با قبل فرق دارند. کلمات ممکن است شبیه باشند، ولی می‌توانم ببینم که چیزی که درون‌شان است فرق کرده است. از این گذشته، بزرگ‌ترین فرق این است که ذهنیت کنجکاو و شیفتگی جای خود را به افکار درست داده است. شما معقول شده‌اید و دیگر به دنبال دانش در سطح و ظاهر پرسه نمی‌زنید. البته، وقتی درباره‌ی ساختار کیهان صحبت کردم همگی مجذوب شدید. ولی فقط شما نبودید — حتی خدایان هم به دقت گوش می‌کردند چراکه از آن حتی خبر هم نداشتند. (تشویق) بنابراین در مدت این شکنجه و آزار، با اینکه ضررهای زیادی دیده‌ایم و مریدان دافا بی‌جهت شکنجه شده‌اند، جداً می‌توانم بگویم که شما در مدت این شکنجه و آزار پخته شده‌اید، و الان خونسرد و معقول هستید. رفتار قدیمی یکی نبودن زبان و فکر، و بی‌توجهی به فا، دیگر رفته است. در مدت این شکنجه و آزار، هر کسی با جدیت روی اینکه چه مسیری را باید پیش بگیرد و چه باید بکند فکر کرده است. در واقع، نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که خیلی‌ها بیابند و نقش منفی ایفا کنند. بعضی از این افراد قبل از اینکه شکنجه و آزار شروع شود از آن دست کشیده بودند، و بعضی‌ها در مدت شکنجه و آزار این کار را کردند. زیرا سمتی از آن موجودات که آگاه است می‌داند. بنابراین، خیلی‌هایی که قرار بود نقش منفی داشته باشند از این کار دست کشیدند و حالا به شکلی درست و باوقار مشغول تزکیه هستند. زیرا من مطلقاً آنها را که نقش منفی دارند تصدیق نمی‌کنم. نیروهای کهن انتظار نداشتند که نظم و ترتیب‌هایشان — نظم و ترتیب‌هایی به آن پیچیدگی که در ظاهر برای من انجام شده بودند ولی در واقع برای خودشان انجام شده بود — و نیز هر کاری که کرده‌اند مانع واقعی اصلاح فا شود، و این که خودشان موانع اهریمنی واقعی در اصلاح فا شوند.

و از اهریمن‌ها که گفتم منظورم اهریمن‌های معمولی کیهان نبود. در اصل، "پادشاه اهریمن" کیهان تجلی جنبه‌ی دیگری از حیات‌هاست. آن هم نگهبان کیهان است، فقط اینکه از روش‌های پلید استفاده می‌کند. برای همین، منظورم آنها نبود. منظورم آن موجوداتی بودند که به اصلاح فا صدمه می‌زنند — آنها آن اهریمنانی هستند که واقعاً به دافا صدمه می‌زنند. چیزهای خیلی زیادی تجربه کرده‌ایم. خیلی وقت‌ها کلمات نوک زبانه بودند ولی مجبور به خوردن حرفم شدم، زیرا آنها را مطرح که می‌کردم واقعاً خیلی چیزها بودند که مجبور می‌شدم بگویم. خیلی چیزها را تجربه کرده‌ایم، و شما همگی پخته شده‌اید. باید با سفر پیش روی‌تان باز هم عاقلانه‌تر روبرو شوید، و باید هر چیزی را که امروز مشغول انجام آن هستید باز هم عاقلانه‌تر انجام دهید. دیگر

اسیر احساسات نباشید، و دیگر در بند حس بسیار قوی "خود" و منیت‌تان نباشید. همگی شما توانا و بااستعداد هستید، استاد گفته است که قبول‌تان دارد، و دیگر نیازی نیست این چیزهای خود را به استاد نشان دهید. (تسویق)

ما چطور باید... درست مثل چیزی که آن شاگردی که برگه پرسش را داد مطرح کرد، ما چطور باید در همکاری و هماهنگی کردن با هم خوب کار کنیم - این همان چیزی است که اصلاح فایده بیشتر از هر چیزی دیگر از مریدان دافا می‌خواهد. ما خودمان را درگیر شکل‌های ظاهری نمی‌کنیم. تا وقتی فایده را خوب مطالعه کرده باشید می‌توانید انجامش دهید. می‌دانید، آن قبلاًها، همه قبل از تمرین گروهی مشغول حرف‌زدن و انواع و اقسام کارها بودند، و واقعاً بی‌نظم به چشم می‌آمد. ولی تا آهنگ شروع می‌شد - یک‌باره همه کنار هم می‌ایستادند و صفی می‌بستند منظم‌تر از یک دسته سرباز. هیچ کسی مشغول تمرین دادن به شما نبود و هیچ کسی نبود که به شما بگوید چه کار کنید. بلکه از درون خودتان می‌آمد. این همکاری و هماهنگی است، و این هارمونی مریدان دافا است. نباید فقط این را در این موضوعات خاص نشان دهید، باید این نوع همکاری را در تمام قسمت‌های اصلاح فایده نشان دهید.

البته، بعضی مسائل هم هستند که قصد ندارم آنها را این‌جا مطرح کنم. و نمی‌خواهم روی آنها تأکید کنم، چرا که کلماتی که از دهان من می‌آیند خیلی سنگین هستند. زیرا خیلی از مسائل چیزهایی هستند که لازم است شما با آنها روبرو شوید، و همین‌طور چیزهایی هستند که، همین‌طور که زمین می‌خورید و می‌افزاید، از شما می‌خواهند پخته شوید، کاری می‌کنند که حواس‌تان جمع شود و متوجه‌شان شوید تا بتوانید در راه پیش روی‌تان خوب قدم بردارید.

همین‌طور، فکر نکنید، "اصلاح فایده اینجا رسیده است؛ دیگر به نظر می‌رسد که زود تمام می‌شود و باید شروع کنیم برای آینده برنامه‌ریزی کنیم." می‌توانم بگویم که هر وابستگی‌ای محنت‌های وحشتناک به بار می‌آورد. به هیچ صورت نباید هیچ وابستگی‌ای شکل دهید! باید به شکلی درست و باوقار تزکیه کنید، و هر چیز پیش روی‌تان را که باید انجام دهید خوب انجام دهید. اگر فردا باید به کمال برسید هنوز باید کارهایی را که امروز قرار است انجام دهید خوب و مرتب انجام دهید. زیرا هر چیزی که مریدان دافا امروز انجام می‌دهند برای مردم آینده به جای می‌ماند، و این مسیر تزکیه مردم آینده است. بی‌اندازه مهم است. مسیری کج و نادرست نروید. دافا در هر سطحی بهترین است، و در این سطح انسان‌ها مریدان دافا باید فقط آن را کامل‌تر و عالی‌تر کنند، و هیچ ضرری برایش به بار نیاورند.

همین‌قدر می‌خواهم بگویم. امیدوارم کارهایی را که قرار است، خوب انجام دهید. از سه کاری که برای اعتباربخشی به فایده است یکی مطالعه خوب فایده است، یکی روشن‌گری واقعیت‌هاست، و دیگری جدی گرفتن فرستادن افکار درست است. در کنار هم، این کارها همگی به فایده اعتبار می‌بخشند و همگی موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند، و همگی چیزی هستند که مریدان دافا باید انجام دهند. به بیانی، کمال شما، آینده‌تان، و تمام تقوای عظیم‌تان از این‌ها بنا می‌شود. همکاری و کمک خود را بر پایه توانایی‌های فردی‌تان و مهارت‌های خاصی که در قسمت‌های مختلف دارید ارائه دهید. برای مثال، در روشن‌گری واقعیت‌ها، برخی از شما برنامه‌های تلویزیونی تهیه می‌کنید، و برخی روزنامه منتشر می‌کنید، روش‌های خیلی مختلفی استفاده می‌شود، و برخی مستقیماً در خیابان مطالب روشن‌گری واقعیت‌ها پخش می‌کنند، برخی به کنسول‌گری‌های چین می‌روند، و برخی مشغول کار با دولت هستند. حتی یکی از تمامی این روش‌های مختلف نیز نباید نادیده گرفته شود. می‌توانم به شما بگویم، این واقعیت که در حال حاضر دافا توانسته است از سد شکنجه شیطانی بگذرد و بگذارد بیشتر مردم دنیا درباره‌ی دافا بدانند از کارهایی که امروز انجام می‌دهید جدایی‌ناپذیر است. وضعیت کلی این زمان چیزی است که شما آن را بنیان گذاشته‌اید. (تسویق بلند) اگر امور را خوب انجام ندهید باید قدر وقت را بدانید. نیازی نیست کسی تأییدتان کند، و نیازی نیست کارها را برای اینکه به کسی نشان دهید انجام دهید. وقتی بتوانید از روی وجدان‌تان عمل کنید استاد آن را می‌بیند. (تسویق)

به‌گمانم تا همین حالا هم خیلی صحبت کرده‌ام. بیشتر صحبت نمی‌کنم. کمی بی‌میلم که بروم - با شما بودن جداً برایم خوشایند است. (تسویق طولانی‌مدت)

